

شب عاشقان

در فضیلت شب و شب خیزان

مؤلف:

سید احمد حسینی همدانی

۱۳۸۰

پیش به سوی نظام علوی در سایه سیره علوی

حسینی، احمد، ۱۳۱۵ -

شب عاشقان: در فضیلت شب و شب خیزان / مؤلف احمد حسینی همدانی. -
تهران: بنیاد شهید انقلاب اسلامی، نشر شاهد، ۱۳۸۰.
۱۷۴ ص.

ISBN ۹۶۴-۶۴۸۹-۹۰-۷

فهرستتویسی بر اساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه به صورت زیرنویس.
چاپ دوم.

۱. نماز شب. ۲. دعای شب. ۳. شب -- جنبه های مذهبی -- اسلام. الف. بنیاد
شهید انقلاب اسلام. نشر شاهد. ب. عنوان. ج. عنوان: در فضیلت شب و
شب خیزان.

ش ۲/۴۲ ح/۷/۱۸۷ BP ۲۹۷/۳۵۳

کتابخانه ملی ایران ۱۸۹۲۴-۸۰م

محل نگهداری:

شب عاشقان

در فضیلت شب و شب خیزان

مؤلف: سیداحمد حسینی همدانی

ناشر: نشر شاهد

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: دوم - ۱۳۸۰

لیتوگرافی و چاپ:

قیمت: ریال

شابک: ۹۶۴-۶۴۸۹-۹۰-۷ ۹۶۴-۶۴۸۹-۹۰-۷ ISBN:

تلفن: ۷ - ۸۳۰۷۲۴۶

بسمه تعالی

در شرایطی که یورش فرهنگ مبتذل غرب و تبلیغات همه جانبه دشمنان اسلام به سوی نسل جوان ما آغاز شده، در شرایطی که لشکر فساد و نیروهای شیطانی استکبار جهانی به این سرزمین و مردم آن، بویژه جوانان عزیز، شبیخون زده و با همه توان می کوشند که آنها را از مکارم اخلا و فضایل انسانی جدا کنند و از این راه به مقاصد شوم خود نایل آیند و در شرایطی که امکانات و وسایل انحراف به گونه ای گسترده در سر راه آنها قرار دارد، حال در چنین موقعیت حساسی بایسته است عزیزان ما و این سرمایه های عظیم کشور با واژه های نورانی معصومین که با خطرهای انسانی و استعداد های نهفته در ژرفای جان آدمی ارتباط دارند آشنا شوند و خود را بدینوسیله بیمه و مستحکم کنند تا یورش فرهنگ نادرست و مبتذل غرب نتواند وجود معنوی آنها را زیر و رو کند.

به امید بهره گیری درست از مکتب غنی و انسان ساز اهل بیت عصمت و طهارت.

شب عاشقان بیدل چه شب دراز باشد***تو بیا کز اول شب در صبح باز باشد
 به کرشمه عنایت نگهی به سوی ما کن***که دعای دردمندان ز سر نیاز باشد
 همه شب در این خیالم که حدیث وصل جانان***به کدام دوست گویم که محل
 راز باشد

تقدیم به شب زنده داران،
تقدیم به آنها که در دل شب رها از غوغای روز در خلوتگه معشوق با
او راز و نیاز می کنند، تقدیم به بیدار دلانی که در ظلمت شب به کانون
انوار جمال مطلق روح خود را پیوند می زنند سیاهیهای دل را به اشک
ندامت شست و شو می دهند،
تقدیم به شب خیزانی که در سحرگهان با تلاوت قرآن به درگاه خدا
پناه می برند و دلهای خود را به نور قرآن روشن می کنند،
تقدیم به زاهدان شب و دشمن ستیزان روز؛
آری، تقدیم به آنها.

فهرست

- پیشگفتار... ۱
- مقام محمود... ۱۳
- مقام عبودیت... ۲۲
- تقویت اراده... ۲۳
- پند جبرئیل... ۲۷
- نشانه مومن... ۳۳
- محبت به صالحین... ۴۱
- تلاوت قرآن در شب... ۵۹
- بهترین وسیله سنجش ایمان... ۶۱
- قرآن شفای دردهاست... ۶۴
- انس با شب... ۷۵
- علی و شب... ۷۶
- گوشه ای از ناله های شبانه امام سجاد(ع)... ۷۹
- زهر اسلام الله علیها - و شب... ۸۹
- سلاح پیامبران... ۹۷
- مناجات... ۱۰۳
- کیفیت نماز شب... ۱۰۶
- بکاء اللیل «گریه در شب»... ۱۲۵
- چشم گریان... ۱۲۷
- بزرگترین قطره... ۱۳۷
- ارتباط دیده با دل... ۱۴۱
- چند شعر از چند شاعر... ۱۵۴

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ
الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ اَدَّهَبَ النَّهَارَ وَ جَاءَ بِاللَّیْلِ وَ نَحْنُ فِیْ نِعْمَةٍ مِّنْهُ وَ عَافِیَةٍ وَ
فَضْلٍ عَظِیْمٍ
الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ یُوَلِّجُ اللَّیْلُ فِی النَّهَارِ وَ یُوَلِّجُ النَّهَارَ فِی اللَّیْلِ وَ یُخْرِجُ
الْحَیَّ مِنَ الْمِیْتِ وَ یُخْرِجُ الْمِیْتَ مِنَ الْحَیِّ
وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ الَّذِیْ اَسْرَىْ بِهٖ لَیْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اِلَی
الْمَسْجِدِ الْاَقْصٰی وَ عَلٰی اٰلِهِ الطَّیِّبِیْنَ الطَّاهِرِیْنَ.
شب عاشقان

پیشگفتار

در این معنا تردیدی نیست که علت غایی خلقت انسان کمال است. و خداوند حکیم - جَلَّتْ عَظْمُتُهُ - این موجود عظیم و پیچیده را که افضل و اشرف همه ممکنات و مخلوقات خود قرار داده برای کمال آفریده است. خداوند برای رسیدن به این هدف عالی و بلند، کتابها و پیامبران فرستاده و دستورالعملهای مثبت و منفی زیر عناوین گوناگون به وسیله پیامبران در دسترس بندگانش قرار داده است؛ مانند عبادت، اخلاقیات، اعتقادات و... که هر يك به نوبه خود در سیر تکاملی و حرکت انسان به سوی همان علت غایی نقش موثر و بسزایی دارند.

اگر با دقت نظر بیشتری به عبادات بنگریم (واجب یا مستحب) خواهیم یافت که بعد تربیتی و سازندگی آنها بر سایر ابعاد برتری دارد. و اگر نگویم علت تامه است، به طور قطع از مهمترین علل خواهد بود. به مانند نمونه، نماز از مهمترین عبادات است. هنگامی که به پیش زمینه ها و مسائل گوناگون آن می اندیشیم می بینیم بخش مهم آن در راستای تربیت انسانهاست، چه از نظر اجتماعی، اقتصادی، عقیدتی، اخلاقی، بهداشتی، نظم و اندازه گیری و چه از نظر روحی و معنوی مانند وقت نماز، جهت نماز، مکان نمازگزار، لباس نمازگزار، غسل، وضو، آب وضو و...

و همچنین است روزه و مسائل مربوط به آن و حج و مسائل آنکه اگر عمیقاً به هر يك از این واجبات به گونه ای جداگانه بنگریم پی خواهیم برد که هر کدام بنتهایی يك مکتب تربیتی همه جانبه برای انسانهاست. یکی از دستوراتی که خداوند در قرآن کریم از آن به عنوان عبادت یاد کرده است و سرپیچی از آن را موجب آتش و جهنم بیان فرموده است دعاست که می فرماید:

ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ (۱).

«بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را آنهایی که استکبار می کنند از عبادت من بسیار زود به رو وارد جهنم خواهند شد.»
و نیز در جای دیگر می فرماید:
«آنهایی که دعا نمی کنند من به آنها اعتنا نمی کنم.»
قُلْ مَا يَعْبُوا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ (۲)

«دعا یعنی طلب و خواستن روح طلب و خواستن همانا نگرش است.»
و توجه به خدا انسان را از بدیها و زشتیها باز می‌دارد و به نیکیها و محسنات وا می‌دارد. همین بازداشتن و واداشتن انسان را تربیت می‌کند و به هدف غایی که همان کمال باشد نزدیک می‌کند. دعا نه تنها عبادت است بلکه روح عبادت و مغز عبادت است. چنانچه رسول خدا فرموده اند:

الدُّعَا مَخُّ الْعِبَادَةِ

«نماز که مهمترین عبادت است یکسره دعاست.»

الصَّلَاةُ هِيَ الدُّعَا

«نماز به تمامی دعاست. نماز برای یاد خداست. و یاد خداوند - عز و

جلّ - همان نگرش و طلب است.»

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي. (۳)

«دعا موجب قرب و نزدیکی به خداست.»

چنانچه می‌فرماید:

وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ (۴)

«ای رسول گرامی من! زمانی که بندگان من از تو پرسش کردند که من

کیستم (خداوند متعال) به آنها بگو که من به آنها نزدیکم و خواسته های

آنها را اجابت می‌کنم به هنگامی که مرا بخوانند.»

و همچنین دعا موجب رشد و تکامل انسان است. چنانچه در پایان آیه

فَو می‌فرماید:

لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ (۵)

دعا روح امید و آرزو را در انسان تقویت می‌کند که امید خود موجب

حرکت و تلاش است. دعا انسان را از رکود و تنبلی باز می‌دارد و وادار به

سعی و کوشش می‌کند. دعا دل‌های مرده را زنده و قلب‌های افسرده را نور

می‌بخشد. دعا ینابیع و چشمه های عرفان را در دلها جاری می‌سازد. آدمی

را از تمایلات نفسانی و حیوانی جدا می‌کند و به لذات معنوی و روحی

نزدیک می‌کند. دعا معراج مؤمن و وسیله پرواز انسانی است به جهان

ملکوت و انسلاخ از جهان ناسوت است.

دعا سلاح انسان و مؤمن است در برابر سپاهیان شیطان و دشمنان

درونی و همچنین دشمنان بیرونی و شیاطین انسی. انبیا و سفرای الهی با

این اسلحه بر اعدا و دشمنان خدا چیره شدند.

الدُّعَا سِلَاحُ الْأَنْبِيَاءِ

«دعا سلاح پیامبران است.»

بخش مهمی از زندگی پیامبران با دعا سپری شده است، در حالات گوناگون در حال آرامش، در میدان جنگ، در حال صلح، در قتل جبال، در حال صحت، در حال بیماری، در سفر، در حضر و... این خود يك حجت قاطع و روشنی است برای اثبات این ادعا. نیز ائمه اطهار - علیهم السلام - که الگو و نمونه های کامل انسانیت هستند و در آموزش و تربیت نقش پیامبران را داشته اند و در ارشاد و هدایت نوع بشر سرمشق و اسوه بوده اند، و تا روز محشر کردار و رفتار و گفتار آنها در راستای حرکت تکاملی انسانها نقش موثری داشته است، می بینیم که تا چه اندازه ارتباط و انس با دعا داشته اند. صحیفه سجادیه و ادعیه مأثوره از امیرالمؤمنین و ائمه اطهار شاهد گویای این موضوع است. و نیز کردار علمای ربّانی و آموزگاران اخلا و عرفان که تالی ثلوه انبیا و ائمه هستند، و در مسئله هدایت و ارشاد و تربیت وارثان آنها، در مورد دعا چقدر توصیه و بحث و گفتگو داشته اند و عملاً رسالت خود را دنبال نموده اند؛ که اگر بخواهیم به ذکر نمونه و شاهد پردازیم سخن به درازا می کشد و، با این جزوه که برپایه اختصار تنظیم شده است تناسب ندارد و ممکن است از حوصله خوانندگان محترم خارج باشد.

این در مورد اصل دعا. و اما چه هنگام و کجا و چگونه باید دعا کرد؟ از آیات قرآن و روایات اهل بیت و کردار معصومین کاملاً بهره گیری می شود که بهترین زمان برای نیایش و دعا شب است. آنگاه که همه خلق به خواب رفته اند و همه درها بسته شده است، آنگاه که انسان از همه چیز رها شده و گیر و دارهای روزانه را پشت سر گذاشته است، و از برخوردهای گوناگون زندگی فاصله گرفته و آرامش و سکوت شب همه جا را فراگرفته؛ بپاییزد و با معشو راستین به راز و نیاز پردازد. بستر استراحت را رها کرده قیام کند که فرموده:

يا أَيُّهَا الْمَزْمَلُ قُمْ اللَّيْلَ (٦)

«ای جامه خواب به خود پیچیده به هنگام شب برخیز.»

آری، هر چند خطاب به شخص رسول خداست ولی روشن است که تکلیف نماز در دل شب به عنوان يك امر مستحبی برای غیر رسول الله يك امر همگانی است.

باری، اگر انسان بداند ارتباط با خداوند در دل شب تا چه اندازه روح او را متعالی می کند و تا چه اندازه تقرب به نور الهی را در بر دارد، هرگز

مسائل پر زور و بر مادی او را به خود مشغول نمی کند و لذت قرب و انس با معبود را با هیچ لذتی مقایسه نمی کند و نخواهد کرد.

اگر لذت ترك لذت بدانی***دگر لذت نفس لذت ندانی

سفرهای علوی کند مرغ جانت***گر از چنبر آز بازش رهانی

بلکه باید گفت ارتقا روح و علو مرتبه او به جایی می رسد که درگاه معبود را در دل شب با بهشت و نعمتهای آن هم عوض نمی کند و می گوید:

الهی! عابد از تو حور می خواهد قصورش بین***به جنت می گریزد از درت

یا رب شعورش بین

یکی از بزرگان اهل دل و سالکان طریق کمال می گوید:

لو خیرت بین الصلوة الرکعتین و دخول الجنة فانا اختار صلوة الرکعتین
على دخول الجنة قيل له وكيف ذلك قال لارن في الجنة مشغول بحظي و
في صلوة الرکعتین مشغول بحق وليي(۷)

«اگر مرا مخیر کنند میان خواندن دو رکعت نماز و داخل شدن در بهشت، من خواندن نماز را بر در آمدن در بهشت ترجیح می دهم. از او پرسش کردند که این چگونه می شود گفت برای اینکه در بهشت مشغول به نعمتهای الهی هستم ولی در نماز با خود او.»

ز در خویش خدایا به بهشتم مفرست***که سر کوی تو از کون و مکان ما را

بس

نه جنت خواهم نه حور و نه انهار می خواهم***به تو ارزانی ای زاهد که من

خود یار می خواهم

شهان مملکت فردوس را باری به دست آرید***که من درویش عالی همتم

دیدار می خواهم

سر سلسله عارفان امیر عاشقان هادی سالکان و سرور مؤمنان علی -

علیه السلام - می فرماید:

ما عبدتك طمعا لجناتك و خوفاً من نارك بل وجدتك أهلاً للعبادة.(۸)

«من تو را ستایش نمی کنم برای طمع به بهشت و یا به خاطر ترس از

آتش بلکه تو را چنین یافته ام که باید ستایشت کنم.»

و پویندگان راه او هم می گویند:

عابد از حق طلبد حور قصور و لب حوض***زاهد از حق طلبد خلد و سرور و

لب حوض

من می وصل تو خواهم نه ظهور و لب حوض***سایه طوبی و دلجویی حور

و لبِ حوض

به هوای سر کوی تو برفت از یادم
 خواننده عزیز ببین امام الساجدین و سیدالعابدین در این رابطه با خدا
 چگونه سخن می گوید:
 إلهی مَنْ ذَا الَّذِي ذَا حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا وَمَنْ ذَا الَّذِي أَنَسَ
 بِفُرْبِكَ قَابَتْنِي عَنْكَ حَوْلًا (۹)

«ای معبود من! کیست آنکه حلاوت و شیرینی محبت تو را چشیده
 باشد آنگاه از تو فرار کند و دیگری را مقصود و مطلوب خود قرار دهد.»
 و نیز آن حضرت در جای دیگر در برابر معشوقش چنین عرضه
 می دارد:

إلهی مَا أَلَذَّ خَوَاطِرُ الْإِلَهَامِ بِذِكْرِكَ عَلَى الْقُلُوبِ وَمَا أَحْلَى الْمَسِيرَ إِلَيْكَ
 بِالْأَوْهَامِ فِي مَسَالِكِ الْغُيُوبِ وَمَا أَطْيَبَ طَعْمَ حُبِّكَ وَمَا أَعْدَبَ شُرْبَ
 فُرْبِكَ (۱۰)

«ای معبود من! چه لذت بخش است خاطره های الهام بخشی که با یاد
 تو در دلها می نشیند و چقدر شیرین است مسیر سفری که با مرکب افکار
 درونی در طریق پنهانی (البته از دیدگاه مردم) و چقدر پاکیزه و مطبوع
 است طعم محبت و چه دلپذیر و گواراست شربت قرب و نزدیک شدن به
 ساحت اقدس.»

این کلمات سخنان امام معصوم است در دل شب در برابر پروردگارش
 که برای همه انسانهای حق طلب سرمشق و هدایتگر در راستای مناجات
 با خدا در شب است. ناگفته نماند که شرط بنیادین در استجاب دعا و
 توجه حضرت پروردگار به بنده داعی همانا ایمان راسخ و اخلاص است و
 بس.

لطفاً به این بیان مولای متقیان علی(ع) با دقت توجه فرمایید:
 الدُّعَا مَقَاتِيحُ النَّجَاحِ وَمَقَالِيدُ الْفَلَاحِ وَخَيْرُ الدُّعَا مَا صَدَرَ عَنِ نَقِي وَ
 قَلْبٌ تَقَى وَفِي الْمَنَاجَاتِ سَبَبُ النَّجَاةِ وَبِالْأَخْلَاصِ تَكُونُ الْخَلَاصُ فَادَّأ
 إِشْدَدْتُ الْقَرْعَ قَالِي اللَّهُ الْمَفْرَعُ (۱۱)

«دعا کلیدهای نجات و گنجینه های رستگاری است و بهترین دعا آن
 دعایی است که از سینه پاک و دلی پرهیزگار برآید و او وسیله رهایی در
 مناجات است و به وسیله اخلاص حاصل آید و چون فزع و
 بی تابی سخت شود پس به سوی خداوند است پناهگاه (باید به خدا پناه
 برد.)»

نماز ریایی

اگر نه روی دل اندر برابرت دارم*** من این نماز حساب نماز نشمارم
 ز عشق روی تو من رو به قبله آوردم*** و گره من ز نماز و ز قبله بیزارم
 مرا غرض ز نماز آن بود که پنهانی*** حدیث درد فرا تو با تو بگذارم
 و گرنه این چه نمازی بود که من با تو*** نشسته روی به محراب و دل به
 بازارم
 نماز کن به صفت چون فرشته ماند و من*** هنوز در صفت دیو و دد گرفتارم
 کسی که جامه سگ بر زند نمازی نیست*** نماز من به چه ارزد که در بغل
 دارم
 از این نماز ریایی چنان خجل شده ام*** که در برابر رویت نظر نمی آرم
 مولوی

از این فرصت مناسب بهره گیری شود

اکنون که به فضل خداوند و عنایات اهل بیت عصمت و از برکت
 انقلاب اسلامی نسل جوان ما گرایش فراوانی به عبودیت و بندگی پیدا
 کرده است، و در مسیر تقرب الی الله با سرعت گام بر می دارد و در
 راستای خودسازی و حرکت تکاملی کوشاست، و استعداد های اخلاقی و
 انسانی این نسل شکوفا شده است و در حقیقت تشنه معارف قرآن و
 مکتب غنی و انسان ساز اسلام و فرهنگ معصومین - علیهم السلام -
 گردیده است و برای رسیدن به مقام والای انسانی تا حد جان باختن آماده
 است؛ سزاوار است که در این شرایط استثنایی وقت را غنیمت شمرده و
 در ترغیب آنها سعی و تلاش بیشتری داشته باشیم و برای ارتقا روحی و
 معنویت آنها از کلمات نورانی و ادعیه پرمحتوا و سازنده آن بزرگواران
 بهره گیری کرده و در جهت ارزشهای انسانی و الهی سوقشان دهیم.

به حکم انسان دوستی و علاقه به حق پرستی و انتشار محتوای قرآن و
 اسلام باید از این مجال بسیار درخشنده بهره گیری کنیم و این نیروی عظیم
 جامعه را با نیروی نیایش و عبادت قویتر و قویتر کنیم. لذا، این بنده عاصی
 و نیازمند این جزوه مختصر را که در بردارنده مجموعه ای از آیات قرآن و
 روایات اهل بیت و سخنان بزرگان و علما و ادبا و عرفا و شعرا درباره دعا و
 نیایش - بهویژه در شب و نقش شب در سیر و سلوک الی اله است - به
 منظور ترغیب و تشویق آن دسته از زنده دلان و شب خیزان و عاشقان
 شب زنده داری که در صدد رسیدن به قرب ساحت مقدس حضرت حق

هستند - بخصوص فرزندان جوان اسلام - زیر عنوان (شب عاشقان بی دل) ترتیب داده تقیم آنها می کنم.

به امید آنکه در دلی اثر بگذارد و دعای نیمه شب دل سوخته ای که آثار فراوانی دارد، نصیبی هم عاید این غریق بحر معاصی، و بازنده سرمایه عظیم عمر و جوانی، و مسکین بی پناه و سرگردان وادی جهالت و نادانی، نویسنده این اورا جاودانی، یعنی سیداحمد حسینی همدانی، شود و چه زیبا سروده است شاعر و عارف همدانی:

از يك ندای یارب شب زنده دارها***حاجت روا شوند هزاران هزارها
يك آه سرد سوخته ای در سحر زند***بر خرمن وجود جهانی شرارها
بار خدایا! تو در دل آنها بینداز که آن شب زنده داران و عاشقان شب در
مظان استجاب دعا فراموشم نکنند.

آمین یا رب العالمین
حسینی همدانی

چند تذکر:

۱. مأخذ و مدارك آیات، روایات، اشعار و مطالب دیگر در پاورقی با علامت ۱ و ۲ و ۳ نگاشته شده است.
 ۲. قضایای جنبی و تناسبی در پاورقی آمده است.
 ۳. اشعاری که با تخلص (بیدل) به چشم می خورد از سروده های مؤلف کتاب است. امید آنکه با دیده اغماض بنگرند.
- برخی اشعار که تخلص آن ذکر نشده در پاورقی آمده است.

(بیدل یا بیدل همدانی)

مقام محمود

وای از اسرار درون دل شب

شب چه ها دیده به عالم یارب

مقام محمود

قالَ الْحَكِيمُ فِي كِتَابِهِ الْكَرِيمِ:

وَمَنْ اللَّيْلِ فَتَجَهَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ عَسَى أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَحْمُوداً (۱۲)

«بخشی از شب را به عبادت بیدار باش، گو اینکه این یک وظیفه اضافی است به امید اینکه از این رهگذر پروردگارت تو را به مقام والایی که سزاوار ستایش باشد (مقام محمود)».»
بیش از ۹۰ آیه در قرآن کریم درباره شب آمده است.

صدها حدیث و روایت اهل بیت عصمت در این رابطه در کتابهای معتبره به چشم می خورد.

علما و دانشمندان ربّانی و عرفانی بزرگ اسلامی درباره شب سخنها دارند. ادبا و شعرا به عناوین گوناگون شب را ستوده اند. داستان سریان و تاریخ نویسان از شب قضایا و داستانها نقل کرده اند. نویسندگان از شب قصه های شگفت انگیز به نگارش آورده اند. پویندگان راه کمال در دل شب راه را یافته اند. رهروان راه سعادت از شب به فلاح و رستگاری رسیده اند. سیرکنندگان عالم ملکوت سیر خود را در شب آغاز کرده اند. سرگشتگان وادی گمراهی از نورانیت شب راه را یافته و از ظلمت گناه به روشنایی هدایت نایل آمده اند. عاشقان و شیفتگان حضرت حق برای رسیدن به معشو شب را انتخاب کرده اند. میقات و میعاد انبیا با حضرت پروردگار در شب بوده است. وعده گاه حضرت موسی بن عمران با خدا در شب بوده است (۱۳). توحید ابراهیم خلیل (قهرمان توحید) از شب و ستارگان درخشان آغاز شد (۱۴). مناجات حضرت ختمی مرتبت با معبود خود در غار حرا اغلب در شب بوده است که فرمودند هیچ منظره ای به اندازه شب و ستارگان آسمان در دل شب مرا به خود جلب نکرده است. سیر ملکوتی رسول عالی قدر اسلام در شب بوده است (معراج) (۱۵). مناجاتهای شبانه علی (ع) - انس علی به شب - عشق علی (ع) به شب که به خواست خداوند در صفحات بعد به آن اشاره خواهیم داشت.

زهره - علیها سلام اله - و شب، دعای نیمه شب او، گریه های شبانه او، مناجات و نماز شب او. شبهای امام سجّاد و صحیفه و همچنین دیگر ائمه و معصومین - علیهم السلام - از همه مهم تر نزول قرآن آن کتاب

انسان سازی که همه شئون زندگی بشر را تدوین کرده است، در شب است (۱۶). آن محدوده زمانی که وسعتش از عالم بیشتر و فضیلتش از هزار ماه عبادت بالاتر است شب قدر است (۱۷). مقدرات و سرنوشت انسانها در شب رقم خورده است. لیلۀ مبارک در قرآن همان شبی است که قرآن نازل شده است (۱۸). شب عرفه افضل از تمام ازمنه است. انا لیلۀ القدر. شب عرفات، شب معشر، شبهای منی و سرانجام خیلی شبهای دیگر همانند شب عاشورا یعنی شب عشق مردان خدا، شب عاشقان بیدل و در یک واژه شب یعنی نوری در ظلمت.

نوری در ظلمت

شب، انیس دل محرومان است***شب تسلی ده مهجوران است
عاشق اندر دل شب راز کند***عقده های دل خود باز کند
شب که خلوتگه عشا بود***وسعتش بیش ز آفا بود
آنکه اندر دل شب بیدار است***بخت بیدار و را همیار است
ساکنان حرم خلوت یار***فربشان هست همه در شب تار
عاشقان حرم محرم راز***در دل شب کنند راز و نیاز
سالکان حرم کعبه دل***جمله از یمن شب تار رسیدند منزل
شب چه زیبا و فرح انگیز است***دل عاشق ز شمع لبریز است
خوش بود در دل شب راز و نیاز***نالۀ و آه و مناجات و نماز
شب عشا به از روز بود***فرح انگیز و دل افروز بود
سرنشینان حریم ناسوت***به شب تار روند تا ملکوت
سیر معراج رسول دوسرا***گشت آغاز به شب ز امر خدا
از حرم تا به حریم قوسین***شب همی تاخت امیر کونین
بیدل از عزت دارین خواهی***جز ره شب تو نیابی راهی (۱۹)
اکنون به گونه ای فشرده به بیان آیه مبارکه فو می پردازیم:
اگر چه خطاب در این آیه شخص رسول خداست، اما باید به این معنا توجه داشت که: مقام محمود یعنی همان مقام والای معنوی و سزاوار ستایشی که برای همه انسانها در نظر گرفته شده است. هر کس بر پایه لیاقت و شایستگی می تواند درجه ای از آن مقام را به دست آورد. اصولاً خداوند کریم اراده کرده است هر کسی را به اندازه شایستگی او به او عنایت فرماید. انسانها که توانستند در عالم امکان تصرف کنند و کار خدایی کنند به این مرتبه نرسیدند مگر از طریق عبودیت و بندگی.

عَبْدِي أَطْعِنِي حَتَّى أَجْعَلَكَ مِثْلِي. (۲۰)

«بنده من! مرا اطاعت کن تا تو را مثل خودم قرار دهم.»

در عبودیت بزن پیوسته گام ***تا کنی اندر ربوبیت مقام
انبیا عظام و پیامبران گرام زمانی به مقام والای رسالت و نبوت رسیدند
که از راه عبودیت و اطاعت شایستگی پیدا کردند. اولیا خدا به مقام شامخ
امامت و ولیّ الهی نایل نشدند مگر از راه بندگی و ارتباط روحی در دل
شب.

خداوند به رسولش می فرماید اگر بخشی از شب را به تهجد و عبادت
سپری کنی تو را به مقام محمود و سزاوار ستایش نایل می کنم، یعنی این
مرتبه از راه ارتباط روحی و معنوی در دل شب به دست خواهد آمد. چه
مانعی دارد که هر کسی بتواند از راه کسب سجایای اخلاقی و تسلیم و
رضا و اخلاص و عبودیت و احیای شب و مناجات با خداوند در دل شب و
تلاوت قرآن و توبه و بازگشت و ارتباط روحی و ملکوتی نصیبی از آن مقام
شایسته و سزاوار ستایش را به دست آورد. و در روز محشر همانند
پیامبران و اولیا خدا شماری را شفاعت کند که مقام محمود همان شفاعت
است (بنا به بعضی از تفاسیر یا اکثر). با توجه به این که خداوند - متعال - در
سوره مبارکه مزمل آیه ۱۸ قیام شب را ابتدا به طور خاص به رسولش و
سپس گسترش داده و همه مردم را به این فضیلت بزرگ ترغیب فرموده
است.

إِنَّ هَذِهِ تَذْكَرَةٌ ضَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا (۲۱)

و نیز در همان سوره آیه ۱۹ می فرماید:

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ مِنْ آدْنَى ثُلثَى اللَّيْلِ وَ نِصْفَهُ وَ ثُلْثَهُ وَ طَائِفَةٌ مِنْ

الَّذِينَ مَعَكَ (۲۲)

و در سوره مبارکه هل اتی همین تعمیم بعد از تخصیص را دارد:

و مِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَ سَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا (۲۳)

پس از آن می فرماید:

إِنَّ هَذِهِ تَذْكَرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا

ابتدا پیامبر اکرم را مورد خطاب قرار داده است: شب خیزی و عبادت
شبانه و تهجد. سپس می فرماید هر کس بخواد می تواند برای رسیدن به
خدا و مقام والای انسانی این راه را اتخاذ کند. بنابراین هیچ اشکالی ندارد
که همه انسانها بتوانند با بهره گیری از شب و تهجد در آن و عبادت و تزکیه
نفس به مرتبه ای از مقام شفاعت که همان مقام محمود است برسند.

البته شب از این جهت برگزیده شده است و اهمیت بیشتری دارد که چشم و گوش و اعضا و جوارح انسان از کارهای عادی و طبیعی خود مُعزَل شده است. طبعاً دل فراغت بیشتر و قلب خضوع بهتر و نفس آرامش بیشتری خواهد داشت. چنانچه می فرماید:

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً (۲۴)

«شب زنده داری در ثبات قدم و استحکام گفتار موثر است.»

و من اللیل فتهجد بهر نافلة عسی أن یبعثک ربک مقاماً محموداً

«هجوم به معنای در بستر آرمیدن است ولی تهجد یعنی بیداری بعد از

خواب (مهم همین است)» (۲۵)

نافله به معنا زیادی و اضافی است.

عسی در آن معنی رجا و امید نهفته است.

مقام عبودیت

مقام محمود به معنای مقام اعلای شایستگی و سزاوار ستایش است. شمار بسیاری از علما به معنای شفاعت گرفته اند و برخی به معنای رسالت و نبوت تعبیر فرموده اند. و گروهی به مقام عبودیت تعبیر کرده اند که آن خود علت همه مراتب و منازل عالییه انسانی است به مصداق عبودی
أَطْعِنِي حَتَّى أَجْعَلَكَ مِثْلِي - او مثلی -

در عبودیت بزن پیوسته گام***تا کنی اندر ربوبیت مقام

صاف کن آئینه دل از غبار***تا در او بینی عیان رخسار یار

چونکه اندر وادی حیرت شوی***از دلت صوت انالحق بشنوی

بر درد او پرده ما و تویی***وحدت آید در میان خیزد دویی (۲۶)

باری، بیشتر مفسران عالی قدر این آیه را رابطه نماز شب تفسیر فرموده اند البته با بهره گیری از لفظ و واژه نافلة لك که به معنای اضافی است و با توجه به آیه قبل که نمازهای واجب و اوقات آنها را بیان می کند. و بعد می فرماید: و من اللیل فتهجد به نافلة لك (۲۷)

و برخی با این باورند که نماز شب يك فريضة اضافی از فرائض یومیّه است برای شخص رسول الله(ص) و مستحب است برای غیر آن حضرت. در هر حال شب زنده داری و تهجد و تلاوت قرآن در آخر شب يك عامل بسیار مؤثر و مهم است در رسیدن به مقام والای محمودیت، چه برای شخص رسول الله(ص) به عنوان واجب و چه برای هر انسانی که طالب کمال و عاشق قرب الی الله بوده باشد به عنوان يك عبادت عظیم روحانی که

آدمی را در دل شب از این جهان طبیعت و غوغای آن منسلخ و به سوی عالم معنی سو می دهد.

تقویت اراده

آری، در آن محیط آرام و دور از چشم اغیار با اخلاص و حضور قلب و خشوع در برابر معبود، زیباترین حالت روحی را درک می کنی که قابل وصف نیست و این خود رشحه ای از همان مقام محمود است که نمودار می شود. به همین دلیل اولیا خدا برای تصفیه روح و تقویت اراده و اخلاص و انسلاخ از مادیات و تکمیل ایمان از تهجد و دعای نیمه شب نیرو می گرفتند و می گیرند.

در آغاز اسلام، رسول بزرگوار و عالی قدر با همین نیرو و اراده و اخلاص سربازان اسلام و قرآن را آن چنان نیرو می بخشید که در میدان جنگ عاشقانه برای ایشار و جانبازی بر یکدیگر پیشی می گرفتند و برای نایل آمدن به مقام عالی محمودیت (شفاعت) سر از پا نمی شناختند و از مرگ زیبا استقبال می کردند و با زبان دل می گفتند:

مرگ اگر مرد است، گو، پیش من آی *** تا در آغوشش بگیرم تنگ تنگ
امروز هم همان تربیت شدگان مکتب قرآن و دعا و شب خیزان عاشق و زاهدان شب بودند که شیران روز شدند و دشمن کافر و باطل را زبون و ذلیل کردند و این همه عزت و شرف برای خود و اسلام و مسلمین به ارمغان آوردند.

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ *** از یمن دعای شب و ورد سحری بود
و نیز می گوید:
مرو به خواب که حافظ به بارگاه قبول *** ز ورد نیمه شب و درس صبحگاه
رسید

رسول خدا(ص) فرموده اند:

مَنْ صَلَّى بِاللَّيْلِ حَسَنًا وَجَهَّهُ بِالنَّهَارِ (۲۸)

کسی که در شب نماز بخواند (نماز شب) صورت و سیرت او نیکو خواهد شد.

ملا حسین قلی همدانی(ره) چه می گوید:

از مرحوم آخوند ملاحسین قلی همدانی، آن عارف بزرگ و ربّانی، که در علم و عرفان کم نظیر بوده است، نقل کرده اند کسانی که در مقامات دین و معنویت به جایی رسیده اند همه از شب زنده داران و متهجّدین

بوده اند و از غیر آنها دیده نشده است (۲۹).

به سخنی از امام صادق (ع) توجه کنید:

امام صادق (ع) به یکی از یارانش فرمودند:

لا تَدْعَ قِيَامَ اللَّيْلِ فَإِنَّ الْمَغْبُونَ مِنْ حَرَمِ قِيَامِ اللَّيْلِ (۳۰)

«دست از شب زنده داری برندار زیرا فریب خورده و مغیون کسی

است که از قیام و (عبادت آن) محروم گردد.»

مولانا در مثنوی مولوی در این رابطه چه زیبا و پر مغز سروده است.

شو قلیل ممّا يَهْجَعُونَ *** باش در اسحار از یستغفرون

اندکی صرفه بکن از خواب و خور *** ارمغان بهر ملاقاتش ببر

حتی - تعالی - خلق را گوید به حشر *** ارمغان کو از برای روز نشر

جَنُّمُونَا و فرادا بینوا *** اسم بدان سان که خلقتاکم کذا

هین چه آوردید دست آویز را *** ارمغان روز رستاخیز را

با امید روز بازگشتشان نبود *** وعده امروز باطلشان نمود (۳۱)

از روایات و احادیث معتبره بهره گیری می شود که گناه و نافرمانی خدا

انسان را از نماز شب و تلاوت قرآن و دعای نیمه شب محروم می کند و

توفیق بهره گیری را از موهبت الهی و عنایات عظیم شب سلب می کند.

گناه انسان را از نماز شب محروم می کند

نقل شده است از امیرالمؤمنین (ع) شخصی از آن حضرت پرسش کرد

من چرا از نماز شب محروم شده ام. فرمودند: أَنْتَ رَجُلٌ قَدْ قَيَّدَتْكَ

ذُنُوبُكَ (۳۲)

تو کسی هستی که گناهت تو را به بند کشیده است.

تو کز سرای طبیعت نمی روی بیرون

چه سان به کوی حقیقت گذر توانی کرد. (حافظ)

و نیز از امام صادق (ع) در حدیثی آمده است که:

إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْذِبُ الْكَذِبَةَ وَيَحْرُمُ بِهَا صَلَاةَ اللَّيْلِ فَإِذَا حَرَّمَ بِهَا صَلَاةَ

اللَّيْلِ حَرَّمَ بِهَا الرَّزْءَ (۳۳)

«انسان گاهی دروغ می گوید و از نماز شب محروم می ماند و هنگامی

که از نماز شب محروم ماند از روزی و مواهب مادی نیز محروم می شود.»

آری، گناه نه تنها دل را تاریک و ظلمانی می کند انسان را از دعا و تهجد

باز می دارد بلکه موجب حبس دعا و ضیق معیشت و تنگدستی نیز

می شود.

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَا وَ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذَّرْسَالِي رَبِّ
الِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ.

اهمیت نماز شب آن قدر فوق العاده است که حضرت رسول اکرم (ص) در وصیتش به امیرالمؤمنین (ع) نماز شب را بیشتر از دیگر مسائل تاکید می فرمایند، با اینکه علی (ع) به طور قطع از قیام شب و مواهب آن غافل نیست، می فرماید:

أَوْصِيكَ فِي نَفْسِكَ بِخِصَالٍ فَاحْفَظْهَا ثُمَّ قَالَ اللَّهُمَّ أَعْنَهُ الِي قَوْلِهِ (ص) وَ
عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ وَ عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ وَ عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ (٣٤)

تو را به مواردی سفارش می کنم، همه را نگهداری نما. سپس عرضه داشتند: بار خدایا! او را در انجام این وظایف یاری فرما. و مطالب دیگر را فرمودند تا آنجا که گفت: بر تو باد به نماز شب. بر تو باد به نماز شب. بر تو باد به نماز شب.

پند جبرئیل

و نیز خود حضرت ختمی مرتبت به جبرئیل فرمودند: ای جبرئیل! مرا پندی دهید. جبرئیل گفت: یا محمد (ص):

عَشْرَ مَا شِئْتَ فَأَنْتَ مَيِّتٌ فَأَحْبِبْ مَا شِئْتَ فَأَنْتَ مُفَارِقُهُ وَ اعْمَلْ مَا
شِئْتَ فَأَنْتَ مَلَاقِيهِ وَ اعْلَمْ أَنَّ شَرَفَ الْمُؤْمِنِينَ صَلَاتُهُ بِاللَّيْلِ وَ عِزَّهُ كَفَّهُ عَنِ
أَعْرَاضِ النَّاسِ (٣٥)

«ای محمد! هر چه خواهی زندگی کن ولی بدان که سرانجام خواهی مُرد، و به هر چه خواهی دل ببند اما بدان سرانجام از آن جدا خواهی شد، و هر کرداری که می خواهی انجام بده اما بدان که فرجام کردارت را خواهی دید. و بدان ای محمد (ص) که شرف مؤمن نماز شب اوست و عزتش خودداری از ریختن عرض و آبروی دیگران است.»

سخنان جبرئیل که در حقیقت سخن خدا و وحی به رسول بزرگوار است نشان می دهد که نماز شب آنچنان شخصیت و عزت و مصونیت و روحانیت به انسان می بخشد که مایه شرف و آبروی اوست و سبب نگهداری آبروی مردم. نیز امام صادق (ع) فرموده است:

ثَلَاثَةٌ هُنَّ فَخْرُ الْمُؤْمِنِ وَ زِينَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ الصَّلَاةُ فِي آخِرِ اللَّيْلِ
وَ يَأْسُهُ مِمَّا فِي أَيْدِ النَّاسِ وَ وِلَايَةُ الْإِمَامِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) (٣٦)

«سه چیز است که افتخار مؤمن و زینت او در دنیا و آخرت است: ۱. نماز در آخر شب ۲. بی اعتنایی به آنچه در دست مردم است ۳. دوستی

امام از اهل بیت پیامبر (ص)»

دلا بیا که به کون و مکان نخواهم داد***دعای نیمه شب و کنج خالی از اغیار
اگر به بیدل محزون نظر شود گاهی***رسد به عزت دارین و صحبت
ابرار (۳۷)

از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند: هر کار خیری که از مؤمن
سر بزند و به انجام برسد پاداش آن در قرآن صریحاً بیان شده، جز نماز
شب که به خاطر اهمیت آن و فو العاده بودنش با صراحت بیان نفرمود
بلکه به طور کنایه چنین می فرماید:

تَتَجَا فِی جُئُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْقًا وَ طَمَعًا وَمَا
رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً مَّا كَانُوا
يَعْلَمُونَ (۳۸)

«آنها شب هنگام از بسترها بر می خیزند و پروردگارش را با بیم و
امید می خوانند و از آنچه به آنها روزی داده ایم انفا می کنند اما هیچ کسی
نمی داند خداوند چه پاداش هایی که موجب روشنی چشمها می شود در
برابر کردارشان قرار داده است.»

جز خداوند کسی ارزش نماز شب را نمی داند

نماز شب آن گونه از نظر ارزش اهمیت دارد که جز خداوند کس
دیگری توانا به درك آن نیست و اندازه پاداشش را هم نمی داند. نماز در
هر زمان ارزنده و سازنده است اما نماز در شب است که پیامبر عالی قدر
اسلام را به مقام محمود می رساند. شب است که این همه جلال و شکوه
و عظمت به نماز داده تا آنجا که جز خدا کسی نتواند درك پاداش آن را
کند.

مرحوم الهی قمشه ای (ره) آن عارف بزرگوار و عالم ربّانی چه زیبا
سروده است.

شب آمد حکمت آموز دل پاک***شب آمد گوهر افروز نه افلاک

شب آمد پرده پوش مست و هشیار***فروغ دیده و دلهای بیدار

شب آمد کشتی دریای توحید***شب آمد شهپر عنقای تجرید

به شب مردان که در ره تیز گامند***بسان شمع سوزان در قیامند

به شب مردان حق را سوز و ساز است***به خاک عشق شب روی نیاز است

به شب چشم طبیعت رفت در خواب***دل بیدار گشت از شو بی تاب

شب ار بی دانشان آرام یابند***به شب ارباب دانش کامیابند (۳۹)

همه عشا حق چون شمع سوزان***به شب استاده با قلب فروزان
همی خوانند خوش در پرده با شور***چو شمع از دفتر عشق آیت نور

نماز شب سبب روشنایی قبر و قیامت است
الصَّلَاةُ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ سَبَبُ النُّورِ فِي الْقِيَامَةِ (٤٠)
«نماز در دل شب موجب نور در روز محشر خواهد بود.»
و نیز از حضرت ختمی مرتبت محمد(ص) روایت است:
صَلَاةُ اللَّيْلِ سِرَاجٌ لِصَاحِبِهَا فِي ظِلْمَةِ الْقَبْرِ (٤١)
«نماز شب چراغ است برای صاحبش در تاریکی گور.»
و أَوْحَى اللَّهُ إِلَى مُوسَى (ع) فَمَ فِي ظُلْمَةِ اللَّيْلِ إِجْعَلْ قَبْرَكَ رَوْضَةً مِنْ
رِيَاضِ الْجَنَّةِ (٤٢)
به حضرت موسی(ع) وحی شد در تاریکی شب به پاخیز و گورت را
باغی از باغهای بهشت قرار بده. نیز از حضرت زین العابدین(ع) نقل شده
است در پاسخ پرسش کننده ای که گفت:
مَا بَالِ الْمُتَهَجِّدِينَ بِاللَّيْلِ مِنْ أَحْسَنِ النَّاسِ وَجْهًا قَالَ لِأَنَّهُمْ خَلَوْا بِرَبِّهِمْ
فَكَمَا هُمْ اللَّهُ مِنْ نُورِهِ (٤٣)
«چگونه است که شب زنده داران از میان مردم به زیبایی چهره
ممتازند.»

فرمود: از آن جهت است که آنها با پروردگار خویش خلوت کرده اند و
خداوند نیز آنها را با جامه ای از نور خود پوشانیده است.
چو شب گردد به ساز عشق برخیز***رها کن دل به زلف دلبر آویز
به همراه شب آهنگان افلاک***به راه عشق تاز از بستر خاک
به خاک از آب چشمان آتش افروز***دل از مه طلعتان آسمان سوز
به دیده باش چون ابر گهربار***به دل سوزان تر از شمع شرربار
چو مرغ حق به دل با ناله زار***به ذکر حق سحرگردان شب تار
که بخشندت ز الطاف الهی***ز آه شب نشاط صبحگاهی(٤٤)

نماز شب و صحت بدن

نماز شب نه تنها موجب روشنایی دل و زیبایی سیرت و صورت است
و سبب قرب به حضرت پروردگار و رسیدن به مقام بلند محمودیت، بلکه
در سلامت جسم و صحت بدن و بسیار بسزایی دارد. هم چنانکه از
امیرالمؤمنین و امام المتقین روایت است:

قیامُ اللیلِ مَصْحَةً لِلبدنِ و مَرَضاً لِلرَّبِّ عَزَّ وَ جَلَّ وَ تَعْرِضٌ لِلرَّحْمَةِ وَ
تُمْسِكٌ بِاخْلَ النَّبیین (٤٥)

«شب زنده داری موجب تندرستی و خشنودی پروردگار و در معرض رحمت او قرار گرفتن و تمسک به اخلا پیامبران است.»
ای نسیم سحری خاک ره یار بیار *** تا کند حافظ از آن دیده دل نورانی
و نیز چه زیبا سروده است:

شب همه شب زاری بر در پروردگار *** روز چه شد یاری خسته دلان فکار
داد گدایی بده بر در الله دست *** داد گدایان بده از مدد کردگار
غم ز دل خستگان تا بتوانی ببر *** بر در حق ناله ها تا بتوانی بیار
یاد قیامت به روز تا بتوانی بکن *** اشک ندامت به شب تا بتوانی بیار
شب همه شب جان بده در طلب مغفرت *** روز چه شد نان بده از طلب کسب و
کار

کُن سَبَكِ از ناله شب دوش ز بار گناه *** روز ز بهر کسان دوش بنه زیر
بار (٤٦)

حضرت رسول اکرم (ص) فرموده اند:

«بهترین شما کسانی هستند که در گفتار مؤدبند و گرسنگان را سیر می کنند و به شب در آن هنگام که مردم در خوابند نماز می خوانند.» (٤٧)
نیز از امام حسن عسگری (ع) نقل شده است که فرمودند:
نشانه مومن

سه خصلت نشانه مؤمن است:

إفشاء السَّلَامِ و اطعام الطَّعامِ و الصَّلَاةُ فی جَوْفِ اللَّیْلِ وَ النَّاسُ نیام (٤٨)
«سلام آشکارا دادن، اطعام نمودن، در دل شب که مردم در خوابند
نماز خواندن (با خدا سخن گفتن).»

آری، نماز سخن گفتن با خداست. تکلم با معشوق است. امام صادق فرمودند: اگر خواستید با خدا سخن بگویید نماز بخوانید و اگر خواستید خداوند با شما سخن بگوید قرآن بخوانید.

این نیمه شب است و ما و دلبر *** بزم طرب است و ما و دلبر
وجد است و سرور عاشقانه *** نای و چلب است و ما و دلبر
روز است و نهان تر از نهانی *** رمز عجب است و ما و دلبر
شب در بر هم ستاره و ماه *** روز است و شب است و ما و دلبر
نجم است و فروغ آسمانی *** دست طلب است و ما و دلبر (٤٩)

نزدیکترین ساعات انسان با خدا و خدا به انسان

ابن ابی یعفر یکی از شاگردان برجسته امام صادق(ع) است. او می گوید: از امام(ع) سوال کردم فدایت شوم بفرمایید تا بدانم نزدیکترین ساعات انسان به خدا و خدا به انسان کدام است.

قال علیه السلام: اذا قام فی آخر اللیل و العیون هادئة فیمشی الی وضوئه حتی یتوضأ بأسبغ وضوئه ثم یجئیی حتی یقوم فی مسجده فیوجه وجهه الی الله و یصف قدمیه و یرضع صوته و یکبرو افتتح الصلاة فقرأ أجزاء و صلی رکعتین و قام لیعید صلاته ناداه مناد من عنان السماء عن یمین العرش ایها العبد المنادی ربّه ان البر لنشر علی رأسک من عنان و الملائكة محیطة بک من لدن قدمیک الی عنان السماء و الله ینادی علی رأسک من عنان

عبدی لو تعلم من تناجی اذا ما انفتحت . قال قلت جعلت فداک یا بن رسول الله ما الانفتاح قال . تقول بوجهک و جسدک هكذا ثم ولی وجهه فذاک الانفتاح(۵۰)

«فرمود: چون آخر شب شود به پا خیزد، در حالی که چشمها در خوابند. راه افتد برای وضویی شاداب، سپس به جایگاه نیایش خود برگردد و با توجه دل و حضور قلب و تصفیه کردن قدمهایش با صدای بلند تکبیر بگوید و نمازش را افتتاح کند و با خواندن قرآن دو رکعت نماز به جای آورده و آنگاه برای ادامه آن برخیزد. در این هنگام از سوی آسمان و از جنب راست عرش پروردگار این ندا برخیزد که: ای بنده ای که خدا را می خوانی اکنون احسان (و خیر و برکت) از جانب بالاترین نقطه آسمان بر سرت در حال انتشار و ریزش است و فرشتگان از کنار قدمت تا بالای آسمانها پیرامونت را گرفته اند و پروردگارت ندا می کند: ای بنده من، اگر بدانی با که در حال گفتگو و مناجات و راز و نیاز هستی هیچ گاه انفتاح از خود نشان نمی دهی.»

راوی می گوید: عرضه داشتم ای پسر رسول خدا! جانم به فدایت مقصود از انفتاح چیست؟ امام صادق(ع) در حالی که چهره مبارک خود را به سوی پشت سر می چرخانید فرمودند: انفتاح این است که چهره و بدنت را برگردانی؛ برآستی اگر کسی این مطالب را به باور رسیده باشد مسلماً هیچ گاه روی از این همه موهبت، فضیلت، نعمت، عظمت، جلال، شکوه،

عزت، کرامت، شرافت و تقرب بر نمی گرداند و به طور قطع توجه قلبی و چهره دلش را در همه حالات زندگی از آفریدگار - متعال - منصرف نمی کند.»

و لذا آنهایی که به مقام والای عرفان و به مرحله عظیم شهود رسیده اند چهره معبود را همه جا می بینند و همیشه در حال توجه اند و آبی از معشو غفلت ندارند و چنین ترنم می کنند:

در هر چه نظر کردم سیمای تو می بینم *** ناسوتی و لاهوتی جویای تو می بینم

سرهای سرفرازان در پای تو می بینم *** منفی همه از لایند الای تو می بینم (۵۱)

نه تنها در دل شب مستقیماً با خدای خود سخن می گویند بلکه در لحظه لحظه هستی خود خدا را مشاهده می کنند و خود را در حضور او می دانند.

از امیرالمؤمنین علی(ع) پرسش کردند: آیا خدا را دیده ای؟ فرمودند: خدایی را که ندیده باشم پرستش نمی کنم. لکن لا بمشاهدة الأبصار نه اینکه با چشم ظاهر او را دیده باشم بلکه با دیده دل همه جا او را می بینم.

چشم دل باز کن که جان بینی *** آنچه نادیدنی است آن بینی

دل هر ذره ای که بشکافی *** آفتابیش در میان بینی (۵۲)

در هر حال، آسمان و زمین دریا و جنگل و کوه و در دشت ستارگان و کهکشانها همه و همه گویای یک حقیقت اند و آن خداست.

به دریا بنگرم دریاتو وینم *** به صحرا بنگرم صحراتو وینم

به هر جا بنگرم کوه و در و دشت *** نشان از روی زیبای تو وینم (۵۳)

نه تنها خدا می بینی بلکه همه آنها را تسبیح گوی خدا و ثناخوان حضرتش خواهی یافت (اگر چه درکش دشوار است).

خداوند زمین و آسمانت *** همه افلاکیان و کهکشانانت

جمیع ساکنان عالم خلق *** فرود آورده سر بر آستانت (۵۴)

باری، به جای آوردن نوافل و تداوم تهجد موجب نزدیک شدن و قرب الی الله است تا آنجا که گوش و چشم و زبانش خدایی می شود و در حقیقت به صبغه الهی می رسد و به مقام والای عبودیت که ژرفا و حقیقت او همان ربوبیت است نایل می گردد.

بر درد او پرده ما و تویی***وحدت آید در میان خیزد دویی

چنانچه می فرماید:

مَا يَتَّقِرَبُّ إِلَى عَبْدِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا أَقْرَضْتُهُ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ يَتَّقِرَبُّ إِلَيَّ بِالنَّوَافِلِ حَتَّىٰ مَا إِذَا أَحْبَبْتُهُ فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ سَمْعُهُ الَّذِي يَسْتَمَعُ بِهِ وَبَصَرُهُ الَّذِي يَبْصُرُ بِهِ وَلِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ وَيَدُهُ الَّذِي يَبْطِشُ بِهَا إِنْ دَعَانِي أَجِبْتُهُ وَسَأَلْتَنِي أَعْطَيْتُهُ (۵۵)

«بهترین وسیله تقرب بنده من به من آن چیزی است که انجامش را بر او واجب کرده ام و براستی که او به وسیله نوافل (بعد از فرایض) به من نزدیک می شود تا آنجا که او را دوست می دارم و چون او را دوست می دارم من گوش او می شوم که که با آن می شنوم و چشم او که با آن می بیند و زبان او که با آن سخن می گوید و دست او که با آن انجام می دهد و آنگاه که مرا بخواند اجابتش می کنم و آنگاه که از من سوال کند عطایش می کنم.»

آری، براستی چنین است کسی که پیوند روح خود را با نوافل و شب زنده داری استوار کند، او محبوب خدا می شود و این حب طرفینی خواهد بود.

إِنْ كُنْتُمْ تَحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ (قرآن کریم)

چه خوش بی مهربانی هر دو سربیی***که یک سر مهربانی در دسر بی امام المتجهدين سيدالساچدين على بن الحسين (ع) در مناجات مطيعين از خداوند درخواست می کند که لذت شیرینی دوستی و قرب به مقام قدسش را به او بچشاند.

اللَّهُمَّ حَمَلْنَا فِي سَفْنِ نَجَاتِكَ وَ مَتَعْنَا بِلَذِيذِ مُنَاجَاتِكَ وَ أَرَدْنَا حِيَاضَ حُبِّكَ وَ أَدِقْنَا حَلَاوَةَ وُدِّكَ وَ قُرْبِكَ

«بار خدایا! ما را در کشتیهای نجاتت حمل فرما و به لذت‌های مناجاتت ما را متمتع گردان و در حوضهای مودت وارد نما و شیرینی دوستی و قربت را به ما بچشان.»

ز در خویش خدایا به بهشتم مفرست***که سر کوی تو از کون و مکان ما را بس (۵۶)

و نیز شاعری می گوید:

الهی راه پاکانم پیاموز***روانم را به نور خود بیفروز

بیفزا بر اطاعت اشتیاقم *** به شهد عشق شیرین کن مذاقم
 به راه طاعتم یا رب قوی ساز *** ز هر چیزی بجز یادت بپرداز
 بده گرمی دل افسرده ام را *** پر افروزان چراغ مرده ام را
 و نیز آن امام بزرگوار در مناجات المحبین چنین عرضه می دارد:
 الهی مَنْ ذَا الَّذِي ذَا حَلَاوَةَ مَحَبَّتِكَ فَرَامَ مِنْكَ بَدَلًا وَمَنْ ذَا الَّذِي أَنَسَ
 بِقُرْبِكَ فَاتَّبَعِي عَنْكَ حَوْلًا.

«ای معبود من! کیست آن کس که شیرینی محبت تو را چشیده باشد و
 آنگاه از تو دوری گزیند و دیگری را به جای تو مقصد و محبوب خود قرار
 دهد و کیست که با قرب تو انس گرفته باشد و آنگاه امید و آرزوی دل خود
 را به دیگری ببند.»

(و به غیر تو پیوستن را به درون و ضمیر خویشتن راه دهد.)
 آری، این است سخنان حجت خدا در پیشگاه خدا در دل شب و نیز
 در مناجات العارفین با معشوق و معبود خود چنین سخن می گوید:
 الهی مَا أَلَذُّ خَوَاطِرِ الْأَلْهَامِ بِذِكْرِكَ عَلَى الْقُلُوبِ وَ مَا أَحْلَى الْمَسِيرِ إِلَيْكَ
 بِالْأَوْهَامِ فِي مَسَالِكِ الْغُيُوبِ وَ مَا أَطْيَبُ طَعْمِ حُبِّكَ وَ مَا أَعْظَمُ شَرْبَ
 قُرْبِكَ.

«بار خدایا! چه لذت بخش است خاطره های الهام بخشی که با یاد تو
 بر دلها وارد می شود. و چقدر شیرین است سیر و سفری که به سوی تو با
 مرکب افکار و اندیشه های پنهانی حرکت می کند. (دور از چشم دیگران و
 خالی از اغیار در دل شب.) و چه پاکیزه و گواراست طعم محبتت و چقدر
 عظیم است (و گوارا) نوشیدن آب تقرب و نزدیک شدن به ساحت
 مقدست.»

الهی! عاشقی شب زنده دارم *** چو مشتاقان ز عشقت بی قرارم
 ز کوی خویش نومیدم مگردان *** که جز کوی تو امیدی ندارم
 الهی بر دلم نوری بیفروز *** که باشد مؤنس شبهای تارم
 الهی گر بر انسی ور بخوانی *** تویی مولا و صاحب اختیارم (۵۷)
 به طور قطع تا انسان از خور و خواب و شهوت و لذایذ مادی و نفسانی
 چشم نپوشد و از آن سو اسیر تمایلات نفسانی و حیوانی باشد هرگز به
 مرحله عظیم عشق نخواهد رسید و لیاقت چشیدن قطره ای از شراب
 گوارای محبت که سبب قرب می شود نخواهد داشت.

ای بی خبر بکوش که صاحب خبر شوی ***تا راه بین نباشی کی راهبر شوی
 خواب و خورت ز مرحله عشق دور داشت ***آنگه رسی به دولت که
 بی خواب و خور شوی
 از پای تا سرت همه نور خدا شود ***در راه ذوالجلال چو بی پا و سر شوی
 گر نور عشق حق به دل جانت او فتد ***بالله کز آفتاب فلك خوبتر شوی
 در مکتب حقایق پیش ادیب عشق ***هان ای پسر بکوش که روزی پدر شوی
 (۵۸)

و نیز عارف دل سوخته دامن الوند باباطاهر عریان همدانی چه زیبا و
 لطیف و عالی سروده است:

غم عشق تو کی در هر سر آید ***همایی کی به هر بوم و بر آید
 ز عشقت سر فرازان کامیابند ***که خور اول به کهساران بر آید (۵۹)
 و عارف بزرگ حافظ شیرازی می گوید:
 تا نگردی آشنا زین پرده رمزی نشنوی ***گوش نامحرم نباشد جای پیغام
 سروش (۶۰)

و در جای دیگر چنین سروده است:
 تو کز سرای طبیعت نمی روی بیرون ***چه سان به کوی حقیقت گذر توانی
 کرد (۶۱) و نیز ادیب دیگری فرموده است:

تا نیست نگردی ره هستت ندهند ***این مرتبه با همت پستت ندهند
 چون شمع قرار سوختن تا ندهی ***سر رشته روشنی به دستت ندهند (۶۲)
 بار خدایا! تو شاهد و گواهی که اگر چه ما اسیر نفس هستیم و از
 لابلای قشرهای طبیعت و مادگیری بیرون نرفته ایم ولیاقت چشیدن
 حلاوت محبت و عشق تو را پیدا نکرده ایم اما دوستان تو را دوست
 می داریم و عشق عاشقان و شیفتگان تو را در دل داریم.
 خدایا! اگر ما خود اهمیت قرب را به دست نیاورده ایم تو خود آگاهی
 که مقربین درگاهت را ستایش می کنیم تا شاید که از این راه و رهگذر
 مشمول الطاف و رحمت واسعه تو قرار بگیریم و به خیر و صلاح راه یابیم.

محبت به صالحین

أحبُّ الصَّالِحِينَ وَ أَسْتُ مِنْهُمْ لَعَلَّ اللَّهَ يَرْزُقُنِي الصَّلَاحاً

«بار خدایا! اگر چه من خود از صالحین نیستم اما امید آن دارم که به من

روزی فرمایی صلاح را.»

الهی! به جمیع مقربان درگاهت و همه عاشقان دل سوخته ات سوگندت می دهیم که ما را توفیق بازگشت به سوی خودت عنایت بفرما و ذره ای از لذایذ معنوی و حلاوت‌های روحی را به ما بچشان. بار خدایا! به شب زنده داران امیدوار و متعهدین بی قرار تو را می خوانیم که بهره ای هم به ما عطا فرما، همچنان که به صالحین عطا فرموده ای.

الهی! به سوز دل عاشقان ***به راز و نیاز و شبِ عارفان
به میخوارگان ز خود بی خبر ***که سرمست عشق تواند سربه سر
الهی به عشا شب زنده دار ***به لبهای خشکیده روزه دار
به چشمان خونبار بیچارگان ***به خون دل و آه آوارگان
به در بند افتاده بی گناه ***به مظلومیت مردم بی پناه
به باران اشک پدر مردگان ***به دل‌های پر درد درماندگان
به شب زنده اران اندر سحر ***به لب تشنه گان پر از خون جگر
به آه دل مادر داغدار ***که در مرگِ نو رسته اش بی قرار
به آن قد خمیده پدر کز جفا ***شده در فرا پسر مبتلا
به خون خفتگان طریق هدی ***به جمله شهیدان راه خدا
به لب تشنگان کنار فرات ***که دادند به قرآن آب حیات
به درگاه خود آشنا کن مرا ***میرا از رنگ و ریا کن مرا (۶۳)

به هر حال، شب زنده داران و واصل شدگان به مقام محمود جملگی از مردمان هستند که از راه محاسبه و مشارطه و معاقبه و معاتبه و سرانجام حسابرسی دقیق خود را تزکیه نموده اند و با پرهیز از معاصی و دوری از گناه و به تعصب انداختن نفس توانسته اند آن همه عظمت و کرامت را به دست آورند از جمله دوری از کثرت نوم و توجه به زیانهای روحی و روانی آن.

در نکوهش خواب زیاد و نابجا

«لا تأخذُه سِنَةٌ و لا نوم» (۶۴)

اگر چه خواب خود یکی از نعمتهای الهی و از عنایات و الطاف حضرت پروردگار نسبت به بندگانش است، اما نباید فراموش کرد هر نعمتی باید در جای خود مورد بهره گیری قرار بگیرد و اگر غیر این باشد

تبدیل به نعمت می شود، مثل نعمت علم، ثروت، قدرت، و جاهت، نیرومندی و ... و همچنین نعمت اعضا بدن و غیره که اگر هر یک از این نعمتها بی مورد از آنها بهره گیری شود نه تنها مفید نخواهد بود بلکه زیانهای فراوانی در پی خواهند داشت.

خواب هم یکی از موهبتهای الهی است و در حیات و بقا انسانها نقش مؤثری دارد؛ اگر بی مورد و نابجا و یا از اندازه معمول بیشتر از آن بهره گیری شود زیانبار و مذموم خواهد بود. لذا، در موارد بسیار از آن مذمت شده است و آن را موجب انحطاط، تنبلی، بدبختی، تن پروری، کسالت، سستی، بی خبری، بیکاری، فقر و از همه مهم تر غفلت می دانند.

در قرآن کریم و روایات اهل بیت به عنوان یک صفت منفی از آن یاد شده است، و در مواقع خاص به هنگامی که خداوند صفات سلبیه خود را بیان می کند از جمله این است که او را خواب نمی گیرد و دچار چُرت نمی شود.

در سوره مبارکه بقره آیه الکرسی چنین می فرماید:
لَتَأْخُذَهُ سَنَةٌ و لَأَنُومٌ

«او را نه خواب می گیرد نه چرت»

از واژه لَتَأْخُذَهُ خوب بهره گیری می شود که گویا خواب یک موجود قوی پنجه است که انسان را سخت در چنگال خود می تواند بگیرد و اسیر کند و او را به تمام معنی ناتوان و زیون کند و ذات اقدس الهی که قیوم مطلق است از این صفت مبرا است.

بنابراین، از قرآن کریم این چنین بهره گیری می شود که خواب یک حالت غافل کننده است و لذا باید در مواقع مخصوصی که زمان بهره گیری و حرکت و سیر به سوی کمال است از این نیروی قوی پنجه که اگر بگیرد همه وجود انسان را به غفلت می کشاند پرهیز کرد.

از جمله مواردی که خواب در آن مذمت شده است و شدیداً از سوی قرآن و مفسرین قرآن و راسخین در علم یعنی ائمه معصومین - علیهم السلام - منع گردیده است ثلث آخر شب و بین الطلوعین است.

اکنون به بیان چند حدیث از معصومین - علیهم السلام - توجه فرمایید.

۱. امام صادق (ع) می فرمایند: موسی بن عمران از خداوند پرسش کرد: یا ربّ ایّ عبدٍ أبفضُّ الیک قال عزَّ و جلَّ جیفَةٌ باللیل بَطالٌ بالنهار (۶۵)

«بار خدایا! مبعوض ترین بنده در نزد تو کیست؟»

خداوند فرمودند: کسی که مردار در شب است و تبهکار در روز (یعنی شب تا صبح همانند مرداری می افتد در خواب.)
 ۲. مرحوم مجلسی - رحمة اله علیه - در بحارالانوار از خصال و امالی شیخ صدو - رحمة اله علیه - نقل می کند که :
 رسول خدا فرمودند مادر سلیمان بن داوود به فرزندش سلیمان می گفت:

يَا بُنَيَّ أَيَاكَ وَكَثُرَتِ النَّوْمُ بِاللَّيْلِ فَإِنَّ كَثْرَةَ النَّوْمِ بِاللَّيْلِ تَدْعُ الرَّجُلَ فَقِيرًا
 يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۶۶)

«فرزندم، از بسیار خوابیدن در شب شدیداً پرهیز کن زیرا خواب شب در روز قیامت آدمی را فقیر و نیازمند رها می کند (موجب تهیدستی در روز رستاخیز می شود.)»

۳. صاحب کتاب شب مردان خدا از ارشادالقلوب دیلمی نقل می کند که لقمان حکیم به فرزندش فرمود:

يَا بُنَيَّ لَا يَكُنْ الدَّيْكَ أَكْبَسُ مِنْكَ وَ أَكْثَرُ مُحَافِظَةً عَلَى الصَّلَوَاتِ عَلَى تَرَاهُ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ يُؤَدِّنُ لَهَا وَ بِالْأَسْحَارِ يُعْلِنُ بِصَوْتِهِ وَ أَنْتَ نَائِمٌ (۶۷)
 «فرزند عزیزم، مبادا چنین شود که خروس صبح از تو هشیارتر و به اوقات نماز از تو مراقب تر باشد. آیا نمی بینی که هنگام هر نماز اعلام دخول وقت می نماید و سحرگاهان ندا به آوای بلند سر می دهد و تو در خواب باشی.»

هنگام سپیده دم خروس سحری ***دانی که چرا همی کند نوحه گری (۶۸)

یعنی که نمودند در آینه صبح ***کز عمر شبی گذاشت و تو بی خبری

۴. يَا جَيْفَةَ بِاللَّيْلِ بَطَالَةً بِالنَّهَارِ تَعْمَلُ عَمَلَ الْقَجَارِ وَ أَنْتَ تَطْلُبُ مَنَازِلَ
 الْأَبْرَارِ هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ كَمْ تَضْرِبُ فِي حَدِيدٍ بَارِدٍ (۶۹)

«ای مردار در شب و تبهکار در روز، اعمال ناپاکان پیشه خود ساخته ای و آنگاه آرزوی رسیدن به جایگاه پاکان می نمایی؟ زهی خیال باطل آهن و سرد کوبیدن تا چند.»

تو که ناخوانده ای علم سماوات ***تو که نابرده ای ره در خرابات

تو که سود و زیان خود ندانی ***به یاران کی رسی، هیهات هیهات (۷۰)

قال امیرالمؤمنین (ع):

۵. السُّكْرُ أَرْبَعُ سَكْرَاتٍ سُكْرُ الشَّرَابِ وَ سُكْرُ الْمَالِ وَ سُكْرُ النَّوْمِ وَ سُكْرُ الْمَلِكِ (۷۱)

امیر المؤمنین (ع) فرمودند:

«مستی (و بی خبری) بر چهار گونه است:

۱. مستی شراب ۲. مستی ثروت و مال ۳. مستی خواب و ۴. مستی ملک (ریاست)»

و نیز امام صادق می فرماید:

۶. کثرة النوم مذهبة الدين و الدنيا

«خواب بسیار نابودکننده دین و دنیا است.»

و ایضاً قال الصاد (ع)

۷. إن الله يفيض كثرة النوم و كثرة الفراغ

امام صادق (ع) می فرماید:

«خداوند مبعوض می دارد خواب بسیار و استراحت بسیار را»

۸. از معصوم پرسش کردند که خروس (آن حیوان باهوش و زیبا که در

هنگام سحر در آن هنگام معین و مشخص بدون يك دقیقه جلو و عقب برمی خیزد و ندا سر می دهد) چه می گوید. فرمودند می گوید:

أذكر الله أيها الغافلون (۷۲)

«به یاد خدا برخیزید ای به غفلت فرورفتگان.»

زین خواب گران بدار سری *** می پرسی ز عالم دل خبری

تاکی ز علایق جسمانی *** در چاه طبیعت تن مانی (۷۳)

نیز شاعری دیگر شعر سعدی را تضمین کرده است و چنین می گوید:

زین خواب گران برخیز که عمرت سرآمد *** خورشید قیامت ز افق بین که در آمد

آن شام سیه طی شد و صبح دگر آمد *** پیری و جوانی چو شب و روز بر آمد

ما شب شد و روز آمد و بیدار نگشتیم (۷۴) *** قال رسول الله (ص) ما زال

جبرئیل یوصینی بقیام اللیل حتی ظننت أن خیار امتی لن یناموا (۷۵)

رسول عالی قدر اسلام فرمودند:

«مادم جبرئیل مرا وصیت می کرد به شب خیزی تا آنجا که من تصور

کردم که خوابان از امت من هرگز نمی خوابند.»

(مفهوم عبارت آخر حدیث این است که آنهایی که شب را تا به صبح

می خوابند و تهجد نمی کنند از خوبان امت من نیستند).

مفضل یکی از شاگردان برجسته امام صادق (ع) است.

۱۰. قال سمعتُ مولای الصادق (ع):

يقول كان فيما ناجى الله عزَّ و جَلَّ به موسى بن عمران (ع) أن قال له يابن
عمران من زعم أنه يجبني فإذا جنَّه الليل نام عني اليس كلُّ محبٍ يحبُّ
خزوتَ حبيبه (٧٦)

می گوید از مولایم امام صادق شنیدم که می فرمودند:

«در مناجاتی که موسی بن عمران (ع) با خداوند داشت به او فرمود: ای

پسر عمران! دروغ گفته است کسی که تصور می کند مرا دوست دارد

ولی چون شب فرا می رسد از من چشم می پوشد و به خواب می رود. مگر

نه این است که هر عاشقی خلوت با معشور را دوست می دارد.»

از این حدیث خوب بهره گیری می شود که خفتگان در شب

عقب ماندگان از دوستان خدایند. و این در مقام مذمت است.

مرحوم آیه الله فیض کاشانی آن مرد علم و عرفان چه زیبا سروده

است:

شبی رو به حق آر ای جان مَحْسَب *** بنال از غم درد پنهان مَحْسَب

تو را چاره ای باید از بهر درد *** به سوز شیش ساز درمان مَحْسَب

به يك شب اگر چاره شد خواب کن *** وگرنه شبی دیگر ای جان مَحْسَب

كجا يك شب و ده شب این می شود *** بمان خواب راحت به دونان مَحْسَب

نخسبی بسی شب ز درد منت *** اگر جان ز تن به بود هان مَحْسَب

بَحْسَب از نفهمیده ای درد جان *** وگرنه به جان عزیزان مَحْسَب

چو خواب آیدت سر به زانو بنه *** به بستر میفت و به سامان مَحْسَب

سحر گه خروسان خروشان شوند *** تو همچون خروسان خروشان مَحْسَب

اگر خواب تن را فزونی دهد *** بُوَد روح را خواب نقصان مَحْسَب

اگر اول شب نخسبی چو فیض *** چو نیمی رود یا که ثلثان مَحْسَب (٧٧)

۱۱. قال رسول الله (ص):

اول ما عصى الله عزَّ و جلَّ بست خصال حُب الدنیا و حُب الریاسة و

حُب الطعام و حُب النساء و حُب النوم و حُب الراحة (٧٨)

رسول خدا (ص) فرمودند:

«نخستین چیزی که آدمی را به نافرمانی خداوند می کشاند شش

خصلت است:

(۱) محبت به دنیا (۲) محبت به ریاست (۳) محبت به طعام (۴) محبت به زن (البته خارج از حد شرعی) (۵) محبت به خواب (۶) محبت به راحتی (و استراحت).»

۱۲. عن الصاد(ع):

ثلاثٌ فيهنَّ المَقْتُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ نَوْمٌ مِنْ غَيْرِ سَهَرٍ وَ ضِحْكٌ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ وَ أَكْلٌ عَلَى الشَّبَعِ (۷۹)
امام صادق(ع) فرمودند:

«سه خصلت است که در آنها خشم خداست (موجب خشم پروردگار می شوند)

(۱) خوابی که در پی آن بیداری نباشد (خواب شب) (۲) خنده ای که بدون جهت و تعجب باشد (۳) خوردنی که در حال سیری باشد.»
اگر توجه اندکی به احادیث و روایت مذکور کنیم دقیقاً درخواهیم یافت که کثرت نوم بویژه در شب از سوی پیشوایان و رهبران عظیم الشان ما بشدت مذمت شده است و از آن سو ترغیب به بیداری در شب به اندازه ای است که از احصا و شمارش خارج است.

بنابراین، بیا ای عزیز، از این فرصتهای ارزشمند و ازمنه نورانی و ملکوتی، یعنی شب و شبها بهره بگیر که خیلی زود ظلمت فرا می رسد.

(گور، ظلمت گور، وحشت گور، تنهایی گور.) و فریادِ رَبِّ ارْجِعُونِي لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحاً به جایی نخواهد رسید. پس به پاخیز پیش از آنی که آرزوی به پا خواستن کنی. برخیز چه بسا دوستان و آشنایان و عزیزانی که هم اکنون در آن عالم آرزوی درك يك شب از شبهای دنیا را برای برخواستن و با خدا راز و نیاز داشتن و خود را بدین وسیله به کمال نزدیکتر نمودن را دارند، ولی ندای (كَلَّا أَيُّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا) را می شنوند (۸۰) (هرگز ممکن نیست، همه می خواهند اما ممکن نیست).

حتی بهترین انسانها هم برای بهتر شدن و به کمال بیشتر نایل آمدن این درخواست را دارند زیرا در آن عالم کردار از انسان منقطع شده است و امکان کردار وجود ندارد.

إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهُ (۸۱)

«آنگاه که انسان می میرد کردار از او جدا می شود (و توانا به کردار

نیست اعم از صالح یا غیر صالح)»

حضرت مریم آرزوی برگشت به دنیا می کند

بیان شده است زمانی که حضرت مریم - علیها سلام الله - از دنیا رفتند پس از چندی حضرت عیسی فرزندش با او سخن گفت و از او چنین پرسش کرد: «ای مادر! آیا شما آرزویی دارید (با توجه به اینکه محبوبه خداوند هستید و در جوار نعم الهی قطعاً منتعم هستید) فرمودند:

«پسرم، فقط يك آرزو دارم و آن این است كه يك بار ديگر به دنيا برگردم و يك شب و يك روز را درك كنم: يك شب براي مناجات و دعا و راز و نیاز با خدا و يك روز برای روزه گرفتن.»

و در روایتی دیگر چنین آمده است: يك روز تابستانی برای روزه و يك شب زمستانی برای مناجات (۸۲) اما ممکن نیست و این آرزو برآورده نخواهد شد. اکنون که این نعمت در اختیار توست برخیز.

درود خدا بر روان پاک فیض کاشانی آن سالک راه معرفت و آن عاشق شب زنده دار دل سوخته. چه زیبا سروده است.

ای خفته رسیده یار برخیز***از خود بفشان غبار برخیز

هین، مرغ سحر به نغمه آمد***جان را تو به نغمه آر برخیز

ای آنکه به هجر یار مبتلایی***هان، مژده وصل یار برخیز

ای آنکه خزان فسرده کردت***اینک آمد بهار برخیز

آهی ز درون خسته برکش***از دیده سرشک بار برخیز

فرصت تنگ است و کار بسیار***برخویش تو رحم آر برخیز

کاری بکن ار تنت درست است***ورنیست شکستهوار برخیز

روی چند به سوی پستی آری***سر راست نگاه دار برخیز

ترسم که نگون به چاه افتی***برخیز از این کنار برخیز

یاران رفتند جمله به شتاب***تأخیر روا مدار برخیز

اصحاب اگر به خواب رفتند***ای فیض زینهار برخیز (۸۳)

اکنون به آیه ای دیگر از قرآن کریم درباره (شب عاشقان)

توجه فرمایید:

بسم الله الرحمن الرحيم «ای جامه به خود پیچیده»

یا ایها المزمّل «شب را جز اندکی به پاخیز»

قم الليل الا قليلا «نیمی از شب یا اندکی از آن کم کن»

نَصْفَهُ او أَنْفَصَ مِنْهُ قَلِيلًا

او زِدْ عَلَيْهِ وَرَتَّلَ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا

«یا بر نصف آن بیفزا و قرآن را با نظم و تأمل بخوان»

همان گونه که در آیه ای که از این پیشتر مورد بحث قرار گرفت (و مِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ) گفته شد خطاب اگر چه به رسول خداست اما عام است.

به قرینه آیات دیگر در اینجا نیز باید گفت اگر چه مخاطب شخص پیامبر است اما نه به عنوان یا ایها الرسول و یا ایها النبی بلکه به عنوان یا ایها المزمّل قم اللیل ای گلیم به خود پیچیده برخیز شب را.

یعنی زمان، زمان حرکت است و دوران دوران قیام و به پاخواستن است، هنگام جامه به خود پیچیدن و در گوشه انزوا خفتن نیست.

این خطاب عام است. فراخوان همه مردم به قیام و خودسازی و آمادگی برای یک حرکت همه جانبه به سوی کمال است. بویژه هنگامی که به کلمه شب برخورد می کنیم، این یک قرینه روشن برای اینکه همه مردم و انسانها باید از نعمت شب و خودسازی در آن بهره گیری کنند و بهره مند شوند است. قیام در شب (شب زنده داری به عبادت) موجب حرکت و قیام همه جانبه در روز می شود. قرینه دیگر این اینکه قرآن را که کتاب زندگی است از ابعاد گوناگون مادی، معنوی، سیاسی، اقتصادی، نظامی، اخلاقی، اعتقادی و ... مورد توجه قرار می دهیم که مهم ترین وسیله است برای تقرب الی اله و تقویب و ایمان برای عامه مردم است. قرینه مهمتر برای همگانی بودن خطاب آیه آخر سوره مبارکه است که پیش از این هم به آن اشاره شد (فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا) هر کس بخواهد می تواند راه به سوی خدا را اتخاذ کند.

قیام در اینجا به معنای برخاستن است در برابر خوابیدن نه فقط به معنای روی پا ایستادن (که هر دو هست).

مطلب دیگری که در این باره باید خاطر نشان کرد این است که تعبیراتی که درباره شب زنده داری در این آیات آمده است در حقیقت برای بیان تخییر است. یعنی مخاطب را مخیر می کند که نیمی از شب یا اندکی از شب و مقداری اضافه به ثلث آخر شب و یا چیزی کمتر و یا چیزی بیشتر از نصف و یا همه شب بیدار بماند. این همه به خاطر این است که نسبت به بندگان تکلیف شایسته نباشد. اما آنچه که مسلم است

تأکید در اصل شب خیزی و شب زنده داری است به عبادت و مهم همین است.

اکنون توجه خوانندگان عزیز را به چند روایت جلب می‌کنم از خاندان عصمت و طهارت. در ذیل آیه مبارکه که ما را به اهمیت قیام در شب برای تلاوت قرآن و دعا و نیایش و تزکیه نفس و خودسازی آگاه می‌کند و نیز از مهمترین عوامل برای نزدیک شدن به خدا و رساندن انسان به شرافت و کرامت انسانی است.

۱. قال رسول الله(ص):

أشرف أمتي حملة القرآن و أصحاب الليل (۸۴)

رسول عالی قدر اسلام می‌فرماید:

«اشراف امت من آنهایی هستند که حاملین قرآن و مصاحبین شبانه اند.

(یعنی تلاوت کنندگان قرآن و شب زنده داران.)»

۲. قال أنس ابن مالك سمعت رسول الله صل الله عليه و آله يقول

الركعتان في جوف الليل أحب إلي من الدنيا و ما فيها (۸۵)

انس بن مالک (که از انصار است) می‌گوید:

«شنیدم از رسول خدا(ص) که فرمودند دو رکعت نماز در دل شب پیش

من محبوب تر است از دنیا و هر چه که در او هست.»

دلا بیا که به کون و مکان نخواهم داد***دعای نیمه شب و کنج خالی از

اغیار(۸۶)

۳. از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمودند:

«معنی این آیه شریفه که خداوند می‌فرماید إن الحسنات يذهبن

السيئات (۸۷) (حسنات گناهان را محو می‌کند) یعنی نماز مؤمن در شب

گناهای که در روز مرتکب شده است را از بین می‌برد»(۸۸)

دلا بسوز که سوز تو کارها بکند***دعای نیمه شبی دفع صد بلا بکند(۸۹)

نیایش در شب موجب زوال امراض است

نیایش و نماز و دعا در دل شب نه تنها قلب و روح و جان آدمی را ارتقا

می‌بخشد بلکه موجب سلامتی جسم و نیرومندی بدن نیز می‌شود و چه

بسا امراض را هم از تن انسان دفع می‌کند.

قال الصاد(ع):

۴. عليكم بصلاة الليل فإنها سنة نبيكم و دأب الصالحين قبلكم و مطردة

الداء عن أجسادكم (۹۰).

«بر شما باد به نماز شب که براستی سنت پیامبر شماسست و روش صالحین بوده است پیش از شما و دفع کننده امراض است از جسد های شما.»

(راستی که آموزه های حیات بخش اسلام و دستورالعمل های مثبت و منفی این مکتب موجب فلاح و رستگاری و سعادت دنیا و آخرت خواهد بود.)

۵ امام صادق می فرمایند: «نماز شب چهره را زیبا، خلق را نیکو، بوی را طیب، رز را بسیار، قرض را ادا، غم را مرتفع و دیده را روشن می کند.» (۹۱)

باری، ای گلیم به خود پیچیده برخیز و از لابه لای موانع حرکت خارج شو. خود را به مقام خود آشنا کن. شبی در طلب وصل بکوش. انگور صفت در خم عشق معشو بجوش. جرعه ای از شراب عبودیت و بندگی بنوش، تا شاید ندای الیّ عبدی آیدت به گوش.

چه نیکو سروده است عارف دانشمند آقای حسن زاده آملی

فَمَ آيَهَا الْمَزْمَل

شد گاه وصل دلدار *** قم ایها المزمَل

آمد زمان دیدار *** قم ایها المزمَل

وقت سفر رسیده *** یعنی سحر رسیده

بیدار باش بیدار *** قم ایها المزمَل

مستانه گریه سر کن *** غم از دلت به درکن

هشیار باش هشیار *** قم ایها المزمَل

بزم طرب به پاکن *** نای و چلب به پا کن

می خوان سرود دیدار *** قم ایها المزمَل

در خلوت شبانه *** با دلبر یگانه

نجوا بود سزاوار *** قم ایها المزمَل

بر ماه و بر ستاره *** باری نما نظاره

اندر دل شب تار *** قم ایها المزمَل

اینک نه وقت خواب است *** کین خواب تو حجاب است

از نیل فیض دادار *** قم ایها المزمَل

ای بی خبر ز هستی ***گر از خودیت رستی
یابی به کوی دل بار ***قم ایها المزمّل
بیرون ز ما و من باش ***آزاده چون حسن باش
در راه وصل دلدادار ***قم ایها المزمّل (۹۲)

قال رسول (ص):

علیکم بقیام اللیل فانه دأب الصالحین قبلکم و قربة الی الله و منهاة
الاثم و تکفیر السینات (۹۳).

«بر شما باد قیام در شب و زیرا آن روش صالحان و موجب نزدیکی
شدن به خدا و بازدارنده از گناهان و کفاره سینات است.»

تلاوت قرآن در شب

اول و آخر قرآن ز چه با آمد و سین

یعنی اندر ره حق راهبرت قرآن بس

تلاوت قرآن در شب

و رتل القرآن ترتیلا قرآن را با نظم و آهنگ منظم بخوان

و تنزل من القرآن ما هو و فرستادم قرآن را که او

شفاء و رحمة للمؤمنین شفاست و رحمت است برای مؤمنین

و لا یزید الظالمین الا خساراً (۹۴) افزون نمی کند ظالمین را مگر زیان

خواندن قرآن در همه اوقات فضیلت بسیار دارد. دل را نورانی می کند

و شفا و رحمت است. ایمان مؤمن را مضاعف می کند. درجات روحی

آدمی را بالا می برد. معنویات را در انسان تقویت می کند به گونه ای که

قاری قرآن احساس می کند که خدا با او سخن می گوید بویژه اگر با تدبیر و

تامل تلاوت کند.

آیات رحمت او را به رحمت خدا نزدیک می کند و آیات عذاب او را متحول خواهد کرد. انس با قرآن آدمی را متخلق به اخلاص حسنه می کند. به او وقار و سکینت می بخشد. او را برابر حوادث مقاوم می کند. روح بلند و عالی به او عطا می کند در دوران شباب و جوانی وجود او را بیمه و مصون از لغزش و خطاهای گوناگون می کند. که رسول خدا فرمودند:

مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَ هُوَ شَابٌّ مُؤْمِنٌ اخْتَلَطَ الْقُرْآنَ بِدَمِهِ وَ لَحْمِهِ

«کسی که در سن جوانی قرآن بخواند قرآن با خون و گوشت او آمیخته

می شود (کنایه از این که وجودش را بیمه می کند).»

حضرت زهرا - سلام اله علیها - فرمودند:

«محبوب ترین چیزها در عالم پیش من تلاوت قرآن است آنگاه پدرم

که قرآن می خواند همه وجودش می لرزید و گاهی از این جهان طبیعت

منسلخ می شد و از حال طبیعی خارج می گردید (۹۵).

و همچنین معصومین و نیز اولیا و بندگان وارسته خداوند در هنگام

خواندن قرآن امواج روحی آنها اوج می گرفت و می گیرد، دو چندان

می گردد. و این خود نشانه ایمان و علامت تقواست که قرآن می فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَ جَلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَ إِذَا تَلَّيْتْ عَلَيْهِمْ آيَاتَهُ

زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۹۶)

«به طور قطع و مسلم مومنین کسانی هستند که وقتی نام خدا را

می شنوند قلبشان از عشق به خدا می لرزد و هنگامی که آیات قرآن بر آنها

خوانده می شود ایمانشان افزون تر می گردد و بر پروردگارشان اتکال

دارند.»

بهترین وسیله سنجش ایمان

آری، بهترین وسیله سنجش درجات ایمان و یا اصل ایمان همانا قرآن

است که دلهای نورانی را نورانی تر و دلهای ظلمانی را تاریک تر می سازد.

به این داستان توجه کنید:

منصور عمار می گوید: سالی به حج می رفتم. در کوفه فرود آمدم تا

چند روزی استراحت کنم. آخر شبی در کوچه های کوفه به گردش

پرداختم تا ببینم مردم این شهر شبها را چگونه صبح می کنند. عاقبت از در

سرایبی عبور می کردم که ناله ای توجهم را جلب کرد. در بسته بود. از روزنه سرای نگاه کردم: جوانی را دیدم که در گوشه سرا مشغول راز و نیاز با خداست. دیدم با حال بسیار خوبی و خضوع فراوانی و با اشک دیدگان عبادت می کند گفتم خوب است او را بیازمایم، قرآن بخوانم تا عکس العمل او را ببینم. با صدای بلند شروع کردم و دهانم را به روزنه در سرا گذاشتم و خواندم:

يا ايها الذين آمنوا فو أنفسكم و اهليكم ناراً (۹۷)

این آیه از آیات عذاب است یعنی «ای کسانی که ایمان آورده اید خود و اهل خود را از آتش جهنم نگهدارید.»

می گوید: هنگامی که آیه را خواندم جوان چنان ناله ای زد و به زمین افتاد که دیگر صدایش را نشنیدم. با خود گفتم مثل اینکه زیاد خسته شده و شاید هم آیه قرآن در او اثر کرده است. ولی فردا وقتی که از در آن سرا عبور می کردم دیدم جنازه ای در جلو سرای قرار دارد و عجزه ای بدرون سرای آمد و رفت می کند. به او نزدیک شدم و گفتم: مادر، حاجتی داری بگو. این جنازه از کیست؟ گفت: او فرزند من است از ذراری رسول خدا است. دیشب مشغول خواندن نماز و عبادت بود ناگهان کسی از اینجا گذشت و آیه ای از قرآن خدا تلاوت کرد و او شنید. آیه از آیات عذاب خدا بود. قرآن چنان در او اثر گذاشت که صیحه ای زد و افتاد. وقتی بالای سرش آمدم دیدم جان به جان آفرین تسلیم کرده است. گفتم: خداوند صبرت عطا کند و او را مشغول رحمت خود قرار دهد. آیا کمک می خواهی برای غسل و کفن و دفن. گفت: آری. به کمک او شتافتم. جوان را غسل و کفن کرده سپس گوری برای او حفر کردم و او را در گور گذاشتم. وقتی لای کفن را کنار زدم تا صورتش را روی خاک بگذارم لای کفن بیشتر کنار رفت دیدم روی سینه اش با خط روشن نوشته شده است:

فی جنة عالیة فطوفها دانية

گفتم هفیناً لك (گوارا باد بر تو). چیزی نگفتم. به مادرش هم بازگو نکردم. به منزل آمدم. شب بعد در عالم رؤیا او را دیدم در ردیف شهدای بدر و احد متنعم است. به او گفتم: تو که در بدر و احد نبودی چه شد که با آنها محشور شدی گفت:

هااولاء فتلوا بسيف الكفار و انا قتلت بسيف ملك الجبار

«آنها با شمشیر دشمن در معرکه قتال کشته شدند و من با شمشیر دوست کشته شدم.» (قرآن) (۹۸)

این است معنی اذا تلیت علیهم آیاتهُ زادتهم ایماناً ولی اگر بر دل‌های تھی از ایمان و عشق خوانده شود (ستمگران و کافران آنهایی که فطرت درشان خاموش شده است) عناد و خسران آنها را افزون می‌کند.

به این داستان نیز توجه کنید:

حجاج بن یوسف ثقفی هنگامی که سعید بن جبیر را آوردند و دستور داد تا سر از بدنش جدا کنند، سعید شروع به قرآن خواندن کرد. رو به قبله نمود و گفت: وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. عناد حجاج چنان افزون شد که به جلاد گفت: صورتش را از قبله برگردان و سر از بدنش جدا کن. وقتی صورتش را برگرداندند این آیه را تلاوت کرد اینما تُؤكَلُونَ وَجْهَ اللَّهِ هَرَجًا نَظَرَ كُنِيَ چهره خدا پیدا است.

عناد حجاج شدیدتر شد. گفت: صورتش روی خاك بگذارید و سرش را بگیرید که دیگر قرآن نخواند. ولی او خواند: مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى. «یعنی خدا می‌فرماید ما شما را از خاك آفریدیم و به سوی خاك بر می‌گردانیم و شما را بار دیگر از خاك خارج می‌کنیم.

اینجا بود که فریاد حجاج بلند شد: جلاد، هر چه زودتر سر او را از بدن جدا کن که دیگر از او قرآن نشنوم. جلاد سر سعید را جدا کرد ولی سر جدا شده سه بار گفت لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ اللَّهُمَّ لَا تُسَلِّطْهُ عَلَى الْمُسْلِمِينَ أَبَدًا. بار خدایا، او را دیگر بر مسلمین مسلط مگردان. خداوند سر ما را بر او مسلط کرد. و بعد از سه روز به درك واصل شد. این است معنی ولا یزید الظالمین الا خساراً.

قرآن شفای دردهاست

آری، قرآن يك داروی مؤثر برای همه دردهای اجتماعی و اخلاقی است. بدون شك بیماریهای روحی و اخلاقی انسان، شباهت بسیاری با بیماریهای جسمی او دارد: هر دو کشنده است، هر دو نیاز به طبیب و درمان و پرهیز دارد. هر دو گاهی سبب سرایت به دیگران می‌شود. هر دو

باید ریشه یابی شوند و پس از شناخت ریشه اصلی باید به درمان هر دو پرداخت هر دو گاهی به مرحله ای می رسند که غیر قابل علاج هستند ولی در بیشتر موارد می توان آنها را درمان کرد.

چه تشبیه جالب و پُر معنی و پرمایه ای! آری، قرآن نسخه حیات بخشی است برای آنها که می خواهند با جهل و کبر و غرور و حسد و نفاق به مبارزه برخیزند. قرآن نسخه شفابخشی است برای برطرف ساختن ضعفها و زبونیها و ترسهای بی دلیل و اختلافها و پراکندگیها.

قرآن داروی شفابخشی است برای آنها که از بیماری عشق به دنیا، وابستگی به مادیات، تسلیم بی قید و شرط در برابر شهوتها رنج می برند. قرآن داروی شفابخشی است برای دنیایی که آتش جنگها در هر سوی آن برافروخته شده است و در زیر بار مسابقه تسلیحاتی کمرش خم شده است و مهمترین سرمایه های اقتصادی و انسانی خود را در پای غول جنگ و تسلیحات می ریزد. سرانجام قرآن نسخه شفابخشی است برای آنها که پرده های ظلمانی شهوات، آنها را از رسیدن به قرب پروردگار مانع شده است. در آیه ۵۷ از سوره یونس می خوانیم.

قَدْ جَاءتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ

«از سوی پروردگارتان اندرز و شفادهنده دلها نازل شد.»

در آیه ۴۴ از سوره فصلت نیز می خوانید:

قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَ شِفَاءٌ

«به این لاجوجان تیره دل بگو این قرآن برای مؤمنان مایه هدایت و

شفاست.»

علی(ع) در سخن بسیار جامع خود در نهج البلاغه این حقیقت را با

شیواترین عبارات بیان فرموده است:

فَاسْتَشْفَوْهُ مِنْ آدْوَانِكُمْ وَ اسْتَعِيثُوا بِهِ عَلٰى لَآوَانِكُمْ فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِّنْ أَكْبَرِ

الدَّاءِ وَ هُوَ الْكُفْرُ وَ النَّفَاةُ وَ الْعَيْ وَ الضَّلَالَةُ

«از این کتاب بزرگ آسمانی برای بیماریهای خود شفا بخواهید و برای

حل مشکلاتتان از آن یاری بطلبید، چرا که در این کتاب درمان بزرگترین

دردهاست: درد کفر و نفاق و ضلالت.»

و در جای دیگر از آن امام بزرگ می خوانیم:

وَ عَلَيكُمْ بِكِتَابِ اللَّهِ فَاتَّهَ الْحَبْلُ الْمَتِينُ وَ النَّورُ الْمُبِينُ وَ الشِّقَاءُ النَّافِعُ وَ

الرَّأْيُ النَّافِعُ وَالْعِصْمَةُ لِلْمُتَمَسِّكَ وَالنَّجَاتُ لِلْمُتَعَلِّقِ لَا يَعْجُجُ فَيُقَامُ وَلَا يَزِيغُ
فَيَسْتَعْتَبُ وَلَا تَخْلُقُهُ كَثْرَةُ الرَّدِّ وَوَلَوْ جُ السَّمْعَ مَنْ قَالَ بِهِ صَدًّا وَمَنْ عَمِلَ بِهِ
سَبَقَ (۹۹)

«کتاب خدا را محکم بگیرد زیرا رشته ای ست بسیار استوار و نوری ست آشکار دارویی است شفافخش و پر برکت و آب حیاتی است که عطش تشنگان حق را فرو می نشاند. هر کس به دامنش چنگ زند نجاتش می بخشد. انحراف در آن راه ندارد تا نیاز به راست نمودن داشته باشد و هرگز خطا نمی کند تا از خوانندگان پوزش بطلبد. تکرارش موجب کهنگی و یا ناراحتی گوش نمی گردد.» (و هر قدر آن را بخواند شیرین تر و دلپذیرتر خواهد شد.)

کسی که با قرآن سخن بگوید راست گوید و کسی که به آن عمل کند گوی سبقت را از همگان می برد(۱۰۰).

این تعبیرهای رسا و گویا که نظیر آن در سخنان پیامبر و دیگر معصومین کم نیست به خوبی ثابت می کند که قرآن نسخه ای ست برای سامان بخشیدن به همه نابسامانیها. بهبودی فرد و جامعه از انواع بیماریهای اخلاقی و اجتماعی.

كَانَ فِي وَصِيَّةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ (ع) بِرَأْيِ أَصْحَابِهِانِ فَرْمُودَهُ أَنْد:

«بدانید که قرآن هدایت کننده است در روز و نور است در شب تاریک بر آنچه که از شدت و گرفتاری وجود دارد.» (یعنی تلاوت قرآن در شب تو را کافی است و بی نیاز می کند تو را هر شر و فاقه ای.) (۱۰۱)

فضیل شفا یافت

شَنیدستم فَضیل نیک فرجام *** شبی شد به دزدی بر در و بام
شَنید از خانه ای آواز قرآن *** بزد راه دل او راز قرآن
دل شب داشت مرد پارسایی *** بدین خوش نغمه از قرآن نوایی
ز شورانگیز آه عاشقانه *** آلم یان (۱۰۲) همی زد در ترانه
که پویی تا به کی راه خطا را *** دل آگه شو به یاد آور خدا را
فضیل آن ناله جانسوز بشنید *** پیشیمان گشت و راه عشق بگزید
به کنج مسجد آن شب تا سحرگاه *** برآورد از دل افغان و از جگر آه
و ز آن پس راه و رسم عشق دریافت *** به جانش پرتو توفیق برتافت

با نظم و ترتیل بخوان. با تأمل و تدبّر بخوان. با تفکر و تعقل بخوان. ناراحت نباش، کسی اینجا نیست، تو هستی و معشوقه تویی و محبوب تویی و آنکه با تو سخن می گوید، خدا:

شب طولانی و خلوتگه یار***کنار دلبر و دیدار دلدار
به عالم کی دهم این گنج نعمت***دل بشکسته و چشمان بیدار(۱۰۳)
براستی که چه زیبا و خوش است مناجات با او:
در ظلمت شب سیر سماوات خوش است***در خلوت شب بزم مناجات خوش است

اندر دل شب ز دل برآوردن آه***در بارگه قاضی حاجات خوش است

خانه دل و خانه زندگی را با خواندن قرآن نورانی کنید
پیامبر بزرگوار اسلام می فرماید:
تَوَرُّوا قُلُوبَكُمْ بِتِلَاوَاتِ الْقُرْآنِ (۱۰۴)
«دل‌های خودتان را با تلاوت قرآن نورانی کنید.»
و نیز فرموده است:

زَيِّنُوا بُيُوتَكُمْ بِتِلَاوَاتِ الْقُرْآنِ (۱۰۵)
«خانه های خودتان را با خواندن قرآن زینت بدهید.»
آری، آوای قرآن در خانه ها و بویژه در دل شب موجب نزول ملائکه و رحمت خداست در آن خانه ها و سبب دفع شیاطین خواهد بود.
امیرالمؤمنین(ع) در نهج البلاغه در ضمن اوصاف متقین چنین می فرماید:

أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ مُرْتَلُونَ تَرْتِيلًا يُحَرِّثُونَ بِهِ
أَنْفُسَهُمْ وَيَسْتَشِيرُونَ بِهِ دَوَاءَ دَائِهِمْ (۱۰۶)

«و اما شب که می رسد (عاشقان با ایمان) به پا ایستاده آیات قرآن را با فکر و تأمل تلاوت می کنند و با قلبی محزون درمان بیماریهای روحی خود را در آیات قرآن می جویند. آیات رحمت امید و ایمانشان را افزون و آیات عذاب خشیت آنها را بسیار و بسیارتر می کند.»

همه شب تا سحر آن عشقبازان***ز شو دوست چون شمع گدازان
کنند اجزا قرآن را تلاوت***به ترتیل و تفکر و ز درایت
کنند از فکر در آیات قرآن***هزاران درد جان خویش درمان

خوشا آنان که شب زین دفتر عشق***همی خوانند نام دلبر عشق
 خوشا آنان که هر شب تا سحرگاه***بدین خوش نغمه از دل بر کشند آه
 الهی آتش عشقم برافروز***به لطف خویش بختم ساز پیروز
 به لطف خود چون آن آزادمردان***دلم روشن به نور شو گردان(۱۰۷)
 به این حدیث دقت کنید:

مفضل بن عمر از امام صادق(ع) و آن حضرت از آبا گرامیشان تا می رسد
 به رسول خدا(ص) خبری نسبتاً طولانی نقل می کند که بخشی از آن خبر را
 که مناسب با مقال است یادآور می شویم و درونمایه حدیث این است:
 هرگاه بنده ای در دل شب با مولا و معبود خویش خلوت کند و با او به
 مناجات برخیزد خداوند در دل او یک نور قرار دهد و آنگاه که بگوید ای
 رب ای رب خداوند - جَلّ جلاله - ندایش داده و می گوید لبیک ای بنده
 من از من طلب کن و بخواه تا عطایت کنم و به من توکل کن تا کفایت کنم.
 سپس خداوند - جَلّ جلاله - به فرشتگانش خطاب کند: ای فرشتگان من،
 به این بنده من بنگرید که در این دل شب چگونه با من خلوت کرده است
 در حالی که بطالین (تبهکاران) به لهو و لعب مشغولند و غفلت زدگان در
 خواب غفلت آرمیده اند. اینک گواه باشید که من به طور قطع او را
 آمرزیدم(۱۰۸).

الهی بر دلم نوری بیفروز***که با شد مونس شبهای تارم
 بار خدایا! تو خود دلهای ما را به نور قرآن و ذکر و دعا روشن بفرما.
 آری، شب خیزان و عاشقان شب روزها را به امید شب سپری می کنند و
 در انتظار فرا رسیدن میعادگاه خود با معشو دقیقه شماری می کنند تا با او
 خلوت کنند و سخن بگویند و بشنوند (قرآن بخوانند و نماز بگذارند).

صبا گو آن امیر کاروان را***مراعاتی کند این ناتوان را
 خدا را ای خور خاور شتابی***که تا گیرد حجاب شب جهان را
 که شب از درد بیدار است بیمار***نمی یابد ز دست او امان را
 بیا ای شب که تا اندر دل تو***نوازم نغمه آه و فغان را
 مگر تا اندر آن آه و فغانم***بیابم لطف یار مهربان را
 مگر تا آن مه شب زنده داران***فروزد از فروغی جسم و جان را
 بیا ای شب که دارم با تو رازی***بپرسم از تو سیر کهکشان را
 ز سبحان الذی اسرا بعده***عروج حضرت ختمی مکان را

ز پیک تو جمال سرّ قرآن *** بیان سوره قدر و دخان را
 بیا ای شب که تا بی پرده سازم *** درون پرده ات راز نهران را
 بیا ای شب که تا در سایه تو *** تماشایی نمایم آسمان را
 که هر استاره ای دارد زبانی *** برای آنکه می داند زبان را (۱۰۹)
 به آیه ای دیگر توجه فرمایید:
 قال الله الحکیم:

تتجافا جنوبُهُم عن المضاجع

«پهلوهانشان از بسترها در دل شب دور می شود (به پای می خیزند و رو
 به درگاه خدا می آورند).»

يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا

«پروردگار خود را با بیم و امید می خوانند.»

و مِمَّا رَزَقْنَا هُمْ يُنْفِقُونَ (۱۱۰)

«و از آنچه به آنها روزی داده ایم انفا می کنند.»

در باره آیه فو دو تفسیر در روایات اسلامی به چشم می خورد:

يك تفسیر این است که منظور از تتجافا جنوبُهُم بعد از نماز مغرب و
 پیش از نماز عشا به خواب نمی روند و یا به بستر نمی روند مبادا خواب آنها
 را بگیرد و نماز عشای آنها از دست برود (زیرا در آن زمان معمول این بود
 که بر پایه استحباب نمازها را هر يك به وقت خود بخوانند و جدایی بین
 نماز مغرب و عشا مستحب است.)

اما تفسیر دیگر که اکثر مفسرین بر این باور هستند با بهره گیری روایات
 و احادیث برخاستن از بستر برای خواندن نماز شب و ادعیه نیمه شب و
 تلاوت قرآن است.

امام باقر(ع) به یکی از یارانشان چنین می فرماید:

ألا أخبرك بالاسلام أصله و فرعه و ذرؤه سنامه

«آیا می خواهی ریشه و شاخه و بلندترین قلّه اسلام را به تو معرفی

کنم؟»

راوی عرضه داشت بفرمایید به فدایت شوم. فرمود:

أما أصله الصلوة و فرعه الزكاة و ذرؤه سنامه الجهاد

«و اما ریشه آن نماز است و شاخه آن ذکات و قلّه مرتفعش جهاد است.

سپس افزودند که اگر بخواهی تمام درهای خیر را به تو معرفی کنم.»

راوی گفت: بفرمایید فدایت شوم. امام فرمودند:

الصَّوْمُ جَنَّةٌ وَ الصَّدَقَةُ تَذْهَبُ بِالْخَطِيئَةِ وَ قِيَامُ الرَّجُلِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ
يَذُكُرُ اللَّهُ ثُمَّ قَرَأَ (تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ)

«روزه سپری است در برابر آتش و صدقه محو کننده سیئات است و به پا خواستن انسان در دل شب او را به یاد خدا می اندازد.» سپس آیه تَتَجَافَى را تلاوت فرمودند (۱۱۱):

و نیز در تفسیر مجمع البیان از معاذ بن جبل چنین نقل شده است که: در غزوه تبوک در خدمت رسول خدا(ص) بودم در حالتی که حرارت و گرما همه را سخت ناراحت کرده بود و هر کس به گوشه ای پناه می برد. ناگهان دیدم که پیامبر(ص) از همه به سخن نزدیکتر است. به حضورشان رفتم و عرضه داشتم: ای رسول خدا! کرداری به من بیاموزید که مرا وارد بهشت کند و از آتش دوزخ دور سازد. فرمودند پرسش بزرگی کردی اما پاسخ آن برای کسی که خدا بر او آسان کرده است دشوار نیست. سپس افزود: تَعْبُدُ اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئاً وَ تَقِيْمُ الصَّلَاةَ الْمَكْتُوبَةَ وَ تُؤَدِّي الزَّكَاةَ الْمَمْقُوضَةَ وَ تَصُومُ شَهْرَ رَمَضَانَ

«خدا را پرستش کن و چیزی را شریک او قرار مده. نمازهای واجب را انجام بده و زکات واجب را رد کن. و ماه رمضان را روزه بگیر. سپس فرمودند: و اگر بخواهی از ابواب خیرات به تو خبر می دهم. عرض کردم: ای پیامبر خدا بفرمایید. فرمودند:

الصَّوْمُ جَنَّةٌ مِنَ النَّارِ وَ الصَّدَقَةُ تَكْفِي الْخَطِيئَةَ وَ قِيَامُ الرَّجُلِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ يَبْتَغِي وَجَهَ اللَّهِ ثُمَّ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ

«روزه سپری است در برابر آتش و انفا در راه خدا کفاره گناهان است و قیام انسان در دل شب برای خشنودی خدا.» سپس آیه (تتجافا را) تلاوت فرمودند (۱۱۲):

از این دو حدیث و احادیث دیگر خوب بهره گیری می شود که انجام فرایض و اوامر حضرت حق برای اجرا و رسیدن به بهشت و دوری از عذاب خداوند است، اما نیایش در دل شب، شب زنده داری برای قرب و نزدیک شدن به حضرت حق و یاد اوست که از هر نعمت و لذتی بالاتر و ارزشمندتر است. که فرموده است:

عابد از حق طلبد حور و قصور و لب حوض***زاهد از حق طلبد خلد و سرور

و لب حوض

من می وصل تو خواهم نه ظهور و لب حوض***سایه طوبی و دلجویی حور
و لب حوض
به هوای سر کوی تو برفت از یادم

انس با شب

آری، شب برای خلوت با محبوب و راز و نیاز با معشو و جدا شدن
از او هام روزانه و انجذاب روح و اوج گرفتن آن و تقرب یافتن به کانون
انوار جمال مطلق و جلال لایزال و عرض نیاز عاشقانه به پیشگاه آن خالق
بنده نواز مجال بسیار ارزشمند و معتنمی است.

آنها که به این باور رسیده اند پیوسته انتظار آن دارند که هر چه زودتر
ظلمت شب فرارسد و میان او و بیگانه حایل آید تا خلوتگاه انس با
معیشو تشکیل شود. تا بتواند با فراغت و خیال آسوده و آرامش دل اسرار
درون و رازهای ناگفتنی خود را با آن محرم اسرار در میان بگذارد. نمونه و
مصدرا اعلاى این ترسیم وجود مقدس امام المتقین امیرالمؤمنین علی(ع)
است.

كَانَ يَسْتَوْحِشُ مِنَ الدُّنْيَا وَ زَهْرَتِهَا وَ يَسْتَأْنِسُ بِاللَّيْلِ وَ خَشِيَّتِهِ (۱۱۳)

«آن امام بزرگوار از دنیا و همه زیباییها و دلرباییهای آن تنفر و وحشت
داشت اما با ظلمت شب و تاریکی وحشت انگیز آن دلبستگی و انس
شدید داشتند.»

علی و شب

نیمه شب زمزمه ای هست بلند***که مرا می گسلد بند از بند
چه روانبخش صدایی دارد***شور عشق است و نوایی دارد
نغمه هایی که ز سازش خیزد***شور در چنگ دو عالم ریزد
هست جان سوزتر از ناله نی***کرده صد ناله به يك زمزمه طی
بس که با شور و نوا دمساز است***به سماوات ظنین انداز است
خیره گردیده از این جلوه سپهر***پرتو زهره و نور مه و مهر
چرخ سرگشته و آواره او***چشم انجم پی نظاره او
دشت و صحرا همه در بهت و سکوت***که بلند است نوای ملکوت

این نوای ابدیت از کیست***شاید آهنگ مناجاتِ علی است
 بنهادم قدم آهسته به راه***تا مگر گردم از این راز آگاه
 دیدم آن سوی که نخلستانی است***اثر از ظلمت شب پیدا نیست
 همه از جلوه حق مستور است***جلوات است و سراسر نور است
 دیدم آن سرّ خَلَقْتُ الْأَقْلَکُ***روی اخلاص نهاده است به خاک
 نیمه شب خلوت رازی دارد***با خدا راز و نیازی دارد
 کی خدا باز شب تار آمد***شب تاریک پدیدار آمد
 همه در بستر راحت خفتند***روی در پرده شب بنهفتند
 هر کسی رفته به خواب ناز است***لیک درهای تو هر سو باز است
 ای خدایی که نوازنده تویی***بگشا در که گشاینده تویی
 تا تویی پادشه بنده نواز***ننهم هیچ کجا روی نیاز
 نیست غیر از تو مرا ملجایی***جز سر کوی توأم مأوایی(۱۱۴)

ابودروا می گوید شبی از کنار نخلستان عبور می کردم. ناله های
 جان سوزی توجهم را جلب کرد. نزدیک شدم. دیدم علی است. در حال
 مناجات آن قدر ناله کرد و الهی الهی گفت تا به روی زمین افتاد. بالای
 سرش آدم تصور کردم که روح از بدن او پرواز کرده شتابان به خانه زهرا
 روان شدم. گفتم: دختر پیغمبر نشسته ای و حال آنکه علی از دنیا رفت.
 فرمود: ابودروا علی را در چه حالی دیدی؟ گفتم: در حال دعا و نیایش.
 فرمود: ابودروا او نمرده است بلکه از شو و عشق و خَشِیت به خدا غش
 کرده. به اتفای بالای سر علی آمدم و حضرت زهرا به صورت مبارکش
 گلاب پاشید و او به هوش آمد(۱۱۵).

و از اسرار درون دل شب***شب چها دیده به عالم یارب
 وصلها دیده پس از راز و نیاز***هجرها دیده پس از راز و نیاز
 علی آن شیر خدا شاه عرب***الفتی داشته با این دل شب
 شب ز اسرار علی آگاه است***دل شب محرم سرّ الله است
 شب شنیده است مناجات علی***جوشش چشمه حبّ ازلی
 برآستی چرا علی(ع) دردهای درون دل و غمهای برانگیخته شده از
 برخوردی آن مردم نابخرد را در دل شب به دور از چشم اغیار در زیر
 آسمان شفاف بالای چاه زمزمه می کرد. چرا شب را اختیار می کرد. حتابه
 نزدیکترین یارانش هم اندوه دل را نمی گفت. یگانه محرم اسرار و رازدار

علی دل شب بود و دل چاه که شب و چاه وسیله راز و نیازش بود با معبود.
 گوشه ای از شبهای علی در نهج البلاغه
 شخصی به نام ضرار بن صخره ضبابی روزی در حضور معاویه -
 لعنت الله علیه - گوشه ای از حال شبانه علی(ع) را نقل کرد به طوری که
 معاویه با آن قساوت قلب و پلیدی به گریه افتاد.
 ضرار گفت:

قَاشَهُدُ لَقَدْ رَأَيْتُهُ فِي بَعْضِ مَوَاقِفِهِ وَقَدْ أَرَخِي اللَّيْلُ سُدُّهُ وَهُوَ قَائِمٌ فِي
 مَحْرَابِهِ قَابِضٌ عَلَى لِحْيَتِهِ يَتَمَلَّمُ تَمَلَّمُ السَّلِيمِ وَيَبْكِي بِكَاءِ الْحَزِينِ إِلَى
 آخِرِ قَوْلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ (۱۱۶)

«شهادت می دهم که من او را در برخی از موقوفهای عبادتش دیدم به
 هنگامی که شب پرده های ظلمت خود را گسترده و آن بزرگوار در محراب
 خویش به عبادت ایستاده و دست به محاسن خود گرفته و همانند شخص
 مارگزیده به خود می پیچید و چون انسان غمزده اشک می ریخت و به دنیا
 خطاب می کرد (که برو غیر مرا گول بزن...).»

مقال آن حضرت مفصل است و خوانندگان عزیز می توانند به
 نهج البلاغه باب المختارین الحکم، حکمت ۷۴ مراجعه فرمایند.

مشاهده میثم تمار شبی را از علی(ع)
 میثم آن محرم اسرار علی(ع)***آنکه بودی همه جا یار علی(ع)
 گفت: «دستم بگرفت در دل شب***فخر اولاد بشر میر عرب
 بُرد بیرون مرا آن مولای***به سوی دشت و دمن تا صحرا
 وانگه آن شیر خدا فخر بشر***گفت با من چنین آن سرور:
 «گوش کن آنچه تو را می گویم***چون ز تو حفظ امانت جویم»
 سپس آن عبد خداوند مجید***گرد من يك خط خاکی بکشید
 گفت: «میثم تو از این خَطّه قدم***میه بیرون که تا برگردم»
 وندر آن نیمه شب گشت روان***تا که از دیده همی شد پنهان
 ساعتی چند بماندم حیران***پهر مولای خودم دل نگران
 عاقبت طاقت من رفت ز دست***نگرانی خط معهود شکست
 بی خبر از خود و از پیمانم***شعله زد آتش غم بر جانم
 من ز خود بیخود و دل واپس او***زود گشتم روان از پس او

تا بینم به کجا رفت شهم***سرور و هادی و آن پیر راهم
 وه چه دیدم که امام معصوم***سر فرو برده به چه آن مظلوم
 وه چه گویم در آن نیمه شب***چه شنیدم من از میرعرب
 محرم راز دلش چاه بود***همدمش سوز دل و آه بود
 آن قدر گشته ز خلق آزاده***که پناه بر سر چاهی برده
 به فدای قدمت این تن و جان***چه کشیدی تو از آن نامردان(۱۱۷)»
 به گوشه ای دیگر از حال پر سوز علی در دل شب توجه فرمایید:
 ضرار بن ضمره ضبابی در حضور معاویه - لعنت الله علیه - گوشه ای از
 حالات شبانه علی(ع) را بیان کرد معاویه با آن همه قساوت به گریه افتاد.
 ضرار گفت:

فَأَشْهَدُ لَقَدْ رَأَيْتُهُ فِي بَعْضِ مَوَاقِفِهِ وَقَدْ أَرَخَى اللَّيْلُ سُدْلَهُ وَهُوَ قَائِمٌ فِي
 مِحْرَابِهِ قَائِضٌ عَلَى لِحْتِهِ يَتَمَلَّمُ تَمَلُّمَ السَّلِيمِ وَيَبْكِي بُكَاءَ الْحَزِينِ وَيَقُولُ
 يَا دُنْيَا يَا دُنْيَا إِلَيْكَ عَنِّي أَبِي تَعَرَّضْتَ؟ أَمْ إِلَيَّ تَشَوَّقُ لِأَحَانِ حَيْثُكَ
 هِيَهَاتَ عَرَى لِحَاجَةَ فِيكَ

فَدُ طَلَّقْتُكَ ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ فِيهَا - فَعَيْشُكَ قَصِيرٌ وَخَطْرُكَ يَسِيرٌ وَ أَمَلُكَ
 حَقِيرٌ، آه مِنْ قِلَّةِ الزَّادِ وَ طُولِ الطَّرِيقِ وَ بَعْدِ السَّفَرِ وَ عَظِيمِ الْمَوْرِدِ(۱۱۸)

«شهادت می دهم که او را در برخی از موقفهای عبادتش دیدم. آن
 زمان که شب پرده های ظلمت خود را گسترده بود آن حضرت در محراب
 عبادت خویش به پا خواسته و دست مبارک بر محاسن گرفته و همانند
 شخص مارگزیده به خود می پیچید و همانند انسانهای غمزده اشک
 می ریخت و به دنیا خطاب می کرد: ای دنیا! ای دنیا! از من درو شو! آیا به
 من رو آورده ای؟ و یا طالب و خواهان من شده ای؟ هرگز چنین روزی
 نخواهد آمد. چه آرزوی بعیدی است این آرزوی تو، دیگری را بفریب که
 مرا به تو نیازی نیست. تو را ای دنیا من سه طلاقه کرده ام که هیچ گاه در آن
 رجوعی نیست. حیات و زندگی تو کوتاه است و بها و ارزش تو اندک و
 آرزویت پست و ناچیز (سپس فرمودند) آه از اندکی توشه و طولانی بودن
 راه و دوری سفر و بزرگی منزلگاه.»

صحنه دیگری از حالات شبانه علی(ع)

از حبه عُرَی نقل است که شبی با نَوْفِ بَکَالی (که هر دو از یاران

امیرالمؤمنین علی(ع) هستند) در خواب بودیم. ساعات آخر شب بود که من از خواب پریدم و چشمم به امام امیرالمؤمنین(ع) افتاد. دیدم مانند اشخاص واله و حیران دست به دیوار و سر به آسمان به تلاوت قرآن مشغول است و این آیه را می خواند و تکرار می کند:

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اخْتِلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ قُعُودًا وَ عَلَى جُنُوبِهِمْ وَ يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (۱۱۹)

پس از مدتی متوجه من شد و فرمود (آرا قد أنت يا حبة ام رامق) ای حبه تو خوابی یا بیدار؟ گفتم: بیدارم مولای من، اما از کار شما سخت متحیرم و سرگردان. می بینم شما که این چنین بی قرار هستید و نا آرام پس حال ما (گنهکاران) چگونه خواهد بود.

این سخن را که امام از من شنید دیدم پلکهای چشم مبارکش روی هم افتاد و قطرات اشک از دیدگان شریفش به صورتش جاری شد و فرمود:

«يا حبة إن لله موقفاً و لنا بين يديه موقفاً لا يخفى عليه شئني من أعمالنا يا حبة إن الله أقرب إليّ و إليك من حبل الوريد يا حبة إنه لا يحجبني و لا إياك عن الله شئني»

«ای حبه، مسلم بدان که خدا را موقفی است برای رسیدگی به حساب کردار بندگان. در آن موقف به همه کردار ما که چیزی از آن بر خدا پنهان نیست، رسیدگی خواهد شد. ای حبه، خدا از رگ گردن به من و تو نزدیکتر است و چیزی میان ما و خدا حاجت و پوشاننده نیست. (یعنی ای حبه، علی چگونه آسوده و آرام بخوابد در حالی که می داند چشم بیدار خدا شاهد کردار ریز و درشت اوست.)»

حبه می گوید: در این موقع امام(ع) متوجه «نوف» شد و فرمود: «أرا قد أنت يا نوف» ای نوف آیا تو در خوابی؟ عرضه داشت «لا يا اميرالمؤمنين ما أنا براقد أطلت بكأئ في هذه الليلة»

نه یا امیرالمؤمنین بیدارم و بر حال خود گریان. مرا امشب به گریه بسیار وا داشتی. فرمود:

«يا نوف إن طال بكأئك في هذه الليلة مخافة من الله تعالى قرت عينك غداً بين يدي الله عزّ و جلّ يا نوف إنه ليس من قطرة من عين رجل من

خشية الله إلا أطفأت بحاراً من النيران»

«ای نوف، هیچ قطره اشکی از چشم کسی از خوف خدا نمی ریزد مگر اینکه دریاهایی از آتش «قهر خدا» را خاموش می سازد.»
آنگاه امام(ع) مقداری آنها را موعظه کرد و پند و اندرزشان داد و در پایان سخنان خود فرمود:

«فَكُونُوا مِنَ اللَّهِ عَلَى حَذْرٍ فَقَدْ أَنْدَرْتُكُمْ»

«حال از خا بترسید و از عذابش برحذر باشید که من اندارتان کردم (و از عفتبات سنگین پس از مرگ آگاهتان ساختم).»
سپس امام به راه افتاد و همچنان می رفت و می گفت:
«أَيُّتَ شِعْرِي فِي عَفْلَاتِي أَمَعْرَضُ أَنْتَ مَنِّي أَمْ نَاطِرُ أَلِيٍّ وَ أَيْتَ شِعْرِي فِي طَوْلِ مَنَامِي وَ قَلَّةِ شُكْرِي فِي نِعْمِكَ عَلَيَّ مَا حَالِي»

«کاش می دانستم (ای پروردگار من) که در اوقات غفلتم آیا تو از من رو گردانی یا نظر لطف و عنایت درباره ام داری؟ و کاش می دانستم در آن ساعات شب که به خواب گران فرو رفته ام و هنگامی که در برابر نعمتهای تو به شکر و سپاس اندک بسنده نموده ام چه حالی (و چه موقعیتی در پیشگاه تو) دارم.» حبه گوید: به خدا سوگند حال علی(ع) به همین منوال بود تا سپیده دمید (۱۲۰).

آری، خواننده عزیز این است حال مولایمان در دل شب و راز و نیاز با خدا. فراموش نکنیم که ما شیعه و پیرو آن حضرت هستیم. (تأمل کن).

خلوتگه دیدار

عاشقان در دل شب راز کنند***عقده های دل خود باز کنند
رمز پیروزی عشا شب است***وقت دلسوزی عشا شب است
غفلت از شب منما جان پدر***تا که جانت به تن و عقل به سر
شب تو را نور و صفا می بخشد***شب تو را هوش و ذکا می بخشد
شب به پا خیز و نما راز و نیاز***تا تو را درك شود رمز نماز
در حقیقت شب مردان صفا***بهتر از روز بود نزد خدا
این چنین گفت رسول دوسرا***خاتم جمله رسولان خدا
نزد اهل دل و ارباب صفا***چو ربیع است لیالی شتا
دل شب جلوه گه نور خداست***وقت آرامش و هنگام دعاست

می نپرسی که چرا شمس بروج***به شب تار همی کرد عروج
چونکه خلوتگه دیدار شب است***خالی از جمله اغیار شب است
(بیدل) آر قرب تجلی خواهی***غفلت از شب منما گه گاهی(۱۲۱)

گوشه ای از ناله های شبانه امام سجاد(ع)

به جملاتی که امام للمتهجدین زین العابدین علی بن الحسین(ع) در دل
شب در پیشگاه معبود و معشو خود عرضه می دارد توجه کنیم و سپس
بنشینیم و بر حال خواد زارزار بگرییم.

اصمی می گوید شبی گرد خانه کعبه طواف می کردم. ناگهان جوانی را
دیدم زیبا چهره و خوش اندام از پرده خانه کعبه گرفته و چنین می گوید:
نَامَتِ الْعُيُونُ وَ عَلَتِ النَّجُومُ وَ آتَتْ الْمَلِكَ الْحَيَّ الْقَيُّومَ عَلَّقَتْ الْمُلُوكُ
ابوابها و أقامت علیها حرأسها و بابك مفتوح للساثلین جنك لتنظر إلی
برحمتك یا ارحم الراحمین ثم انشأ یقول

«دیدگان (خلق) به خواب رفته اند و ستارگان آسمان آشکار گردیده اند
(می درخشند) و تو ای (سلطان مقتدر) زنده و استواری» (بار خدایا)
پادشاهان در خانه های خود را بسته اند و بر آنها پاسبانان و محافظان
گماشته اند ولی در خانه تو به روی سوال کنندگان باز است. (و من اکنون
در چنین زمانی) به سوی تو آمده ام تا با نظر رحمتت به من بنگری ای
رحیم ترین رحم کنندگان.»

سپس اشعاری را انشا فرمودند:

یا مَنْ یُجِیبُ دَعَا الْمُضْطَّرِّ فِی الظُّلْمِ
یا کاشِفَ الضُّرِّ وَ الْبَلْوَی مَعَ السَّقَمِ
قد نام وَ فُذِّکَ حَوْلَ الْبَیْتِ قاطِبة
وَ أَنْتَ وَ حَدِّکَ یا قَیُّومَ لَمْ تَنَمِ
أَدْعُوكَ رَبَّ دُعَاءِ قَدْ أَمَرْتَ بِهِ
فَارْحَمَ بُکائِی بِحَقِّ الْبَیْتِ وَالْحَرَمِ
إِنْ کَانَ عَعُوكَ لَا یَرْجُوهُ ذُوسَرْفِ
فَمَنْ یَجُودُ عَلَی الْعاصِینَ بِالنِّعَمِ(۱۲۲)

ای آن کسی که در دل شب تاریک دعای مضطر (گرفتار) را اجابت
می کنی و برطرف کننده مشکلات و بدیها و دردها هستی،

میهمانانت (زائرین بیتت) در گرد خانه ات همه به خواب رفته اند و تو تنها بیداری و استوار،
 بار خدایا! تو را می خوانم (دعا می کنم) که به حق تو خود امر به دعا کرده ای پس (معبودا) تو را به حرمت خانه و حرمت سوگند می دهم که بر گریه های من ترحم فرمایی،
 اگر عفو (و بخشش) تو اسراف کنندگان را (گنهکاران) امیدوار نکند پس چه کس بر عاصیان و گنهکاران با نعمتهای خود می بخشد. سپس اصمعی می گوید نزدیک شدم تا ببینم این جوان (با این سوز و گداز و عشق و اشتیا به پیشگاه خداوند) کیست «فاذا هُوَ زین العابدین» دیدم، آن آقا حضرت زین العابدین است.

شنیدستم شبی شب زنده داری *** به گردون داشت چشم اشکباری
 همی دید آن نظر باز شبانه *** کواکب را به چشم عاشقانه
 به چشمان در تماشای سماوات *** به جان باروی جانان در مناجات
 نظر بر انجم رخشنده می دوخت *** به حیرت همچو شمع بزم می سوخت
 گهی با فکر و گه با ذکر سُبُوح *** همی روشن نمود آینه روح
 چو مرغ حق به دل با ناله زار *** به ذکر حق سحر کردی شب تار
 همی گفتا الهی یا الهی *** به سوی خود مرا بنمای راهی (۱۲۳)

زهره - سلام الله علیها - و شب

اکنون گوشه بسیار کوچکی از شبهای زهره - سلام الله علیها - ابن بابویه به سند معتبر از حضرت امام حسن مجتبی (ع) روایت کرده است که:
 آن حضرت فرموده در شب جمعه مادرم فاطمه (س) در محراب خود ایستاده بود و مشغول عبادت و بندگی پروردگار پیوسته در رکوع و در قیام و دعا بود تا صبح طالع شد. می شنیدم که مرتب با سوز و گداز نیایش می کرد. در حق مؤمنین و مؤمنات و حتی آنها را نام می برد و خود را یکسره فراموش کرده بود تا آنجا که من گفتم مادر چرا همچنان که برای دیگران دعا کردی برای خود نکردی. فرمود: یا بُتّی الجار ثمّ الدّار (پسرم اول همسایه و سپس خود). (۱۲۴)

گریه های شبانه زهره از خوف خدا و خشیت پروردگار جداگانه یک رساله لازم دارد. یکی از چهار گریه کنندگان عام فاطمه زهره - سلام الله

علیها - ست.

به يك عمل شبانه امام صادق(ع) نیز بنگرید

كان جعفر بن محمد(ع) رُبَمَا يَأْتِي الْقُبُورَ لَيْلًا وَيَقُولُ يَا أَهْلَ الْقُبُورِ مَالِي إِذَا دَعَوْتُمْ لَا تُجِيبُونَنِي ثُمَّ يَقُولُ حَيْلٌ وَاللَّهِ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْجَوَابِ وَكَأَنِّي أَكُونُ مِثْلَهُمْ يَسْتَقْبِلُ الْقَبْلَةَ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ (١٢٥)

امام صادق(ع) گاهی شبانه کنار قبرستان می آمد و می گفت:

«ای خفتگان در دل خاک، چرا من شما را می خوانم ولی شما مرا پاسخ نمی گوید؟ آنگاه می فرمود: به خدا قسم میان آنها و جواب حایل افتاده است و توانا به پاسخ نیستند و روزی من هم همانند آنها خواهم شد. سپس رو به قبله می ایستاد و تا برآمدن آفتاب مشغول راز و نیاز و دعا و مناجات با قاضی الحاجات بود.»

(همه امامان و پیشوایان بزرگوار، بخشی از شبهای خود را با سوز و گداز و به عبادت و مناجات سپری می کردند که این مقال مجال بیان آنها را ندارد.)

باری، باید از خداوند - متعال - درخواست کرد که توفیق شب خیزی و دعا و نیایش را او عطا فرماید، زیرا همه چیز در اختیار اوست.

چون خدا خواهد که غفاری کند***میل بنده جانب زاری کند

آنکه خواهد از بلایش واخرد***جان او را در تضرع آورد

چون تضرع را بر حق قدرهاست***آن بها کاین جاست زاری در کجاست

با تضرع باش تا شادان شوی***گریه کن تا بی دهان خندان شوی

کام تو موقوف زاری دل است***بی تضرع کامیابی مشکل است (١٢٦)

آری، اگر شایستگی پیدا کنیم او به ما عنایت خواهد کرد که میل به تضرع و مناجات را در ما ایجاد نماید.

هم دعا از تو اجابت هم ز تو***ایمنی از تو مخافت هم ز تو

از پیامبر بزرگوار اسلام(ص) منقول است که فرمودند:

إِذَا قَامَ الْعَبْدُ مِنَ لَدَيْهِ مَضْجَعِهِ وَالتَّعَاسُ فِي عَيْنِهِ لِيَرْضَى رَبَّهُ جَلَّ وَعَزَّ بِصَلَاةٍ لَيْلِيَةٍ بِهَا هِيَ اللَّهُ بِهِ مَلَانِكَةٌ فَقَالَ أَمَا تَرَوْنَ عَبْدِي هَذَا قَدْ قَامَ مِنَ لَدَيْهِ مَضْجَعِهِ إِلَى صَلَاةٍ لَمْ أَفْرُضْهَا عَلَيْهِ أَشْهَدُوا أَنِّي قَدْ عَفَرْتُ لَهُ (١٢٧)

«آنگاه که بنده از رختخواب لذت بخش خود برای به جای آوردن نماز

شب به جهت جلب رضای معبودش برخیزد در حالی که بقایای خواب در چشمانش وجود دارد، خداوند به فرشتگانش مباحثات می‌کند به آنها و می‌فرماید (ای فرشتگان) آیا نمی‌بینید این بنده مرا که از خواب لذت بخش خود چشم پوشی کرده و به نمازی که بر او واجب نکرده ام به پا خواست است. گواه باشید که او را بی‌گمان مشمول آمرزش خویش قرار دادم.»

تو بخشنده هر گناهی الهی***ندارم بجز تو پناهی الهی
چه درها ز رحمت برویم گشودی***کشیدم چو از سینه آهی الهی
در بخشی از وصیت رسول خدا(ص) به امیرالمؤمنین(ع) چنین آمده است: یا علی سه چیز سبب سرور و فرح مؤمن است.

۱. ملاقات برادران مسلمان خود

۲. افطار نمودن روزه دار (وقت افطار)

۳. بیدار شدن برای عبادت و مناجات در آخر شب(۱۲۸).

آری، آنهایی که اهل دل اند و لذت مناجات را چشیده اند می‌گویند: هیچ لذت و سروری همانند لذت نیایش و راز و نیاز با خدا نیست (خداوندا به ما بچشان).

شب‌ی چنین در هفت آسمان به رحمت باز***ز خویشتن نفسی ای پسر به خود پرداز

مگو شبی به عبادت چگونه روز کنم***محبّ را ننماید شب وصال دراز
کریم عزّ و جلّ دان و مطلع است***گرش به جهد بخوانی و گر به خُفیه و راز
بر آرد دست تضرع ببار اشک ندّم***به پیشگاه خداوندگار بنده نواز
مگر ز مدت عمر آنچه مانده دریایی***که آنچه رفت به غفلت دگر نیاید باز
رسول گرامی اسلام(ص) فرمودند بهترین شما کسانی هستند که نیکو سخن بگویند و به گرسنگان اطعام کنند و در دل شب نماز بخوانند(۱۲۹).

ای خفته به خواب ناز برخیز***ای غافل بی‌نیاز برخیز

تا چند به بی‌خبری خفتی***ای مست شراب از برخیز(۱۳۰)

دل شاد جز به گریه شبها نمی‌شود***این غنچه جز به اشک سحر و
نمی‌شود(۱۳۱)

اکنون به آیه ای دیگر از قرآن کریم در رابطه شب و سحرگاهان توجه

فرماید:

الصَّابِرِينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الْقَانِتِينَ وَ الْمُنْفِقِينَ وَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ (۱۳۲)
 «آنها که (در برابر دشواریها) پایداری می‌ورزند و آنها که راست می‌گویند و (در برابر خداوند) خضوع می‌کنند و (در راه او) انفا می‌نمایند و آنها که در سحرگاهان استغفار می‌کنند.»

این آیه مبارکه دنباله آیاتی است که خداوند - متعال - درباره بندگان پسندیده خودش و صفات عالیه آنها سخن می‌گوید، و همچنین در باره نعمتهایی که به پاس بندگی و اطاعت و ترك گناه به آنها ارزانی داشته است بحث می‌کند.

از جمله صفات و ویژگیهای آن بندگان خاص پنج صفت است که در این آیه فو الذکر آمده است.

۱. آنهایی که در برابر دشواریها و ناملایمی که در مسیر اطاعت و ترك گناه به وجود می‌آید پایداری و شکیبایی می‌کنند.

۲. آنهایی که صداقت و راستگویی را در تمام شئون زندگی مراعات می‌کنند.

۳. آنهایی که در برابر پروردگارشان فروتنی می‌کنند و با خضوع در پیشگاه او به اطاعت می‌پردازند.

۴. آنهایی که از اموالشان در راه خدا به مستمندان و گرفتاران انفا می‌کنند (که البته هر يك از موارد فو بحث گسترده و جداگانه ای دارد که این جزوه گنجایش آن را ندارد).

۵. آنهایی که در سحرگاهان و آخر شب به پا می‌خیزند برای درخواست بخشش و آمرزش گناهانشان.

آری، آنها که ظلمت شب را مرکب حرکت و سیر الی اله قرار می‌دهند و به سوی او حرکت می‌کنند. آنها که نوری در تاریکی می‌افروزند که در پرتو آن آرامش و سکوت و صفای ویژه ای همه جا را فرا می‌گیرد.

آنها که ظلمت شب را حایل میان خود و بیگانه قرار می‌دهند تا به خلوتگاه یار خالی از اغیار بنشینند و با او به راز و نیاز بپردازند.

و از آن سو غافلان و بی‌خبران در خواب غفلت و غوغای جهان مادی فرورفته اند. در این هنگام بیدار دلان عاشق و از خواب پریدگان فایق و پشیمانان عاتق به پا بر می‌خیزند و به درگاه خدا دست نیایش بر می‌دارند و

درخواست بخشش و آمرزش از آفریدگار بخشایشگر می کنند و با همه وجود یکتایی را زمزمه می کنند و محور پرتو نور جلال پروردگار خود می شوند.

صفای نیمه شب

هر که همچون صبحدم دارد هوای نیمشب***گرد غم از دل زداید با صفای
نیمشب

گر وصال دوست خواهی یکزمان از کف مئه***ناله های نیمروز و گریه های
نیمشب

الفتی دارم خدایا با دل شب و اگذار***نیمه شب را بهر ما، ما را برای نیمشب
صدچو ملك نیمروزش هست در زیر نگین***آری آری پادشه باشد گدای
نیمشب

طلعت دلدار در شب جلوه زان رو می کند***تا شود بیگانه از خود آشنای
نیمشب

مرغ حق از کاروان رفته می گویند سخن***بی خبر در خواب غفلت زین
درای نیمشب

محنت گفت و شنود مردم (بیدار) کُشت***آفرین بر خلوت راحت فزای
نیمشب(۱۳۳)

از امام صادق(ع) در تفسیر آیه فو نقل شده است: کسی که در هنگام نماز وتر هفتاد بار بگوید استغفرالله ربی و اتوب الیه و تا یک سال به این کردار مداومت کند خداوند او را جزء مُستغفرین فی الاسحار قرار می دهد و بی گمان او را مشمول بخشش خود می سازد(۱۳۴).

سر مکش حافظ ز آه نیمه شب***تا چه صُبْحَت آینه رخشان کنند
سَحَر در لغت به معنای پوشیده و پنهان بودن است و چون در ساعات واپسین شب خیلی چیزها پنهان است و یک پوشیدگی ویژه ای بر همه چیز حکومت می کند و انسان هم در سکوت شب کرداری را که از دید دیگران پنهان است انجام می دهد، پس آن ساعت را سَحَر و انسانی که در آن ساعت بیدار شود سَحَرخیز می گویند.

می توان گفت چراغ اندیشه و روان آدمی در آن ساعت از روشنایی

بیشتر و درخشندگی ویژه ای برخوردار است و توجه و حضور قلب بیشتری را داراست. و چون روح نیایش و استغفار همان نگرش و حضور قلب است، پس برای بهره گیری بیشتر، خداوند این ساعت را در قرآن خاطرنشان فرموده است. و پابرجایان در علم هم همگی برای توبه و دعا و استغفار و مناجات این ساعت را توصیه فرموده اند.

چنانچه امام صادق (ع) می فرمایند:

«انَّ مَنْ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ فِي وَقْتِ السَّحْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً فَهُوَ مِنْ أَهْلِ هَذِهِ الْآيَةِ (۱۳۵)

»به حقیقت کسی که طلب مغفرت کند هفتاد مرتبه در هنگام سحر

مشمول این آیه است. (اهل این آیه)»

و نیز رسول خدا (ص) می فرمایند:

«سَحَرُوا فَإِنَّ فِي الْأَسْحَارِ بَرَكَاتٌ (۱۳۶)

»سحرخیز باشید که به طور قطع در سحرها برکت است.»

و نیز فرموده اند:

«سحرخیزی موجب بسیاری رز و سحرخوابی موجب منع رز

می شود (۱۳۷).»

سلاح پیامبران

قال رسول الله (ص):

«عَلَّكُمْ بِسِلَاحِ الْأَنْبِيَاءِ قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَا سِلَاحُ الْأَنْبِيَاءِ قَالَ الدُّعَاءُ فِي

الْأَسْحَارِ (۱۳۸)

رسول خدا فرمودند: «بر شما باد اسلحه پیامبران (یعنی لباس و

وسایل جنگی پیامبران را بپوشید که پیامبران با آن اسلحه پیروز شدند)

گفته شد: یا رسول الله اسلحه پیامبران چیست؟ فرمودند: نیایش در دل

شب.»

آری، یکی از مهمترین سلاحها برای رویارویی با دشمنهای درونی و

بیرونی همانا نیایش و توجه به خدا و استمداد از قادر متعال است. چیرگی

بر نفس که اعدا عدو انسان است با یاری خداوند ممکن است. و نابود

کردن دشمنان انسانیّت و ابرقدرتهای متجاوز که با سلاحهای مادی

مجهزند جز با نیروهای غیبی و کمکهای الهی میسر نیست، همچنان که

پیامبران خدا و هادیان بشر با این نیرو توانستند بر قدرتهای بزرگ جهان

پیروز آیند. نمرودها و فرعون ها و شدادها و سلاطین قدرتمند جهان همانند کسراها، امپراطوری ها و پهلوی ها و... را به زانو در آورند که رسول عالی قدر اسلام می فرماید:

هل أدلکم بعمل تنجیکم من أعدائکم قالو بلی یا رسول الله قال علیکم بالدعا فی الأسحار (۱۳۹)

«آیا نمی خواهید شما را راهنمایی کنم به کرداری که شما را از چنگال دشمنانتان رهایی دهد؟ گفتند: آری یا رسول الله. فرمودند: بر شما باد به دعا در سحرگاهان.»

سحر در رحمت خداست

در هر حال، سحرگاه عنایت پروردگار و درگاه رحمت خداوند است به روی بندگانش (۱۴۰).

آنگاه که انسان از همه جا نومید می شود و عوامل مادی هیچ کاری نمی تواند بکند و آنگاه که همه درها به روی آدمی بسته می شود به این درگاه پناه می برد و متمسک به این دستگیره رحمت می شود (شب و سحر). در تمام امور، چه در امور مادی و در مسائل روحی و معنوی، در میدان جنگ و در بستر بیماری، در معرکه جدال با نفس و در مصاف با شیطان جنی و انسی آنها که در سیر و حرکت تکاملی روحی و نزدیک شدن به مقام والای عبودیت و بندگی از این موهبت الهی بهره می گرفتند و می گیرند.

آنها که به تجلی گاه رحمت (سحر) راه یافتند از پرتو جلوات و انوار جمال ربوبی به دولت عالیه قرب و هستی پاک دارین نایل آمدند و رها از هر چه غیر اوست شدند و در حقیقت از اندوه گذشته و هراس آینده آزاد گردیدند.

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند*** و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند
بی خود از شعشعه پرتو ذاتم کردند*** بادیه از جام تجلی صفاتم دادند
چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی*** آن شب قدر که این تازه براتم دادند

بعد از این روی من و آئینه وصل جمال*** که در آنجا خبر از جلوه ذاتم دادند
من اگر کامروا گشتم و خوشدل چه عجب*** مستحق بودم و اینها به نکاتم

دادند

هاتف آن ورز به من مژده این دولت داد***که بدان جور و جفا صبر و ثباتم

دادند

این همه شهد و شکر کز سخنم می ریزد***اجر صبری ست کز آن شاخ نباتم

دادند

همت حافظ از انفس سحرخیزان بود***که ز بند غم ایام نجاتم دادند(۱۴۱)

بهترین وقت برای دعا

قال رسول الله(ص):

خَيْرُ وَقْتٍ دَعَوْتُمْ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ الْإِسْحَارُ وَتَلَا هَذِهِ الْآيَةَ فِي قَوْلِ

يَعْقُوبَ (ع) «سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي» وَقَالَ آخِرَهُمْ إِلَى السَّحَرِ (۱۴۲)

رسول خدا فرموده اند:

«بهترین هنگامی که خدای - عزّ و جلّ - را می خواهید بخوانید (و دعا و

نیایش به درگاه او کنید) هنگام سحر است. و سپس آیه ای که درباره گفتار

حضرت یعقوب(ع) تلاوت فرمودند که گفت بزودی برای شما درخواست

بخشایش و آمرزش می کنم. سوف استغفر لكم ربی(۱۴۳) (دعا کردن برای آنها

را) تأخیر انداخت تا سحرگاه.»

از آیه چنین برگرفته می شود که اگر از سحر هنگام بهتری برای نیایش

و درخواست آمرزش وجود داشت آن زمان را اختیار می کرد.

عن أبي جعفر(ع) قال:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُحِبُّ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ كُلَّ عَبْدٍ دَعَا فَعَلَيْكُمْ بِالْإِسْحَارِ

فِي السَّحَرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنَّهَا سَاعَةٌ تَفْتَحُ فِيهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَتُقَسَّمُ

فِيهَا الْأَرْضُ وَتُقْضَى فِيهَا الْحَوَائِجُ الْعِظَامُ(۱۴۴)

حضرت باقر(ع) فرموده اند:

«خداوند - عزّ و جلّ - از میان بندگانش آن بنده ای را دوست می دارد که

بسیار نیایش کند. پس بر شما باد به نیایش کردن از هنگام سحر تا برآمدن

آفتاب، زیرا در آن زمان درهای آسمان باز است و در آن هنگام است که

روزیها تقسیم می شود و حاجتهای بزرگ برآورده می گردد.»

و نیز امام صادق(ع) می فرماید:

إِنَّ فِي اللَّيْلِ لَسَاعَةً مَا يُؤَافِقُهَا عَبْدٌ مُسْلِمٌ ثُمَّ يُصَلِّيُ وَيَدْعُو اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ

فِيهَا إِلَّا اسْتَجَابَ لَهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ، قُلْتُ أَصَلِحِكَ اللَّهُ وَ أَى سَاعَةٍ هِيَ مِنْ

اللَّيْلِ؟ قَالَ إِذَا مَضَى نِصْفُ اللَّيْلِ وَ هِيَ السُّدُسُ الْأُولَى مِنَ أَوَّلِ النَّصْفِ (١٤٥)

«همانا در شب ساعتی است که درك نکند او را بنده مسلمانی که در آن نماز گذارد و خدای - عز و جل - را در آن ساعت بخواند جز اینکه اجابت شود و این ساعت در همه شبها هست (راوی می گوید) عرضه داشتیم: خدایت خیر دهد بفرماید آن چه ساعتی از شب است. فرمودند: هنگامی که نیمی از شب بگذرد و آن يك ششم از اول نیمه شب است.»

و نیز روایات بسیاری از معصومین (ع) درباره شب و بویژه سحرگاه رسیده است که ما بسنده به این چند حدیث کردیم به جهت رعایت اختصار. اکنون توجه شما را به اشعاری چند از استاد بزرگوار و دانشمند عالی قدر آیه الله آقای حسن زاده آملی جلب می کنم.

امشب

بحمدالله که با دلدارم امشب***ز بخت خویش برخوردارم امشب
 به تحفه آمده از کوی جانان***پرات و عده دیدارم امشب
 بود در آستان کعبه عشق***همه بیدار و من بیدارم امشب
 نشینم در حضور یار و بینم***فروغ مطلع انوارم امشب
 نشینم در حضور یار و گویم***هر آن حرفی که در دل دارم امشب
 بخوانم سوره قدر و دُخان را***بگویم ذکر و استغفارم امشب
 شب جمع است و ده جمعی نگارا***ز فر و کثرت پندارم امشب
 چهل بگذشت و يك سالم فزون است***ز دیده اشك حسرت بارم امشب
 ز حال خویشتن اندر شگفتم***چرا دل شاد و دل افکارم امشب
 ز بی تابی خود در این سحرگه***چه گویم در چه گیر و دارم امشب
 گهی خاموش و گاهی در خروشم***گهی مست و گهی هشیارم امشب
 خداوندا به حق آیت نور***جلایی ده به جان تارم امشب
 خداوندا به مستان جمالت***نما در عشق خود ستوارم امشب
 خداوندا به حق هشت و چارت***یحل فرما به هشت و چارم امشب
 شب حال است و نی گاه مقال است***ببندم دفتر اشعارم امشب
 اگر از آملی پرسى که چونی***هزار راز در گلزارم امشب (١٤٦)

مناجات

بار خدایا! ما را هم از فیض شب و سحر برخوردار بفرما. به حق شب زنده دارانت یا رب شبی هم ما را بر سر خوان رحمتت در سحر ضیافت فرما ای معبود لایزال.

خدایا تو اهل صفا کن مرا***به درگاه خود آشنا کن مرا
 به شبهای تاریک و وقت سحر***خدایا تو اهل دعا کن مرا
 به شب زنده داران دل سوخته***دلی پر ز شور و نوا کن مرا
 دلم روشن از عشق جانان نما***خود آینه حق نما کن مرا
 خدایا به عشا شب زنده دار***به عشق خودت آشنا کن مرا
 به میخانه وحدتم از وفا***به الطاف خود رهنما کن مرا
 ز اغلال و اقیاد دنیای دون***پروان آر و در خود فنا کن مرا
 به اخلاص بیارای کردار من***میرا ز رنگ و ریا کن مرا
 خدایا تو این (بیدل) بینوا***ببخشا و از غم رها کن مرا(۱۴۷)
 قال ابو عبدالله(ع):

يُسْتَجَابُ الدُّعَا فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ فِي الْوَيْتِ وَ بَعْدَ الْفَجْرِ وَ بَعْدَ الظُّهْرِ وَ
 بَعْدَ الْمَضْرِبِ (۱۴۸)

امام صادق(ع) می فرمایند:

«در چهار وقت دعا مستجاب می شود:

اول وتر (در يك ركعت نماز وتر که بعد از نیمه شب در نماز شب دعا کند) دوم بعد از طلوع فجر (که مظان استجابت دعاست و برای نیایش کردن در این هنگام بسیار توصیه شده است.) سوم پس از نماز ظهر. چهارم پس از نماز مغرب (پیش از نماز عشا که در جاهای دیگر هم سفارش شده است که پس از مغرب و پیش از عشا دعا کنید. غفیله را فراموش نکنید و در آن از خداوند هر چه را که می خواهید بخواهید.)»

رحمت و عنایات باری - تعالی - در همه اوقات شامل حال بندگانش هست ولی نیمه شب و سحرگاهان پهنه رحمت و فضل و عفوش گسترده تر و گنهگاران را پذیراتر است.

سحر با باد می گفتم حدیث آرزومندی***خطاب آمد که واثق شو به الطاف خداوندی

دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصود است***بدین راه و روش می رو که با

دلدار پیوندی(۱۴۹)

چه بسا نیمه شبی که فیض حق بخش می شود میان شب خیزان و تو در خواب باشی و بی بهره بمانی آن هنگام است که آه واحسرتا به جایی نمی رسد. پس به پا خیز. بیدار شو.

بیدار شو ای دیده که ایمن نتوان بود***زین سیل دمام که در این منزل خواب است

و نیز حافظ می گوید:

دوشم نوید داد عنایت که حافظا***باز آ که من به عفو گناهت ضمان شدم
کاشف الغطا چه می گوید:

در حالات مرحوم کاشف الغطا (شیخ جعفر کبیر) که از بزرگان علما در قرن سیزدهم و ساکن نجف اشرف بوده آمده است.

در یکی از شبها که برای تهجد (نماز شب) برخواست. فرزند جوانش را از خواب بیدار کرد و فرمود: برخیز به حرم مطهر مشرف شویم و آنجا نماز بخوانیم. فرزند جوان که برخواستن از خواب در آن هنگام شب برایش دشوار بود در مقام اعتذار درآمد و گفت: من فعلا آماده نیستم شما منتظر من نشوید بعداً مشرف می شوم. فرمود: نه. من اینجا ایستاده ام. برخیز آماده شو که با هم برویم. آقازاده به ناچار از جا برخواست و وضو ساخت و با هم به راه افتادند. کنار در صحن مبارک و مطهر که رسیدند آنجا مرد فقیری را دیدند نشسته و دست سوال از برای گرفتن پول از مردم باز کرده است.

آن عالم بزرگوار ایستاد و رو به فرزندش فرمود: این شخص در این هنگام شب برای چه اینجا نشسته است؟ گفت: برای تكدی از مردم. فرمود: احتمالاً چند تومان (مثلاً). فرمود: درست فکر کن ببین این آدم برای يك نفع بسیار اندك بی ارزش دنیا آن هم مُحتمَل در این هنگام شب از خواب و آسایش خود دست برداشته و آمده است در این گوشه و دست تذلّل به سوی مردم باز کرده است، آیا تو به اندازه این شخص اعتماد به وعده های خداوند درباره شب خیزان و متهجّدان نداری که فرموده است:

فلا تعلم نفس ما أخفى لهم من قرّة عين (۱۵۰)

«احدی نمی داند که به پاداش کردارتان چه چشم روشنیها برای آنها در

پنهان ذخیره شده است.»

گفته اند آن فرزند جوان از شنیدن این گفتار از آن دل زنده و بیدار چنان تکان خورد و تنبیه یافت که تا واپسین دمر عمر از شرف و سعادت بیداری آخر شب برخوردار بود و نماز شبش ترک نشد (۱۵۱).

کیفیت نماز شب

مناسب است برای آنهایی که تا به حال و تا امشب موفق به خواندن نماز شب نشده اند و از این فیض بزرگ بی خبر بوده اند و نمی دانند چگونه باید نماز شب را به جای آورند کیفیت انجام آن را یادآور شوم.

نماز شب ۱۱ رکعت است که هشت رکعت آن زیر عنوان نافله شب انجام می گیرد. به این صورت که چهار تا دو رکعتی مانند نماز صبح و دو رکعت زیر عنوان نماز شفع آن هم مثل نماز صبح و یک رکعت زیر عنوان نماز وتر. به این کیفیت که بعد از نیت و تکبیرة الاحرام حمد و سوره را می خواند سپس قنوت می گیرد و در قنوت ۳۰۰ مرتبه العفو می گوید ۷۰ مرتبه استغفرالله ربی و اتوب الیه می گوید و ۷ مرتبه می گوید هذا مقام العائد بك من النار و ۴۰ نفر را دعا می کند به این صورت اللهم اغفر لفلان (اسم شخص می برد). ناگفته نماند که در هنگام قنوت برای این که اشتباه نکند دست چپ را برابر صورت و با دست راست تسبیح را می گیرد و می شمارد. هنگام نماز شب از بعد از نیمه شب است تا طلوع فجر و البته هر چه به صبح نزدیک تر باشد بهتر است.
از همه متهجدين التماس دعا دارم.

آیه الله ملکی چه می گوید:

مرحوم آیه الله حاج میرزا جواد آقای ملکی - رضوان الله تعالی علیه - در کتاب لقالله نقل می کند: یکی از عبادت کنندگان می گوید شبی به خواب دیدم گویی بر کنار نهری هستم که مُشک در آن نهر جاری است و در دو سوی آن نهر مروارید و نیهای طلایی روییده است و دیدم کنیزانی که خود را با زیور آراسته و جامه هایی از سندس و حریر بهشتی بر تن دارند و صورتهای آنها مانند ماه می درخشند و می گویند:

«سُبْحَانَ الْمُسَبِّحِ بِكُلِّ لِسَانٍ سُبْحَانَهُ»

«سُبْحَانَ الْمَوْجُودِ فِي كُلِّ مَكَانٍ سُبْحَانَهُ»

«سُبْحَانَ الدَّائِمِ فِي كُلِّ الْأَزْمَانِ سُبْحَانَهُ»

«منزه است خدایی که به هر زبانی تسبیح گردیده شده است. منزه

است او.»

«منزه است خدایی که در همه جا هست. منزه است او.»

«منزه است خدایی که در هر زمانی جاوید و پاینده است. منزه است

او.»

گفتم شما چه کسانی هستید گفتند:

«ذُرَّ أُنَا إِلَهَ النَّاسِ رَبِّ مُحَمَّدٍ»

«لِقَوْمٍ عَلَى الْأَطْرَافِ بِاللَّيْلِ قَوْمٌ»

«يُنَاجُونَ رَبَّ الْعَالَمِينَ إِلَهُهُمْ»

«و تَجْرِي هُمُومُ الْقَوْمِ وَ النَّاسُ نُومٌ»

«خداوندگار مردم و پروردگار محمد(ص) ما را برای مردمی آفریده

است که شب خیزانند و با پروردگار جهانیان و خدایشان در نیایش اند و در

حالی که همگان در خواب اند اشک دیدگان اینها جاری است.»

گفتم خوشا به حال آنها. این قوم چه کسانی هستند؟ گفتند: آنها

سحرخیزانی که قرآن می خوانند و خدا را در آشکار و پنهان بسیار یاد

می کنند و از دارایی خود انفا می کنند و در سپیده گاهان استغفار می کنند.

(والمستغفرین فی الاسحار)(۱۵۲)

شب، مستشفای دل‌های بیمار است

بیمار دلانی که از اثر غفلت گناه آینه دلشان زنگار یافته و دل

مجروحانی که از ضربه های پی در پی معصیت که از اثر هوی و هوس به

بستر بیماری افتاده اند و رد آستانه هلاکت قرار گرفته اند، یگانه مستشفای

آنها سحرگاه و یگانه داروی شفابخش شان تلاوت قرآن در دل شب و

نیایش و اشک ریختن در اسحار است.

چه زیبا سروده است آن مرد الهی و عارف بزرگ صمدانی آیه الله

آخوند ملاعلی همدانی:

به خرابات روم بهر پرستاری دل *** به بر پیر برم شکوه ز بیماری دل

اشک من سرخ و رخم زرد شد و موی سپید *** چه کنم چاره چه سازم ز

سیه کاری دل

خواب هرگز نکند آنکه دلش بیدار است*** ما نکردیم شبی صبح به بیداری دل
ای فنا چاره دردت توان کرد مگر*** اشک خونین و دعای سحر و زاری دل

نزدیکتر و جوابگوتر

رُوی عَنِ الْبَاقِرِ (ع):

إِنَّهُ كَانَ مِمَّا أَوْحَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ (ع) كَذِبَ مَنْ زَعَمَ
يُحِبَّتِي وَ إِذَا جَنَّهُ اللَّيْلُ نَامَ عَنِّي يَا بَنَ عِمْرَانَ لَوْ رَأَيْتَ الَّذِينَ يَقُومُونَ لِي فِي
الدُّجَا وَ قَدْ مَثَلْتُ نَفْسِي بَيْنَ أَعْيُنِهِمْ يُخَاطِبُونِي وَ قَدْ جَلَلْتُ عَنِ الْمُشَاهَدَةِ وَ
يُكَلِّمُونِي وَ قَدْ عَزَزْتَ عَنِ الْحُضُورِ يَا بَنَ عِمْرَانَ هَبْ لِي مِنْ عَيْنِكَ الدَّمُوعَ وَ
عَنْ قَلْبِكَ الْخُشُوعَ وَ مِنْ بَدَنِكَ الْخُضُوعَ ثُمَّ ادْعُنِي فِي ظُلْمِ اللَّيْلِ (الليالي)
تجدنی قریباً مجیباً (۱۵۳)

برگردان:

از حضرت باقر (ع) روایت شده است که فرمودند: از جمله مطالبی که
خدای - تعالی - به موسی بن عمران وحی فرمود این است که فرمود:

«دروغ می گوید کسی که گمان می کند که مرا دوست دارد اما چون شب
فرارسد از من غافل شده به خواب می رود. ای پسر عمران، اگر ببینی
کسانی را که در تاریکی شب به خاطر من برپا هستند و من خود را در برابر
چشمان آنها مُمَثَّل نموده ام و آنها با من مخاطبه می کنند در حالی که من
بالأتر از آنم که دیده شوم و با من سخن می گویند در حالی که من عزیزتر
از آنم که نزد کسی حضور یابم، ای پسر عمران، به خاطر من از دیده ات
اشک و از دلت خشوع و از تنت خضوع را به پیشگاه من بیاور و آنگاه مرا
در تاریکی شب بخوان که مرا نزدیک و پاسخ گو خواهی یافت.»

رُوی أَنَّ الْبُيُوتَ الَّتِي يُصَلِّي فِيهَا بِاللَّيْلِ وَ يُتْلَى فِيهَا الْقُرْآنَ تَضِيئِي لِأَهْلِ
السَّمَاءِ كَمَا تَضِيئِي الْكَوَاكِبُ الدَّرِّي لِأَهْلِ الْأَرْضِ (۱۵۴)

خانه ها می درخشند

از معصوم روایت شده است خانه هایی که به شب در آن نماز گذاشته
شود و قرآن تلاوت گردد برای اهل آسمان نورافشانی می کند همان گونه
که ستارگان درخشان برای اهل زمین می درخشند.

رُوی إِذَا جَمَعَ اللَّهُ الْأَوَّلِينَ وَ الْآخِرِينَ نَادَا مُنَادٍ لِقَوْمِ الَّذِينَ تَتَجَا فِي

جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا فَيَقُومُونَ وَ هُمْ قَلِيلٌ ثُمَّ يُحَاسِبُ النَّاسُ مِنْ بَعْدِهِمْ (۱۵۵)

«روایت شده است هنگامی که خداوند - تبارک و تعالی - نخستین و سپس خلق خود را گرد هم جمع می کند (قیامت ندادهنده ای ندا می دهد کسانی که پهلوی شان از بستر تهی می شد و پروردگارشان را امیدوارانه و بیمناکانه می خواندند به پا خیزند. پس بر می خیزند شمار اندکی از مردم پس از آنکه به حساب آنها رسیدگی شد به حساب دیگر مردم می رسند.»

نیز روایت شده است از جمله مناجاتهای پروردگار با حضرت داوود این است که فرمود: ای داوود! بر تو باد که در تاریکی شب تا سحرگاه استغفار کنی. ای داوود! چون ظلمت شب تو را فراگرفت نگاهی به بالا آمدن ستارگان در آسمان بینداز و تسبیح گوی من باش و مرا فراوان یاد کن تا من هم به یاد تو باشم. ای داوود! همانا عارفان سُرْمه بیداری شب به چشم هایشان کشیده اند و شب را در قیام اند و رضای مرا از این راه خواهان اند. ای داوود! هر کس که شب نماز گذارد آنگاه که همگان در خواب اند و فقط به خاطر من باشد، پس من به فرشتگانم دستور می دهم تا برای او استغفار کنند و بهشت من مشتتا او گردد پس هر تر و خشکی برای او نیایش می کند (۱۵۶).

آمد سحری ندا ز میخانه ما**کای رند خراباتی دیوانه ما
برخیز که پُر کنیم پیمانۀ ز می**زان پیش که پُر کنند پیمانۀ ما
به این حدیث توجه فرمایید:

و فِي الصَّحِيحِ عَنْهُ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَسَلَّمَ إِنَّ فِي جَنَّةِ عَدْلٍ شَجْرَةً يَخْرُجُ مِنْهَا خَيْلٌ أَلْبَقُ مُسْرَجَةٌ بِالْيَاقُوتِ وَ الزَّبَرْجَدِ نَوَاتٍ أَجْتَحَةَ لِأَثْرُوتٍ وَ لَا تَبُولُ يَرْكَبُهَا أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فَيَطِيرُ وَ إِيهِمْ فِي الْجَنَّةِ حَيْثُ شَاءُوا قَالَ فَيُنَادِيهِمْ أَهْلُ الْجَنَّةِ يَا أَخَوَانِنَا مَا أَنْصَقْتُمُونَا ثُمَّ يَقُولُونَ رَبَّنَا بِمَاذَا نَالَ عِبَادُكَ مِنْكَ هَذِهِ الْكَرَامَةُ جَمِيلَةٌ دُونِنَا فَيُنَادِيهِمْ مَلِكٌ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ أَنَّهُمْ كَانُوا يَقُومُونَ اللَّيْلَ وَ كُنْتُمْ تَنَامُونَ وَ كَانُوا يَصُومُونَ وَ كُنْتُمْ تَأْكُلُونَ وَ كَانُوا يَتَصَدَّقُونَ بِمَالِهِمْ لَوَجْهِ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَنْتُمْ تَتَجَلَّوْنَ وَ كَانُوا يَذْكُرُونَ آلَهُ كَثِيرًا لَا يَفْتَرُونَ وَ كَانُوا يَبْكُونَ مِنْ خَشْيَةِ رَبِّهِمْ وَ هُمْ مُشْفِقُونَ (۱۵۷)

در خبر صحیح از رسول خدا(ص) آمده است که فرمود:

«در بهشت عدن درختی است که از آن اسبهای سیاه و سفید با زینهایی

از یاقوت و زبرجد و دارای بال بیرون می آیند نه کثافتی از آنها خارج می شود و نه بول می کنند. اولیا خدا (دوستان خدا) بر آنها سوار می شوند و بر هر جای از بهشت که بخواهند پرواز می کنند. بهشتیان آواز بر آرند: ای برادران ما! این نه راه انصاف است که شما رفتید نسبت به ما. سپس عرضه می دارند: بار خدایا! این بندگان تو این چنین عزت و کرامت زیبا را چگونه و به چه وسیله کسب کردند که به دست ما نیامد. سپس فرشته ای از اندرون عرش به آنها آواز می دهد: آنها کسانی هستند که شب بر می خواستند و شما به خواب بودید و روزه می داشتند و شما می خوردید. مالشان را به خاطر رضای خدا صدقه می دادند و شما بخل می کردید. و آنها بسیار به یاد خدا بودند و سستی در یاد خدا نمی کردند و آنها از ترس پروردگار شان می گریستند و همواره بیمناک بودند.»

اولیا خدا چگونه بودند

نقل کرده اند که مرحوم آیه الله حاج میرزا جواد آقای ملکی تبریزی صاحب همان کتاب لقاله که از عرفای بزرگ و والا مقام بوده است آنگاه که برای نماز شب بر می خواست مدتی در بستر می نشست و چنان صدا به گریه بلند می کرد که برخی از اطرافیان می شنیدند. سپس بیرون می آمدند و به اطراف آسمان نگاه می کردند و آیات *إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ* را می خواندند و سر به دیوار می گذاشتند و سخت می گریستند. سپس به تطهیر رفته و باز می گشتند و در کنار حوض می نشستند که وضو بگیرند. مدتی پیش از وضو ساختن گریه می کردند. خلاصه، از هنگام بیدار شدن تا مصلاً مشغول شدن به نماز گریه می کردند و آن هنگام که مشغول نماز می شدند قابل توصیف نیست (۱۵۸).

آه از آن نرگس جادو که چه بازی انگیخت***وای از آن مست که با مردم هشیار چه کرد

برقی از منزل لیلی بدرخشید سحر***وه که با خرمن مجنون دل افکار چه کرد
بر عشق آتش غم بر دل حافظ زد و سوخت***یاد دیرینه ببینید که با یار چه کرد

قال الصاد(ع):

إِنَّ رُوحَ الْإِيمَانِ ثَلَاثَةٌ التَّهَجُّدُ بِاللَّيْلِ - وَ افطَارُ الصَّائِمِ - وَ لِقَاءُ الْإِخْوَانِ (۱۵۹)

امام صادق(ع) می فرماید:

«براستی که روح ایمان سه چیز است بیدار شدن در شب (برای عبادت و نماز شب)، افطار دادن به صائم (روزه دار) و ملاقات برادران (برادران دینی و مسلمانان).»

و نیز از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمودند:

لَيْسَ مَثَا (من شیعتنا) مَنْ لَمْ يُصَلِّ صَلَاةَ اللَّيْلِ (۱۶۰)

«از شیعیان نیست کسی که نماز شب به جا نمی آورد.»

به این حدیث کاملاً توجه فرمایید:

قال الصادق(ع):

صَلَاةُ اللَّيْلِ مَرْضَاةٌ لِلرَّبِّ وَ حُبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ سُنَّةُ الْأَنْبِيَاءِ وَ نُورُ الْمَعْرِفَةِ وَ أَسَلُ الْإِيمَانِ وَ رَاحَةُ الْإِبْدَانِ وَ كَرَاهَةُ الشَّيْطَانِ وَ سِلَاحٌ عَلَى الْأَعْدَاءِ وَ اجَابَةُ الدُّعَا وَ قَبُولُ الْأَعْمَالِ وَ بَرَكَةٌ فِي الرِّزْقِ وَ شَفِيعٌ بَيْنَ صَاحِبِهَا وَ بَيْنَ مَلِكِ الْمَوْتِ وَ سِرَاجٌ فِي قَبْرِهِ وَ فَرَشٌ تَحْتَ جَنْبِهِ وَ جَوَابٌ عَلَى مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ وَ مَوْنَسٌ وَ زَائِرٌ فِي قَبْرِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَانَتْ الصَّلَاةُ ظِلًّا فَوْقَهُ وَ تَاجًا إِلَى رَأْسِهِ وَ لِبَاسًا عَلَى بَدَنِهِ وَ نُورًا يَسْعَى بَيْنَ يَدَيْهِ وَ سِتْرًا بَيْنَهُ وَ بَيْنَ النَّارِ وَ حُجَّةً بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ وَ ثَقْلًا فِي الْمِيزَانِ وَ جَوَازًا عَلَى الصِّرَاطِ وَ مِفْتَاحًا لِلْجَنَّةِ لِأَنَّ الصَّلَاةَ وَ تَحْمِيدَهُ وَ تَسْبِيحَهُ وَ تَمْجِيدَهُ وَ تَقْدِيسَهُ وَ الْعَظِيمِ وَ قِرَاءَةَ وَ دَعَاءِ (۱۶۱)

در این حدیث شریف حدود بیست و شش فایده از فواید نماز شب آمده است که هر یک قابل دقت و شایان توجه است.

اینکه به برگردان حدیث توجه فرمایید:

«رضای خدا، دوستی فرشتگان، سنت پیامبران، نورانیت و معرفت، ریشه ایمان، آسایش بدن، خشم شیطان، سلاح مومن، پذیرش دعا، قبولی کردار، برکت در رزق، شفاعت میان صاحبش و ملک الموت، چراغ گور، فرش خانه گور، جوابگوی نکیر و منکر، مایه آرامش در گور، زیارت کننده او در عالم گور، جامه تن او، روشنایی پیشاپیش او در حرکت حجاب بین او و آتش، حجت میان او و خدایش، وزنه سنگین در میزان اعمال، گذرنامه صراط، کلید بهشت.» زیرا این نماز است که تکبیر است و تمجید و تقدیس است و تعظیم است و تلاوت قرآن است و نیایش. راستی سزاوار است نیکو بیندیشیم و از این همه فیض غافل نمائیم.

اسرار شب

مگر از شور و شر روز خبر دارد شب***که ز آمیزش خورشید حذر دارد
شب؟

کرده آینه دل ز اشک کواکب روشن***آنچه دارد همه از دیده تر دارد شب
از غبار قدمش زاد دل و جان برگیر***کاروانی است که آهنگ سفر دارد شب
امر خاموشی و اسرار سکوت جاوید***گفتگویی است که با باد سحر دارد شب
مگر از پولک اختر کند آرایش موی***که ز مه آینه در پیش نظر دارد شب
سودش از روز همین بس که دیدار شفق***دامنی غرقه به خوناب جگر دارد
شب

می میخانه افلاک ندارد این شور***مستی از ساغر صهبای دگر دارد شب
(پرتو) از دست منه دامن شب را ز نهار***که ز گنجینه اسرار خبر دارد
شب(۱۶۲)

سنل علی بن الحسین(ع) ما بال المتهدین باللیل من أحسن الناس
وجهاً؟ قال(ع) لآتهم خلوا بربهم فکسأهم من نوره(۱۶۳)
«از امام زین العابدین علی بن الحسین(ع) پرسش کردند چرا نماز شب
خوانان (و شب زنده داران) از زیباترین مردم اند از نظر چهره.
فرمودند: از آن جهت که آنها با پروردگارشان به خلوت نشسته اند پس
خدای - تعالی - به آنها از نور خود پوشانید.»

ای آنکه تو در ظلمت شب نور منی***در خلوت دل مونس پر شور منی
آنکه که به درگاه تو آیم به نماز***هم عشرت و هم جنت و هم حور
منی(۱۶۴)

راستی که سالك عاشق دیدار معشو و معبود را به بهشت و نعمت و
حور و قصور نخواهد داد.

الهی عابد از تو حور می خواهد قصورش بین***به جنت می گریزد از درت
یا رب شعورش بین

در کتاب ثواب الاعمال و مجالس صدو - رضوان الله تعالی علیه -
روایتی از مولا امیرالمؤمنین(ع) آمده است که بسیار قابل اهمیت و شایان
توجه است. ما متن روایت را با برگردان آن از نظر خوانندگان عزیز و
محترم می گذرانیم امید است با توجه دقیق و برخورد ژرف بهره بایسته را
از بیان دُرربار آن حضرت ببریم و از موهبتهای الهی (در شب بویژه) غافل

نمانیم.

اکنون متن حدیث:

إِنَّ رَجُلًا سَأَلَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) عَنْ قِيَامِ اللَّيْلِ لِلْقُرْآنِ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَهُ
إِبْشِيرْ مِنْ صَلَّى مِنَ اللَّيْلِ عَشْرَ لَيْلَةٍ لِلَّهِ مُخْلِصًا ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ قَالَ اللَّهُ عَزَّ
وَجَلَّ لِلْمَلَائِكَةِ أَكْتُبُوا لِعَبْدِي عَدَدَ مَا أَنْبَتَ فِي اللَّيْلِ مِنْ حَبَّةٍ وَرَقَّةٍ وَ
شَجَرَةٍ وَ عَدَدَ كُلِّ قَصَبَةٍ وَ حَرْطٍ وَ مَرَعَى.

وَمِنْ صَلَّى تِسْعَ لَيْلَةٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَشْرَ دَعَوَاتٍ مُسْتَجَابَاتٍ وَ أَعْطَاهُ كِتَابَهُ
بِیَمِينِهِ یَوْمَ الْقِیَامَةِ وَ مَنْ صَلَّى ثَمَنَ لَيْلَةٍ (سُدَس) كُتِبَ مِنَ الْإِبْرَةِ وَ عُقْرَ لَهُ
مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ وَ مِنْ صَلَّى خُمْسَ لَيْلَةٍ زَاحَمَ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ فِي قَبْتِهِ وَ مَنْ
صَلَّى رُبْعَ لَيْلَةٍ كَانَ فِي أَوَّلِ الْفَائِزِينَ حَتَّى يَمُرَّ عَلَى الصِّرَاطِ كَالرَّيْحِ الْعَاصِفِ
وَ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ وَ مَنْ صَلَّى ثَلَاثَ لَيْلَةٍ لَزِمَ يَبْقَى مَلِكًا الْإِبْطَةَ
بِمَنْزِلَتِهِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قِيلَ أَدْخَلَ مِنْ أَيْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةَ شِئْتِ وَ
مَنْ صَلَّى نِصْفَ لَيْلَةٍ فَلَوْ أُعْطِيَ مَلَأَ الْأَرْضَ ذَهَبًا سَبْعِي عَبْدٌ يُعْتَفَى مِنْ وُلْدِ
إِسْمَاعِيلِ.

وَمَنْ صَلَّى ثَلَاثِي لَيْلَةٍ كَانَ لَهُ مِنَ الْحَسَنَاتِ قَدْرَ رَمْلِ عَالِجٍ إِذَاهَا حَسَنَةٌ
أَثْقَلُ مِنْ جَبَلٍ أَحَدٍ عَشْرَ مَرَّاتٍ وَ مَنْ صَلَّى لَيْلَةً تَامَةً تَالِيًا لِكِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ
جَلَّ رَاكِعًا وَ سَاجِدًا وَ ذَاكِرًا أُعْطِيَ مِنَ الثَّوَابِ مَا آدَاهُ مِنْ الدُّنُوبِ كَمَا وَ
لَدَتْهُ أُمُّهُ وَ يَكْتُبُ بِهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنَ الْحَسَنَاتِ وَ مِثْلَهَا دَرَجَاتٍ وَ يَثْبُتُ
النُّورَ فِي قَبْرِهِ وَ يَنْزَعُ الْإِثْمَ وَ الْحَسَدَ مِنْ قَلْبِهِ وَ بُجَارَ مِنَ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ يُعْطَى
بِرَأْيَةِ مَنْ النَّارِ وَ يُبْعَثُ مِنَ الْأَمْنِينَ وَ بِقَوْلِ الرَّبِّ تَعَالَى لِلْمَلَائِكَةِ مَلَائِكَتِي
أَنْظُرُوا إِلَى عَبْدِي أَحْيَاءَ لَيْلَةٍ ابْتِغَاءَ لِمَرْضَاتِي أَنْسَكُونَهُ الْفَرْدُوسَ وَ لَهُ فِيهَا مِائَةٌ
فِيهَا مِائَةٌ أَلْفَ مَدِينَةٍ فِي كُلِّ مَدِينَةٍ جَمِيعُ مَا تَشْتَهِيهِ الْإِنْفُسُ وَ تَلَدُّ الْأَعْيُنُ وَ مَا
لَا يَخْطُرُ عَلَى بَالِ سِوَى مَا أَعَدَّتْ لَهُ مِنَ الْكِرَامَةِ وَ الْمَزِيدِ وَ الْقُرْبَى (١٦٥).

برگردان:

«مردی از امیرالمؤمنین پرسش نمود: پاداش کسی که شب خیزد برای
خواندن قرآن چیست؟ آن حضرت در پاسخ او فرمودند: بشارتش بده که
هر کس یک دهم شب را با اخلاص به خاطر جلب رضای خدای - تعالی -
نماز بگذارد خدای - عزّ و جلّ - به فرشتگانش می فرماید از برای بنده من
بنویسید پاداشی به شماره آنچه دانه و برگ و درخت در آن شب روییده و

به شماره هر چه نی و خار و چرا گاه است. و کسی که يك نهم شب را نماز بگذارد خداوند - متعال - به او ده دعای مستجاب عطا می فرماید و در روز قیامت نامه کردارش را به دست راستش می دهد. و کسی که يك هشتم شب را نماز بگذارد در روز قیامت از گورش که خارج می شود چهره اش مانند ماه شب چهارده می درخشد و به همراه امان یافتگان از صراط می گذرد. و کسی که يك ششم شب را نماز بگذارد از توبه کنندگان شمرده می شود و گناهان گذشته او آمرزیده می گردد. کسی که يك پنجم شب را نماز بگذارد با حضرت ابراهیم خلیل(ع) در جایگاه مخصوصش همنشین می شود و کسی که يك چهارم شب را نماز بگذارد در صف مقدم پیروزمندان قرار می گیرد تا آنجاکه همچون بادتند از صراط بگذرد و بدون حساب داخل بهشت گردد. و کسی که يك سوم شب را نماز بگذارد فرشته ای نمی ماند مگر آنکه به مقام و منزلت او در نزد خدای - تعالی - حسرت می برد و گفته می شود از هر يك از درهای هشتگانه بهشت که می خواهی وارد شو. و کسی که نیمی از شب را نماز بگذارد اگر هفتاد هزار بار به پُری زمین طلایش بدهند با پاداش او برابر نخواهد بود و این کردار او افضل است از آزاد کردن هفتاد بنده که از اولاد اسماعیل باشند و کسی که دو سوم شب را نماز بگذارد به اندازه ریگ بیابان حسنه برای اوست که کمترین حسنه اش یازده بار از کوه احد سنگین تر خواهد بود. و کسی که يك شب تمام به نماز بایستد در حال تلاوت کتاب خداوند - عزّ و جلّ - و در حال رکوع و سجود و ذکر باشد چنان پاداشی به او داده می شود که کمترین آن آنچنان است که مانند روزی است که از مادر زاده شده باشد به شماره مخلوقات خدا برای او حسنه نوشته می شود و به همین اندازه درجه برای او منظور می گردد و نور در گور ظاهر می شود. و ماده گناه و حسد از دل او کنده می شود و از عذاب گور امان می یابد و از آتش دور می گردد. و چون سر از خاک برآرد از جمله امان یافتگان خواهد بود و پروردگار - تبارک و تعالی - به فرشتگانش می فرماید: ای فرشتگان من! بنده مرا بنگرید چگونه شبی را به خاطر جلب رضای من بیدار مانده او را در بهشت فردوس جای دهید و برای او در بهشت صد هزار شهر است که در هر شهری هر آنچه دلها بخواهد و دیده ها از آن لذت برد و به خاطر کسی خطور نکند آماده است و همه اینها غیر از کرامتها و افزایشها و مقامهای

قربی است که برای او آماده کرده ایم.»

چند دو بیتی از نگارنده کتاب حاضر

خوشا آن دل که در او سوز باشد***ز شوزش ظلمتِ شب روز
باشد

دلُ پُر سوز باشد مرکز عشق***بلی عشق است که جان افروز
باشد

نسیمی کز سحرگاهان برآید***مرا خوشتر ز بوی عنبر آید

خیال وصل اندر ظلمتِ شب***مرا از هر دو عالم برتر آید

بُود درد من و درمانم از شب***بُود وصل من و هجرانم از شب

اگر ملك سلیمانم ببخشند***جدا هرگز نگردد جانم از شب

شب طولانی و خلوتگه یار***کنار دلبر و دیدار دلدار

به عالم کی دهم این گنج نعمت***دل بشکسته و چشمان بیدار

شب عاشق بسی پر سوز باشد***صدای ناله اش جان سوز باشد

خوشا عشق و خوشا بیماری عشق***که آه عشق شرر افروز
باشد

خداوندا به اشک دیدگانم***ترحم کن به حال ناتوانم

مرا با حال خود مگذار یکدم***نمی دانم به حق سود و

زیانم(۱۶۶)

اندرزی جالب از مردی عالم

مرد پرهیزگار و صالحی از دانشمندی آگاه درخواستِ موعظه و اندرز
کرد. آن مرد عالم جمله ای کوتاه اما بسیار جامع و پر محتوا در پاسخ او بیان
کرد که بسیار شایان دقت و حایز اهمیت است. فرمود:

اوصیک بشیءً واحد

إعلم أنّ اللیل و أنّها یعملان فیک فأعمل أنت فیها(۱۶۷).

«تو را وصیت می کنم به یک چیز (و آن این است) بدان که شب و روز

کار خودشان را نسبت به تو انجام می دهند و تو نیز کار خود را انجام بده.»

چقدر این جمله کوتاه جالب و تکان دهنده است شب و روز به حکم

اجبار در حال آمد و رفت است و کارش در روی تو این است که عمر تو را کم می کند تا سرانجام همه سرمایه تو را بتدریج از تو می گیرد بدون اینکه کوچکترین رحمی در حق تو کند. به طور دایم همانند دو غارتگر بی اعتنا به چپاول سرمایه گرانبهای تو در آمد و رفت است و بهره گیری می کنند یک وقت چشم باز می کنی می بینی سالهای طولانی را پشت سر گذاشته ای بدون اینکه از این شب و روز بهره ای گرفته باشی. پس با خود می گویی:

زندگی بر من به يك منوال تا چل سال رفت ***باطل آن عمری که چل سالش به
يك منوال رفت

معنی هستی مپرس از من که من خود دیده ام ***روز رفت و هفته رفت و ماه
رفت و سال رفت

يك تن از یاران دیرین در کنار من نمائد ***عیش رفت و شادمانی رفت و شور
و حال رفت

بنابراین، ای عزیز! تو روی شب و روز کار کن و از این آمد و رفت بهره بگیر و به رایگان از دست مده این عمر گرانبمایه و ایام و لیالی ارزشمند را و از لحظه لحظه آنکه در حال گذرا و سپری شدن است عبرت بگیر که بعداً خواهی گفت:

افسوس بر این عمر گرانبمایه که بگذشت ***ما از سر تقصیر و خطا در
نگذشتیم

پیری و جوانی چو شب و روز برآمد ***ما شب شد و روز آمد و بیدار نگشتیم
بر لوح معاصی خط عذری نکشیدیم ***پهلوی جرایم حسناتی ننوشتیم
سعدی مگر از خرمن اقبال بزرگان ***يك خوشه ببخشند که ما تخم نکشتیم
باری، یکی از عوامل و وسایلی که برای جبران گذشته بسیار مفید است و باعث محو گناهان گذشته می شود شب است و بهره گیری از آن با نیایش و تلاوت قرآن و مناجات که موجب شرافت و کرامت و عزت خواهد بود. چنانچه رسول عالی قدر اسلام می فرماید:

شرف المؤمن قیامه باللیل و عزه استغناءه عن الناس (۱۶۸)

«شرف مؤمن در برخاستن (شب زنده دای در عبادت) و عزت او در

اظهار بی نیازی از مردم است.»

گریه در شب
بگو به خواب که امشب میا به خانه ما
جزیره ای که مکان تو بود آب گرفت

بکاء اللیل «گریه در شب»

فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلاً فَلْيَبْكُوا كَثِيراً جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (۱۶۹)

«یکی دیگر از عوامل و وسایلی که در تزکیه نفس و نورانی کردن دل و محو گناهان و زدودن ظلمت از وجود انسان و سو دادن برای کمال نقش بسیار موثری دارد همانا گریه و اشک است.»

به گونه کلی از آیات و روایات و احادیث کثیره بهره گیری می شود که گریه موجب مغفرت و تزکیه نفس و ارتقا درجه معنوی و حتا سبب سلامتی جسم خواهد بود. آری آینه دل را که از اثر غبار و آلودگیهای گناه کدر و تاریک شده است باید با اشک ندامت و پشیمانی شستشو داد و آن را برای کسب نور از معنویات که در پرتو عبادات و ادعیه حاصل می شود آماده کرد.

براستی اگر خوب دقت کنیم رفتار و کردار ما گریه دارد و باید بر آنها گریست چنانچه خداوند می فرماید:

فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلاً فَلْيَبْكُوا كَثِيراً جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

«پس باید خنده اندک کنید و گریه بسیار به پاداش آنچه را کسب کردید (یعنی کردار شما گریه بیشتر لازم دارد تا خنده)».

انسانهای وارسته ای که به باور رسیده اند (اولیا خدا) بخش مهمی از زندگی خود را با گریه و اشک سپری می کردند. یاد گناه دلهای آنها را می لرزاند و اشک دیدگانیشان را جاری می کرد. یاد مرگ خنده از لبهای آنها می ربود که رسول خدا (ص) می فرماید:

عَجِبْتُ لِمَنْ أَيْقَنَ بِالْمَوْتِ كَيْفَ يَضْحَكُ (۱۷۰)

«در شگفتم از کسی که یقین به مرگ دارد و باز هم می خندد.»

و نیز آن حضرت فرموده است:

لَوْ تَعْلَمُونَ مَا أَعْلَمُ لَضَحَكْتُمْ قَلِيلاً وَ بَكَتُمْ كَثِيراً (۱۷۱)

«اگر بدانید آنچه را که من می دانم هر آینه اندک می خندید و بسیار می گریستید.»

بندگان صالح پروردگار و مومنین به وجود خدا و قیامت هنگامی که آیات قرآن برایشان خوانده می شده به سجده می افتادند و سخت گریه می کردند که قرآن در مورد آنها چنین می فرماید:

وَ إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمُ آيَاتُ الرَّحْمٰنِ خَرُّوْا سُجَّدًا وَّ بَكِيًا (۱۷۲)

«زمانی که آیات رحمن بر آنها خوانده می شد به رو بر زمین می افتادند و سجده می کردند و شدیداً گریان می شدند.»

و در آیه دیگر چنین می فرماید:

وَ تَحْزَوْنَ لِلّٰهِ اِذْ قَالُ يٰبٰكُوْنَ وَّ يَزِيْدُهُمْ حُشُوْعًا (۱۷۳)

«آنها با چانه هاشان (به رو و بی اختیار) به زمین می افتند و اشک می ریزند و خشوعشان هر لحظه افزون می گردد (زبان حالشان چنین است.)»

از خاطره عمر تم می لرزد***از یاد گنه این بدنم می لرزد

از فکر گذشته ها و سر منزل مرگ***قلب و تن و جان و سخنم می لرزد (۱۷۴)

بالجمله همان گونه که اشاره شد گریه موجب آمرزش گناه و سبب فواید فراوانی خواهد بود.

بهرتر این است خوانندگان عزیز به این حدیث شریف دقت فرمایید:

چشم گریان

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: مَا مِنْ عَيْنٍ إِلَّا وَهِيَ بَاكِيَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا عَيْنًا بَكَتَ مِنْ خَوْفِ اللَّهِ وَ مَا إِعْرَوْرَقَتْ عَيْنٌ بِمَا فِيهَا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ سَائِرَ جَسَدِهِ عَلَى النَّارِ وَ لَا فَاضَتْ عَلَى حَدِّهِ فَرَهَقَ ذَلِكَ الْوَجْهَ فُتْرًا وَ لَا ذِلَّةً وَ مَا مِنْ شَيْءٍ إِلَّا وَ لَهُ كَيْلٌ وَ وَزْنٌ إِلَّا الدَّمْعَةَ فَإِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ يُطْفِئُ بِالْيَسِيرِ مِنْهَا الْبِحَارَ مِنَ النَّارِ فَلَوْ أَنَّ عَبْدًا بَكَى فِي أُمَّةٍ لَرَجِمَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ تِلْكَ الْأُمَّةَ بِبِكَاءِ ذَلِكَ الْعَبْدِ (۱۷۵)

حضرت صادق (ع) فرموده اند:

«هیچ چشمی نیست جز اینکه روز قیامت گریان است مگر چشمی که از ترس خدا گریسته باشد. هیچ چشمی نیست که از ترس خدای - عز و

جلّ - به اشك خود پر شود جز اینکه خداوند - عزّ و جلّ - همه آن بدن را به آتش دوزخ حرام گرداند و آن اشك بر گونه ای روان نگردهد که گرد پریشانی و خواری ببیند. و هیچ چیزی نیست جز اینکه پیمانہ و وزنی دارد مگر اشك که همانا خدای - عزّ و جلّ - به اندکی از آن دریاہای آتش را خاموش کند. پس اگر بنده ای در میان يك امتی بگرید خدای - عزّ و جلّ - به خاطر گریه آن بنده به همه آن امت شفقت کند.»

گریه از رحمتهای خداست

رسول خدا(ص) فرموده است:

البُكاء من الرَّحْمَةِ (۱۷۶)

«گریه از رحمت پروردگار است. از عنایات و رحمتهای خداوند - عزّ و

جلّ - بر بنده اش همانا چشم گریان است.»

گریه مروارید بحر رحمت است***دیده گریان کلید جنت است

گفت ولیبکوا کثیراً گوش دار***تا بریزد شیر فضل کردگار

هر کجا آبی روان حضرت شود***هر کجا اشکی روان رحمت شود(۱۷۷)

و نیز مناسب این مقال است اشعار ذیل:

چشم گریان بحر فیض خالق است***موجب قرب و وصال عاشق است

گریه دل را با صفاتر می کند***جان عاشق را معطر می کند

گریه درمان جمیع دردهاست***چشم گریان منبع فیض خداست

شاخه ها را ابر گریان، تر کند***باغ و بستان را همه مثمر کند

چشم گریان عاقبت خندان شود***خاک مرده زنده از باران شود

۲گریه (بیدل) راه و رسم عاشق است***موجب وصل و رضای خالق

است(۱۷۸)

به يك حدیث دیگر توجه فرمایید:

سخن خداوند با موسی

قال ابو عبد الله أوحى الله عزّ و جلّ إلی موسى(ع) أنّ عبادی لم یتقربوا

إلی یشئى إلیّ من ثلاث خصال قال موسى(ع) یا ربّ و ما هنّ؟ قال یا موسى

الزهد فی الدنيا و الورع عن المعاصی و البكاء من خشیتی قال موسى یا

ربّ فما لمن صنع ذّا؟ فأوحى الله عزّ و جلّ إلیه یا موسى أما الزاهدون فی

الدنیا فی الجنة و اما البکاون من خشیتی ففی الرفیع الا علی لاشیارکهم
أحدو أما الورعون عن معاصی فائی أفتش لناس و لا أفتشهم (۱۷۹)

برگردان:

حضرت صادق (ع) فرمود:

«خدای - عزّ و جلّ - به موسی (ع) وحی فرمود که همانا بندگان من به من
تقرّب نجستند به چیزی که محبوب تر باشد نزد من از سه خصلت. موسی
عرض کرد: پروردگارا آنها کدام است؟ فرمود: زهد در دنیا و پارسایی از
نافرمانیها و معاصی و گریه از ترس من.

موسی عرض کرد: پروردگارا! هر که اینها را به جای آورد چه پاداشی
دارد؟ خدای - عزّ و جلّ - به موسی وحی کرد: ای موسی! اما آنها که
درباره دنیا زهد ورزیدند در بهشت باشند و اما آنها که از ترس من گریه
کنند در بلندترین منازل اند و احدی در آن منازل با آنها شریک نباشد و اما
آنهايي که از نافرمانیهای من پرهیزند پس من که همه مردم را (در روز
قیامت) بازرسی و تفتیش کنم آنها را بازرسی و تفتیش نکنم.»

توضیح:

مرحوم مجلسی - رحمة الله علیه - می گوید رفیع اعلا آن مکان بلندی
است که در بهشت بلندترین منزلهاست و آن مسکن انبیا و اولیاست و
منظور از اینکه آنها را تفتیش و بازرسی نکنم یعنی بدون حساب وارد
بهشتشان می کنم.

آری؛

از پس هر گریه خنده ای ست***مرد آخر بین مبارك بنده ای ست
ای خوشا آن چشم که او گریان ست***ای همایون دل که او بریان توست
ز ابر گریان شاخ سبز و تر شود***نور شمع از گریه روشن تر شود
گریه بر هر درد بی درمان دواست***چشم گریان چشمه فیض خداست
تا نگرید ابر کی روید چمن***تا نگرید طفل کی نوشد لبن

کدام گریه

تا اینجا هر چه گفتیم و نوشتیم درباره گریه کردن از خوف خدا به طور
مطلق در هر زمان در هر مکان در هر حال است ولی بحث ما درباره بکا در

شب است.

به طور کلی گریه اقسامی دارد و برای هر یک آثاری مترتب است و در عین حال انگیزه هر یک متفاوت است. اما در این معنی تردید نیست که سازنده ترین گریه ها گریه از خوف خدا در دل شب است که انگیزه آن عشق به خدا و ترس از دوری و جدایی از حضرت حق است.

این گریه است که دل را صفا می بخشد و آدمی را از ناپاکیها و آلودگیها پاک می کند و آینه روح را جلا می بخشد و انسان را به خدا نزدیک می کند، بیماریها را شفا می بخشد و دردها را درمان می کند و ظلمت و تاریکیها را از وجود آدمی می زداید.

ای فنا چاره دردت نتوان کرد مگر *** اشک خونین و دعای سحر و زاری دل خواب هرگز نکند آنکه دلش بیدار است *** ما نکردیم شبی صبح به بیداری دل پیامبر اسلام می فرمایند:

رَحِمَ اللَّهُ عِيناً بَكَتَ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ رَحِمَ اللَّهُ عِيناً صَهَرَتْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (۱۸۰)
«رحمت خداوند بر آن چشمی باد که (در دل شب) از خوف خدا گریه کند و رحمت خداوند بر آن چشمی باد که (در دل شب) بیدار بماند در راه خدا.»
در دل شب خیز و ریز قطره اشکی ز چشم *** که دوست دارم کند گریه گنهگار
ما

بنده شرمنده تو خدای بخشنده من *** بیا بهشتت دهم مرو در نار ما
توبه شکستی بیا هر آنچه هستی بیا *** دست تو سل بزن به آن اظهار ما (۱۸۱)
به گوشه ای از گریه های امام سجاد توجه فرمایید:

الهي لَو بَكَيْتُ عَلَيْكَ حَتَّى تَسْتَقِطَ اشعار عيني و اِنْتَخَبْتُ لَكَ حَتَّى يَنْقَطِعَ صَوْتِي وَ قَمْتُ لَكَ حَتَّى تَنْشُرَ قَدَمَيَّ وَ رَكَعْتُ لَكَ حَتَّى يَنْخَلِعَ صُلْبِي وَ سَجَدْتُ لَكَ حَتَّى تَنْفَقَا حَدَّ قَتَايَ وَ اَكَلْتُ ثُرَابَ الْاَرْضِ طَوْلَ عَمْرِي وَ شَرَبْتُ مَاءَ الرَّمَادِ اٰخِرَ دَهْرِي وَ ذَكَرْتُكَ فِي خِلَالِ ذٰلِكَ حَتَّى يَكِلَ لِسَانِي ثُمَّ لَمْ اَرْفَعْ طَرْفِي اِلَى اَفَا السَّمَاءِ اسْتِحْيَاءً مِنْكَ مَا اسْتَوْجِبْتُ بِذٰلِكَ مَحُو سَيِّئَةٍ مِنْ سَيِّئَاتِي (۱۸۲)

برگردان:

«خدای من! اگر بر تو آن قدر گریه کنم که مژه های چشمم بریزد و آن قدر ناله کنم که صدایم فرو نشیند و آن قدر در پیشگاه تو بایستم تا هر دو پایم ورم کند و آن قدر رکوع کنم که بندهای کمرم از هم بگسلد و آن قدر

سجده کنم که حذقه های چشمم از کاسه اش بیرون بیاید؛ و در همه عمر خاک زمین را بخورم و تا پایان زندگی آب گل آلود بنوشم و در خلال این حالات آن قدر ذکر تو را گویم تا زبانت از کار بیفتد و سپس از سرافکنندگی شرمم آید که سر برداشته و گوشه چشمی به اطراف آسمان براندازم؛ با همه این احوال، استحقاق آن را نخواهم داشت که فقط به یک گناه از گناهان من قلم عفو کشیده و آن را از صحیفه اعمالم محو کنی.»

بر همین پایه است که ششمین امام شیعیان امام صادق (ع) می فرماید:

لَوْ لَمْ يَكُنْ فِي الْحِسَابِ مَهُولَةٌ إِلَّا حَبَاءُ الْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ فَضِيحَةٌ هَتَكَ السِّتْرَ عَلَى الْخَفِيَّاتِ يَحِقُّ لِلْمَرْءِ أَنْ لَا يَهْبِطَ مِنْ رُؤْسِ الْجِبَالِ وَلَا يَأْوِي إِلَى عِمْرَانَ وَلَا يَأْكُلُ وَلَا يَشْرَبُ وَ بَايِنَامُ إِلَّا عَنِ اضْطِرَارٍ مُتَّصِلٍ بِالتَّلَفِ (۱۸۳)

«اگر، در حساب روز قیامت هولی بجز شرم عرضه کردار بر خدای - تعالی - و رسوایی پرده در شدن آدمی نبود همانا سزاوار بود که آدمی از سر کوه فرود نیاید و روی به آبادی نیآورد و به حکم اضطرار و تا مرز تلف شدن نخورد و نیاشامد و خواب نداشته باشد.»

در آتشم بیفکن و نام گنه میر ***کآتش به گرمی عر انفعال نیست
خواجه عبدالله انصاری می گوید:

مرحبا قومی که داد بندگی را داده اند ***ترك دنيا گفته اند و از همه آزاده اند
روزها با روزه ها نار هوس بنشانده اند ***باز شبها در مقام بندگی ایستاده اند
نفس خود را قهر کرده روح را داده فتوح ***زاد تقوا برگرفته بهر مرگ
آماده اند

طرفة العینی نبوده غافل از حضرت و لیک ***سیلها با آن همه از چشمها
بگشاده اند

یک زمان از نوحه همچون نوح غافل نیستند ***گویا خود در جهان از بهر
زاری زاده اند

شعله ای دیدند و انسی یافتند از عشق آن ***جمله شب در کنج خلوت بر سر
سجاده اند

ربنا گویند و زو لبیک عبدی بشنوند ***جمله سر مست (الست) از جرعه آن
باده اند

تا به دنیا آمدند از کلبه و کتم عدم ***سوی حضرت جز نیاز و ناله
نفرستاده اند

پیر انصاری تو می دانی که اینها کیستند***فرقه بی کر و فر و زمره
دلداده اند (۱۸۴)

امیرالمؤمنین به یکی از اصحابش به نام (نوف بکالی) می فرماید:
«ای نوف! اگر امشب از ترس خدا گریه کنی فردا در پیشگاه او مسرور
و شادان خواهی بود.»
از پس هر گریه آخر خنده ای ست***مرد آخر بین مبارک بنده ای ست

سه چیز سبب نجات است

قال رسول الله (ص):

ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ تَكْفِي لِسَائِكَ وَ تَبْكِي عَلَى خَطِيئَتِكَ وَ سَبْعَكَ بَيْنُكَ (۱۸۵)
پیامبر اسلام (ص) فرمودند سه چیز موجب نجات آدمی است:

«زبان را (از گفتار نابجا) نگهداری نمایی

بر خطاهایت اشک بریزی

برای اهل خانه ات تلاش و کوشش کنی»

نیز آن حضرت فرموده است:

حُرِّمَ عَلَى عَيْنَيْنِ أَنْ تَنَالَهُمَا النَّارُ عَيْنٌ بَكَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ بَاتَتْ
تَحْرُسُ الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ مِنَ الْكُفْرِ (۱۸۶)

«حرام گردیده شده است بر دو چشم آتش جهنم:

(اول) چشمی که گریه کند از خوف خدا

(دوم) چشمی که بیدار بماند برای حراست از اسلام و مسلمین از
کفر.»

شعری مناسب

شب گشت و باز مرغ شباهنگ بر درخت***سرگرم به ناله سوزان خویشتن
خورشید رفت و بار دگر جلوه کرد ماه***با روی باز و پیکر عریان خویشتن
عاشق دوباره معرکه سوز و ساز را***بر پای کرد در دل ویران خویشتن
زاهد نشست بر سر سجاده تا که شد***رخت امان به سایه ایمان خویشتن
منعم نهاد پای به عشرت سرای خویش***درویش برد سر به گریبان خویشتن
يك دم تبهکار به آسودگی نخفت***از انقلاب روح هراسان خویشتن
فرخنده آنکه وقت شب از کار روز خویش***شرمنده نیست در بر یزدان

خویشتن (۱۸۷)

اکنون به دو حدیث درباره گریه در شب توجه فرمایید:

بزرگترین قطره

۱. عن ابی جعفر (ع):

ما من قطرة أحب إلى الله عزّ وجلّ من قطرة دموع في سواد الليل
مخافة من الله لا يراد بها غيرُهُ (۱۸۸)

برگردان:

حضرت باقر (ع) می فرماید:

«هیچ قطره نزد خدا محبوبتر نیست از قطره اشکی که در تاریکی شب
از خوف خدا بریزد و جز خدا چیز دیگری منظور نباشد، تنها قطره ای که
با قطره اشک قابل مقایسه است قطره خون شهیدی است که در راه خدا بر
زمین ریخته شود.»

۲. عن ابی عبدالله (ع) قال:

كُلُّ عَيْنٍ بِالْكِيَةِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَةً عَيْنٌ غَضَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ
سَهَرَتْ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَ عَيْنٌ بَكَتْ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ (۱۸۹)

برگردان:

امام صادق (ع) می فرماید:

«هر چشمی در روز قیامت گریان است جز سه چشم: چشمی که از
نگاه کردن به آنچه خداوند حرام کرده است پوشیده شود (چشم پوشی از
گناه) و چشمی که در راه اطاعت خداوند بیداری کشیده و چشمی که در
دل شب از ترس خدا گریه باشد.» (۱۹۰)

فِي خُطْبَةِ الْوَدَاعِ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ مَنْ ذَرَفَتْ عَيْنَاهُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ كَانَ لَهُ
بِكُلِّ قَطْرَةٍ عَيْنٌ مِنَ الْجَنَّةِ عَلَى خَافِيَتِهَا مِنَ الْمَدَائِنِ وَ الْقُصُورِ مَا لَا عَيْنٌ رَأَتْ
وَ لَا أُذُنٌ سَمِعَتْ وَ لَا خَطَرَ عَلَى قَلْبِ بَشَرٍ (۱۹۱)

چه پاداش عظیمی

«در خطبه وداع رسول خداست (بخشی از آن خطبه): و کسی که
چشمانش از خوف خدا اشک آلود گردد پاداشی که برای او منظور
می گردد به عوض هر يك قطره اشک در دو سوی بهشت نهرها و قصرها

خواهد داشت که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و به قلب هیچ بشری خطور نکرده است.»

و نیز امام باقر(ع) می فرماید:

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ النَّبِيَّ (ع) قَالَ مَا لَعَبْدٌ بَلَّ وَجْهَهُ مِنَ الدَّمْعِ مِنْ مَخَافَتِكَ؟ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى جَزَاؤُهُ مَغْفِرَتِي وَ رِضْوَانِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ (۱۹۲)

«ابراهیمی خلیل(ع) عرض کرد: بارخدایا! چه پاداشی برای آن بنده است که از ترس تو صورتش از اشک تر شود؟ خدای - تعالی - فرمود: پاداشش آمرزش من و رضایت من از او خواهد بود در روز قیامت.»

(راستی که خوشا به حال آنهایی که از خوف خدا در دل شب برای معاصی که مرتکب شده اند اشکی می ریزند و بر لوح گناهان به وسیله انابه خطی می کشند و اعضا و جوارح خود را از خطا ایمن نگه می دارند که رسول عالی قدر اسلام فرموده اند:

طُوبَى لِمَنْ مَلَكَ لِسَانَهُ وَ بَكَى عَلَى خَطِيئَةٍ (۱۹۳)

دوید بر رخ زردم ز بی قراری اشک***گل خزان زده را کرده آبیاری اشک
خزان عمر به زردی رساند رنگ رخم***بیار بر سرم ای ابر نوبهاری اشک
کسی غبار غم از چهره ام نخواهد شست***اگر ز دیده نیاید برون به یاری
اشک

بیار بر لبم ای سینه هر چه داری آه***پریش بر رخم ای دیده هر چه داری
اشک(۱۹۴)

چرا بعضی از چشمها خشک است

راستی چرا برخی از دیدگان با اشک قهر کرده اند و یا اشک از آنها قهر کرده است. بهتر این است پاسخ این پرسش را از زبان پیامبر بزرگوار بشنویم:

قال رسول الله(ص):

جُمُودُ الْعَيْنِ مِنْ قِسْوَةِ الْقَلْبِ وَ قِسْوَةُ الْقَلْبِ مِنْ كَثِيرَةِ الذُّنُوبِ (۱۹۵)

رسول عالی قدر اسلام(ص) فرمودند:

«خشکی چشم از اثر قساوت قلب است و قساوت قلب از اثر گناهان بسیار است.»

آری، گناه آثار بسیار و وحشتناکی در جسم و جان آدمی ایجاد می کند

که اگر بنا شود شمارش کنیم جداگانه صفحاتی را بایسته است که از مبحث این کتاب خارج است. اما به مناسبت موضوع باید گفت یکی از مهمترین آثار گناه این است که دل آدمی را سیاه و ظلمانی می کند. و نورانیت را از او سلب می کند و دیدگان را خشک و جامد می کند. و اشک را از او می گیرد و بلکه در جان و روح انسان شقاوت ایجاد می کند. در حقیقت می توان گفت گناه منشا شقاوت و از آثار شقاوت قساوت قلب و خشک چشمی است.

(به این دیت توجه کنید)

قال رسول الله (ص):

أربع خصال من الشقاء جمود العين و قساوت القلب و بعد الأمل و حب البقاء (۱۹۶)

پیامبر بزرگوار می فرمایند:

«چهار خصلت نشانه شقاوت است: اول خشکی چشم دوم قساوت قلب (سخت دلی) سوم آرزوی طولانی و چهارم محبت به بقا (ماندن).»

گناه دل را می میراند

قال رسول الله (ص):

ثلاثة يميت القلب العصيان بعد العصيان و محادثة النساء و مجالسة المترفين (۱۹۷)

«رسول خدا فرمودند سه چیز است که دل را می میراند: گناه روی گناه گفتگو (بگو مگو کردن) با زنان و مجالست با افراد خوشگذران.»
آری، در این هنگام است که وقتی دل مُرد دیده خشک می شود و دیده خشک بینایی ندارد در نتیجه حقایق را نمی بیند و جز ظاهر چیزی را مشاهده نمی کند.

ارتباط دیده با دل

دیده گریان که نتیجه دل نورانی است هم حقایق را می بیند و هم دل را نورانی تر کرده و جلا می دهد و این خدمات رویارو دل و دیده را با هم بینا می کند. آینه دل با اشک دیدگان جلا و صفا می یابد و دیده با نورانیت دل بینا می شود و می بیند آنچه را که برای دیگران نادیدنی است.

چشم دل باز کن که جان بینی*** آنچه نادیدنی است آن بینی
 دل هر ذره ای که بشکافی*** آفتابیش در میان بینی
 آن هنگام است که زمینه باز شدن درهای خیر از سوی پروردگار بر وی
 ایجاد می گردد که امام سجاد زین العابدین (ع) می فرماید:
 إِذَا ارَادَ اللَّهُ بَعْدَ خَيْرٍ أَفْتَحَ اللَّهُ لَهُ الْعَيْنِ الثَّانِيَةَ فِي قَلْبِهِ فَأَبْصَرَ بِهِمَا
 الْعَيْبَ وَ إِذَا ارَادَ غَيْرَ ذَلِكَ تَرَكَ الْقَلْبَ بِمَا فِيهِ (۱۹۸)

«هرگاه خدای مهربان اراده کند که برای بنده ای خیر و سعادت عطا
 فرماید دو چشم حقیقت بین درون او را می گشاید و با بصیرت و بینایی
 معایب (و نواقص را که موجب تنزل مقام انسانی او می گردد می شناساند و
 آنها را اصلاح می کند) و اگر برای بنده خیر و صلاح نخواهد دیده های
 درونی او را نمی گشاید. (و در نتیجه قلب و اندیشه او بینایی و
 حقیقت جویی را از دست می دهد.)»

آری، ارتباط دل با دیده ارتباطی تنگاتنگ است، هنگامی که دل
 ظلمانی شد دیده جز ظلمت نمی بیند و آنگاه که دل نورانی شد دیده جز
 حقیقت مشاهده نمی کند. به سخن دیگر:

يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ

با نور الهی که در دل تابیده حقیقت موجودات را می نگرد.

برگ درختان سبز در نظر هوشیار*** هر ورقش دفتر است معرفت کردگار
 و یا به تعبیر دیگر:

به هر جا بنگرم کوه و در و دشت*** نشان از روی زیبای تو وینم
 و یا به قول عارف دیگری:

در هر چه نظر کردم سیمای تو می بینم*** ناسوتی و لاهوتی جویای تو
 می بینم

منفی همه از لایند الای تو می بینم*** سرهای سرافرازان در پای تو می بینم
 آنچه با نور دل و چشم بصیرت می نگردد در دیده بازتاب می شود و
 دیده همان را می بیند. پس ای عزیز! اگر دیده ات خوب نمی بیند به خاطر
 آن است که دلت از اثر گناه کدر شده و خشکی چشم نیز نتیجه همان
 است. پس هر چه زودتر دل را درمان کن و گر نه به طور کلی نابینا خواهی
 شد و خدا را هیچ گاه نخواهی دید که امیرالمؤمنین می فرماید:

عَمِيْتُ عَيْنُ لَا تَرَاهُ

«نابیناست آن چشمی که او را نمی بیند.»

از آن حضرت پرسش کردند: شما خدای را دیده ای فرمودند:

«خدایی را که ندیده باشم نیایش و پرستش نمی کنم.»

براستی دل اگر نورانی و روشن شود دیده از هر میکروسکوپی قویتر خواهد شد.

خوشا آن دل که در او سوز باشد***ز سوزش ظلمت شب روز باشد

دل پر سوز باشد مرکز عشق***بلی عشق است که جان افروز باشد(۱۹۹)

و نا گفته نماند که از خطر دیده هم نباید غافل ماند: گاهی هم دیده موجب ظلمانی شدن دل می شود و آن را از معنویت جدا می کند. نور معرفت را از او می گیرد و سبب قساوت آن می شود و به دنبال خود می کشاند و این همان ارتباط تنگاتنگ دل و دیده است که از این پیشتر به آن اشاره شد.

پس از هر دو باید مواظبت کرد. از هر دو باید به خدا پناه برد و از دست هر دو باید فریاد کشید.

ز دست دیده و دل هر دو فریاد***هر آنچه دیده بیند دل کند یاد

بسازم خنجر نیشش ز پولاد***زنم بر دیده تا دل گردد آزاد(۲۰۰)

گاهی آنچه دیده دل را اسیر می کند که رهایی آن بسی دشوار و سخت است و گاهی دل دیده را چنان نابینا می کند که بیناییش دگر بار بسی دشوار است.

گهی از دیده نالم گاه از دل***از این نالیدنی هایم چه حاصل

چنان دیده شده بر دل مسلط***که دل دیگر نجاتش گشته مشکل(۲۰۱)

خلاصه، دل بیدار و چشم گریان است (بویژه در دل شب) که آدمی را از متعلقات مادی منسلخ می کند و به حقیقت معانی آشنا می سازد. باید از خدا بخواهیم و از او درخواست یاری کنیم و دل سوختگان با معرفت را میانجی قرار دهیم و بگوییم:

الهی به مستان میخانه ات***به عقل آفرینان دیوانه ات

الهی به آنان که در تو گمند***نهان در دل و دیده مردم اند

به میخانه وحدتم راه ده***دل و دیده و جان آگاه ده

حال که سخن از دل به میان آمد اجازه فرمایید غزلی که (بیدل) درباره دل سروده است هر چند در برابر گفتار سروده های اهل دل بسیار کوچک

و ناچیز است عرضه کنم:

مرکز نور خدا جلوه گه یار دل است***جایگاه حرم حضرت دلداری دل است
منشأ عاشقی و عشق و برافروختگی***گر تأمل بنمایی همه از کار دل است
شور و حال همه عشا جهان در عالم***اثر شعله سوزان شرریار دل است
آنکه دایم به تمنای وصال معشو***می کند نام شب و روز گرفتار دل است
آنکه در نیمه شب شور و نوایی دارد***اثر شور دل و دیده بیدار دل است
اشك خونین ودعای سحر و زاری دل***این همه از اثر دیده خونبار دل است
این همه جلوه که در چهره عارف بینی***جلوه کوچکی از پرتو انوار دل است
(بیدل) این شور و نوایی که تو را هست به سر***سببش سوز دل و بارقه نار
دل است(۲۰۲)

بار خدایا! دل و دیده ما را از گزند خطرات ایمن بدار و ما را به خود
وامگذار. نیز شیخ اجل سعدی می گوید:
آفرینش همه تنبیه خداوند دل است***دل ندارد که ندارد به خداوند اقرار
این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود***هر که فکرت نکند نقش بود بر
دیوار(۲۰۳)

گریه کلید رحمت و باب اجابت است

قال علی(ع):

البكاء من خشية مفتاح الرحمة و علامة القبول و باب الإجابة(۲۰۴)

امام معصوم(ع) فرمودند:

«گریه از خوب خدا کلید رحمت و نشانه قبولی (توبه و دعاست) و در
مستجاب شدن نیایش است.»

نیز می فرماید:

إذا بكى العبد من خشية الله تتحابُّ عنه الذنوب كما يتحاتُّ الورَّ
ببقي كيوم ولدته ذمته(۲۰۵)

«هنگامی که بنده از خوف خداوند گریان شد گناهان از او می ریزد
مانند ریختن برگ از درخت و باقی می ماند چون روزی که از مادر زاده
شده باشد.»

فرا رسیدن شب عاشق را مسرور می کند

قال بعض العرفاء:

إذا رأيت الليل مقبلاً فرحتُ و أقولُ أخلو برَبِّي و إذا رأيتُ الصَّبحَ قريباً
استوحشتُ كراهةً لقاء مَنْ يَشْفَلُنِي عَنْ رَبِّي (٢٠٦)

برخی از عرفا می گویند:

«هنگامی که می بینم شب فرا می رسد شادمان می شوم و با خود می گویم با خدایم خلوت می کنم (و با او به راز و نیاز می پردازم) و آنگاه که می بینم صبح نزدیک می شود به وحشت می افتم از اینکه دیدار اشخاص مرا از یاد خدا باز می دارد و به خود مشغول می کند.»

چه کوتاه است شبهای وصال دلبران یا رب***خدا از عمر من بر عمر این شبها بیفزاید (٢٠٧)

باز هم شب

شب آمد شب که گردد محفل من***سیه چون زلف دلبر یا دل من
شب از فریاد مرغ حق شود مست***تبار طره جانان زند دست
شب است اخترشناسان را دل افروز***شب است آتش به جانان را
جگرسوز (٢٠٨)

جواز نماز شب پیش از هنگام

با اینکه وقت نماز شب را فقها و علمای دین مشخص و روشن فرموده اند که پس از نیمه شب تا طلوع فجر و هر چه به صبح نزدیک تر باشد فضیلت آن بیشتر است، اما برای آنکه کسی از این فیض عظمای برکات و فواید فوائد العاده نماز شب محروم نماند به آنهایی که توفیق یافتن به این فضیلت بزرگ برایشان دشوار است شرع مقدس اجازه داده است که در آغاز شب و یا هنگامی که می خواهد بخوابد نماز شب را بخواند. اما به نیت (تقدم) نه به نیت (ادا) از قبیل جوانانی که خوف بیدار نشدن را دارند و یا اینکه خوف احتلام را در خواب و عدم دسترسی به غسل را دارند و یا مسافری که خسته از رنج سفر است. و یا بیماری که برخواستن برای او دشوار است و یا پیروی که شدت سرما او را باز دارد و امثال آنها در این شرایط می توانند نماز شب را در آغاز شب بخوانند که البته خداوند - تعالی - من باب لطف از آنها می پذیرد و همان ثواب نیمه شب را به او عطا

می کند. چنانچه ابی بصیر از امام صادق(ع) نقل می کند که آن حضرت فرمودند:

إِذَا حَشِيَتْ أَنْ لَا تَقُومَ آخِرَ اللَّيْلِ أَوْ كَانَتْ بِكَ عِلَّةٌ أَوْ أَصَابَكَ بَرْدٌ فَصَلِّ صَلَوَاتِكَزْ وَ أَوْتِرِ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ (۲۰۹)

«اگر وحشت این داشتی که مبادا ثلث آخر شب برنخیزی و یا گرفتاری بیماری شوی و یا سرمای شدید به تو اصابت کرد در اول شب نماز را بخوان و نافله وتر را به جای آور.»

قضا هم جایز است

بلکه در روایات اهل بیت رسیده است که اگر موفق نشدی به نماز شب نه اول شب و نه آخر شب می توانی قضای او را به جای آوری، حتی اگر چند شب بوده باشد. به این حدیث توجه فرمایید:

راوی از یکی از باقرین و صادقین پرسش می کند که شخصی اهل نماز شب است اما گاهی اتفا می افتد که نماز شب او يك یا دو یا سه شب ترك می شود و موفق به بیدار شدن نمی شود، آیا قضا کند و در نزد شما محبوب تر است یا آنکه در اول شب بخواند. فرمودند:

لَا بِلَّيْلِ يَقْضَى وَ إِنْ كَانَ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً (۲۱۰)

(اگر به وسایل الشیعه کتاب الصلوة مراجعه فرمایید در ابواب المواقیت روایت بسیاری را خواهید یافت درباره قضا نماز شب که ما در اینجا اکتفا به همین يك روایت نمودیم که رعایت اختصار شده باشد.)

آری، خوشا به حال آن با فضیلت مردمی که آنچنان به حقیقت شب و عبادت در شب رسیده اند که اگر گاهی به آن دست نیابند در وقت دیگر جبران می کنند و نمی گذارند این فیض عظیم از دستشان برود. و وای بر من که غافل و وامانده از کاروان سعادت در بیابان جهالت همچنان به سر می برم.

خوشا وقت نکوکاران عالم***که بر سر جهان گشتند محرم

خوشا روز و شب آن پاکبازان***بجز حق از دو عالم بی نیازان

خوشا بر جان هشیاران آن یار***که از خواب گران گشتند بیدار

همه گشتند خوش بیدار از این خواب***گذر کردند بر گردون چو مهتاب

همه زین دام غم خوش بر پریدند***به گلزار تجرد آمدند (۲۱۱)

مناجات امام کاظم (ع)

به گوشه ای از مناجات شبانه امام کاظم (ع) توجه فرمایید:
 راوی می گوید حضرت موسی به جعفر (ع) هنگامی که نماز عشا را به
 پایان می برد سر بر سجده می گذاشت و می گفت:

الهی و ان كان قبح الذنب من عبدك فاليحسن العفو من عندك
 «بار خدایا! اگر چه گناه از بنده تو قبیح و زشت است ولی عفو و
 بخشش از جانب تو نیکو و زیباست. همچنان در سجده بوده تا هنگام
 نماز شب و من تصور می کردم امام در سجده به خواب رفته است ولی او
 بر می خواست بدون اینکه وضو را تجدید کند به نماز مشغول می شد.» (۲۱۲)
 نیز راوی حدیث از آن حضرت نقل کرده است هنگامی که از سجده
 نماز وتر سر بر می داشت و می ایستاد چنین می گفت:

اللهم انك قلت في كتابك المنزل (كانوا قليلا من الليل ما يهجعون و
 بالاسحار هم يستغفرون طال والله هجوعى قل قيامى و هذا السحر و انا
 استغفرك لذنوبى استغفار من لايملك لنفسه ضرا و لانفعاً و لا موتاً و لا
 حیاتاً و لا نشوراً ثم خرو ساجداً) (۲۱۳)

«بار خدایا! تو در کتاب منزلت فرموده ای آنها (بهشتیان) همیشه و
 پیوسته اندکی از شب را می خوابیدند و سحرگاهان به استغفار بر
 می خواستند، به خدا سوگند خواب من طولانی و شب زنده داری من
 اندک است. اکنون این نیمه شب است و من استغفار از گناهانم
 برخواسته ام، همانند استغفارکننده ای که نه مالک سود و زیان خود است و
 نه مرگ و حیات و نه شورش را در اختیار دارد. سپس آن حضرت به
 سجده می افتادند.»

آری جایی که عقاب پر بریزد***از پشه لاغری چه خیزد

شیعه باید نماز شب بخواند

از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمودند:

ليس من شيعتنا من لم يصل صلوة الليل (۲۱۴)

«از شیعیان ما نیست کسی که نماز شب نخواند.»

بار خدایا! تو خود توفیق شب خیزی و نیایش را به ما عطا فرما و قلوب

ما رابه صفا آشنا گردان.

الهی تو اهل صفا کن مرا***به درگاه خود آشنا کن مرا
به شب زنده داران دل سوخته***دلی پر ز شور و نوا کن مرا
به شبهای تاریک و وقت سحر***خدایا تو اهل دعا کن مرا
خدایا به عشا شب زنده دار***به عشق خودت آشنا کن مرا
خدایا به میخانه وحدتم از وفا***به الطاف خود رهنما کن مرا(۲۱۵)

آیا شب خیزان متهدّد با به خواب رفتگان غافل یکسانند؟
أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ(۲۱۶)

«آیا آن گروه از شب زنده دارانی که نور ایمان و خوف از حساب روز جزا آنچنان در عمق جانیشان نشسته است که در دل شب آنگاه که بی خبران از رمز وجود در بسترهای نرم و گرم گناه آرمیده اند و یا در مجامع فسق و فجور آلوده به انحا پلیدیهای حیوانی عربده های مستانه سر داده اند در همان ساعات شب آن مردان خدا با دلی روشن و جسم و روحی پاک سر به خاک بندگی نهاده اند و اشک ریزان و تضرع کنان از منبع علم و قدرت و حکمت عالم مدد می طلبند و از این راه عزّ و شرف هر دو جهان به دست می آورند. انصاف دهید آیا ممکن است این دو گروه در پیشگاه خداوند بزرگ و همچنین در پیشگاه عقل و وجدان یکسان باشند.»
نه، نه، سوگند به آفریدگار آسمان و زمین که میان این دو دسته از زمین تا آسمان و به تعبیر دیگر از جهنم تا بهشت و یا بهتر از شیطان تا خدا فاصله است. تأمل کن و یا به تعبیر دیگر همانند مقایسه علم و جهل یا عالم و جاهل که قرآن می فرماید:

و قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولَى الْأَلْبَابِ(۲۱۷)

آیا آنهایی که دلهاشان به نور علم و آگاهی روشن و با نیروی دانش به سوی اوج انسانیت پرواز می کنند با آنهایی که در ژرفای چاه جهالت و نادانی فرو رفته اند یکسانند؟ ابداً!
صاحبان خرد و تعقل کنندگان در امور این مطلب را خوب می فهمند و می دانند که این دو گروه هرگز مساوی نخواهند بود.

آن را که علم و دانش و تقوا مسلم است***هر جا قدم نهد قدمش خیر مقدم است

جاهل اگر چه گشت مقدم مؤخر است***عالم اگر چه یافت تأخر مقدم است
جاهل به روز فتنه ره خانه گم کند***عالم چراغ جامع و چشم عالم است
مقایسه شب زنده داران متهجّد با در بستر آرمیدگان راحت طلب
همانند مقایسه دانشمندان خردمند و عالمان متفکر با نادانان بی خبر و
جاهلان تهی مغز است. بلکه بدتر و یا اینکه شایان مقایسه نیستند.

چند شعر از چند شاعر

چون شب گردد به ساز عشق برخیز***رها کن دل به زلف دلبر آویز
به همراه شب آهنگان افلاک***به راه عشق تاز از بستر خاک
«لادری»

کمان سازند آنان سروقامت***ز شو طاعت و خوف قیامت
جبین ماه را بر خاک سازند***به سجده ذات سبحان را ستایند
که ایزدشان به لطف خود کند شاد***شوند از آتش قهر وی آزاد
«لادری»

شب آمد شب که گردد محفل من***سیه چون زلف دلبر با دل من
شب آمد شب که نالد عاشق زار***گهی از دست دل گاهی ز دلدار
شب از فریاد مرغ حق شود مست***تبار طره جانان زند دست
شب است اخترشناسان را دل افروز***شب است آتش به جانان را جگرسوز
«لادری»

دوش گفتم به زلف کای شبگرد***اسم شب ده که رسم شهر این است
زلف خم گشت و سر به گوش نهاد***گفت آهسته اسم شب چین است
«لادری»

شب عاشقان

شب درخشنده تر از روز بود***فرح انگیز و دل افروز بود
گرچه تاریک و بسی ظلمانی است***بهر عشا همه اش نورانی است
دل شب جلوه گه نور خداست***وقت آرامش و هنگام دعاست
رمز پیروزی عشا شب است***راز جان سوزی عشا شب است
غفلت از شب منما ای (بیدل)***تا که جانت به تن و روح بدل

«بیدل همدانی»

عمری به غم دنیی دون می گذرد***هر لحظه ز دیده اشک خون می گذرد
شب خفته و روز مست و هر صبح خماری***اوقات عزیز بین که چون می گذرد
«لاادری»

داشتم خوش روزگاری با سر زلف نگاری***خوش بود با زلف یاری داشتن
خوش روزگاری

شکرها دارم که با آشفتگی افتاده کارم***تا مرا با طره آشفته اش افتاده کاری
در دل شب راز دل با ماه می گویم که در شب***ماه باشد همدم هر بیدل
شب زنده داری

کنون باید ای خفته بیدار بود***چون مرگ اندر آرد ز خوابت چه سود
چو شبت در آمد به روی شباب***شبت روز شد دیده بر کن ز خواب
من آن روز برکندم از عمر امید***که افتادم اندر سیاهی سپید
گذشت آنچه در ناصوابی گذشت***در این دم اگر درنیابی گذشت
کنونت که چشم است اشکی بیار***زبان در دهان است عذری بیار
«لاادری»

دردمندیم و دوا می طلبیم***در فغانیم و بقا می طلبیم
هر سحر بوی تو را تا دم صبح***از مسیحای صبا می طلبیم
جان به راه تو نهادیم به شو***از تو ای دوست تو را می طلبیم
سایل کوی نیازیم و به جان***مدد از دست دعا می طلبیم
از فروغ تو در آینه دل***جلوه مهر و صفا می طلبیم
دست بر دامن مهتر زده ایم***بینواییم و نوا می طلبیم
عزت هر دو جهان را یک جا***باری از فضل خدا می طلبیم
«زهره نارنجی»

تقسیم عادلانه

بهشت و هر چه در او هست ز تو ای زاهد***ز من عنایت دلدار و رخصت
دیدار

ز تو جنان و لب حوض و هر چه که هست***ز من درون همین کنج خلوت و
رخ یار

ز تو نظاره گل گشت و گلشن و گذار***ز من نظاره نمودن به چهره دلدار

دلا بیا که به کون و مکان نخواهم داد***دعای نیم شب و گنج خالی از اغیار
«بیدل همدانی»

رو بر در سلطان خوبان با صد افغان***باشد که بنوازد شهی مسکین گدا را
با چشم گریان هر سحر بر درگه دوست***بنشین که او بخشد نوا هر بینوار را
با شور و عشق آور حدیث یار بر لب***هر شب به اشک دیده شو نقش خطا را
شیرین حکایت‌های قرآن خوان که دانی***رسم و ره عشق و طریق انبیا را
«الهی قمشه ای»

چند تک بیت از چند شاعر
ره هر کس به فسونی زده آن شوخ آر نه***گریه نیمه شب و خنده مستانه
یکی است

«عماد خراسانی»

=====

اگر شب کاروان در ره شتابد***سحر سر منزل مقصود یابد
«الهی قمشه ای»

=====

خواب نوشین بامداد رحیل***باز دارد پیاده را ز سبیل
«لادری»

=====

مرو به خواب که حافظ به بارگاه قبول***ز ورد نیم شب و درس صبحگاه
رسید

«حافظ»

=====

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ***از یمن دعای شب و ورد سحری بود
«حافظ»

=====

به بالین می رسد گویا طبیب جسم زار امشب***که چون زلفش دل بیمار باشد
بی قرار امشب

«لادری»

=====

ماه رمضان شد می و میخانه برافتاد***عیش و طرب و باده به وقت سحر

افتاد

«امام خمینی»

= = = = =

سوخت پروانه ولی از غم او***تا سحر شمع شب تار گریست

«صحبت لاری»

= = = = =

چه کوتاه است شبهای وصال دلبران یارب***خدا از عمر من بر عمر این

شبها بیفزاید

«همام تبریزی»

= = = = =

صبح تابان به فغان شب تار آید، لیک***صبح تابان من اندر شب تار آمد و

رفت

«شوریده میرزا»

= = = = =

تا به افسوس به پایان نرود عمر عزیز***همه شب ذکر تو می رفت و مکرر

می شد

«سعدی»

= = = = =

تا به ملك دل من از تو شبیخون آمد***شبی از دیده مرا اشك و شبی خون آمد

«پروین شیرازی»

= = = = =

در دل شب راز دل با ماه می گویم که در شب***ماه باشد همدم هر بیدل شب

زنده داری

«رعدی»

= = = = =

به دست آور به پیری عمر ضایع کرده خود را***که در شب هر چه گم شد

روز روشن می توان جستن

«لادری»

= = = = =

گر شب هجران مرا تاختن آرد اجل***روز قیامت زخم خیمه به پهلوی دوست

«سعدی»

= = = = =

مشنو ای دوست که غیر از تو مرا یاری هست***یا شب و روز بجز فکر توام

کاری هست

«سعدی»

= = = = =

به نیمه شب که همه مست خواب خوشند***من و خیال تو و ناله های دردآلود

«لالدری»

= = = = =

این دل شب به در خانه ات ای حیّ کریم***از پی بخشش هر جرم و گناه

آمده ایم

«کربلایی»

= = = = =

از در خویش خدایا به بهشتم مفرست***که سر کوی تو از کون و مکان ما را

بس

«حافظ»

= = = = =

دعای صبح و و آه شب کلید گنج مقصود است***بیدین راه و روش می رو که

با دلداری پیوندی

«حافظ»

= = = = =

سرمکش حافظ ز آه نیمه شب***تا چه صبح ات آینه رخشان کنند

«حافظ»

= = = = =

دل شاد جز به گریه شبها نمی شود***این غنچه جز به اشک سحر و

نمی شود

«الفت»

داستان چشم گریان مرا از شب بپرس***ای بسا گوهر که دست شب از این

دریا گرفت

«سهیلی»

= = = = =

نقل شده است که از رسول خدا (ص) پرسش کردند:
«زیباترین منظره ای که بیش از هر چیز توجه شما را جلب کرده چه
بوده است؟ آن حضرت در پاسخ فرمودند: آسمان با ستارگانش در دل
شب.»

(اشعاری مناسب)

فروزان گشته ماه امشب که سازد***در و دشت و دمن را نور باران
ز نور اختران شد بزم گردون***مزین چون بساط شهر یاران
تو گویی اختران دلدادگانند***که می لرزند همچون بی قراران
و یا چون قطره های اشک باشند***که می ریزند به روی داغداران
و یا همچون فروزان شمع هایی***میان محفل شب زنده داران
و یا گلهای رنگینی که رویند***به طرف باغ و بستان در بهاران
فروغ ماه چون نور امید است***که تابد بر دل امیدواران
به سر افتد هوای باده خواری***به پا گردد بساط باده خواران
به شبهای چنین دلیند و جانبخش***چه باشد بهتر از دیدار یاران
ز مهتاب و گل و یار و می و ساز***گرفتن کام دل چون کامکاران
«ابوالقاسم حالت»

(ختامه مسك)

در صفحات پایانی توجه شما عزیزان را به بخشی از سخنان
مولی الموحدين امیرالمؤمنین و امام المتقین علی(ع) که درباره شب و
شب زنده داران بیان فرمودند جلب می کنم به امید بهره برداری درست از
کلمات در بار آن حضرت.

قال عليه السلام طوبى لِنَفْسٍ آدَّتْ إِلَى رَبِّهَا فَرَضَهَا وَ عَرَكْتَ بِجَنَبِهَا
بُؤُوسَهَا وَ هَجَرْتَ فِي اللَّيْلِ غَمُضَهَا حَتَّى إِذَا غَلَبَ الْكَرَى عَلَيْهَا إِقْتَرَشَتْ
أَرْضَهَا وَ تَوَسَّدَتْ كَفَّهَا فِي مَعْشَرِ أَسَهَرَ عَيُونَهُمْ خَوْفَ مَعَادِيهِمْ وَ تَجَافَتْ
عَنْ مَضَاجِعِهِمْ جُنُوبُهُمْ وَ هَمَمَتْ بِذِكْرِ رَبِّهِمْ شِفَاءَ بَيْنِهِمْ تَقَشَّعَتْ بِطُولِ
اسْتِغْفَارِهِمْ ذُنُوبَهُمْ (اوليك حزب الله الا ان حب الله هم المفلحون) (۲۱۸)

«خوشا به حال آن کسی که آنچه خدای او بر او واجب فرموده است
به جا آورد در برابر شدايد و مصایب تحمل کند و پهلو تهی نکند و هنگام
شب از خواب دوری تا آن زمان که خواب بر او چیره آید. (آن هنگام)
زمین را بستر خود و دست خویش را بالش خود قرار دهد و در زمره
آنهايي باشد که نگرانی آنها از (روز قیامت) دیدگانشان را بیدار داشته و
پهلوی آنها از بستر و خوابگاهشان جدا شده و لبهایشان به ذکر و یاد
پروردگارشان با هممه (صداهاى درهم آمیخته) اشتغال دارند و
گناهانشان به خاطر استغفار و (طلب مغفرت) پی در پی و مدامشان پراکنده
و متلاشی گردیده است (که قرآن می فرماید) این گروه از مردم حزب
خدایند حزب خدا هم آنهايي هستند که رستگارند.»

(التجا)

بار خدایا! به سوز درون شب زنده داران و شور عشق عاشقان
شب خیزان بار خدایا! به ورع و اخلاص پارسایان، پروردگارا به پاکی روح
و جان پرهیزگاران به مالذت مناجاتت را در دل شب بچشان و توفیق
بهره برداری از برکات شب را عطا فرما،

بار خدایا! ما را از وسوسه های شیطان که با وسایل و طُرُ گوناگون در
صدد آن است که ما را از فیوضات شب غافل کند برحذر فرما،

پروردگارا به حرمت مقربین درگاهت بویژه حبیب بزرگوارت
محمد(ص) و عترت طاهرین آن حضرت - صلوات اله علیهم اجمعین -
زنگار گناه را از آینه قلب ما بزد و با نور عرفان دلهای ما را منور گردان،

بار خدایا! ما را در زمره آن گروه از بندگانت قرار ده که برای رسیدن به
درگاه تو سرعت و سبقت بر یکدیگر می گیرند و علی الدوام در خانه تو را
می کوبند و شب و روز در عبادت تو می کوشند و با اشتیاق تمام و شور و
شعف تو را بندگی می کنند،

اللهم اجعل عاقبة أمورنا خيراً

الهی چنان کن سرانجام کار
تو خشنود باشی و ما رستگار
آمین یا رب العالمین

روز سه شنبه ۲۶ ربیع المولود ۱۴۱۴ هجری قمری مطابق ۲۳
شهریورماه ۱۳۷۲ شمسی
سید احمد حسینی همدانی

-
- .سوره غافر آیه ۶۰.
.سوره فرقان آیه ۷۷.
.سوره طه آیه ۱۴.
.سوره بقره آیه ۱۸۶.
.سوره بقره آیه ۱۸۶.
.سوره مزمل آیه ۲.
.خزائن نراقی.
.نهج البلاغه.
.مناجات المجبین صحیفه.
.صحیفه مناجات العارفين.
.اصول کافی ج ۴ ص ۲۱۳.
.سوره مبارکه اسراء آیه ۷۹.
.و واعدنا موسى ثلاثین لیلة فاتمناها بعشر. (سوره اعراف ۱۴۲)
.فلما جنّ علیه اللیل رنا کوکباً قال هذا ربی. (سوره انعام آیه ۷۶)
.سبحان الذی اسراء بعده لیلاً من المسجد الحرام. (سوره اسراء آیه ۲)
.انا انزلناه فی لیلة القدر
.لیلة القدر خیر من الف شهر. (سوره قدر)

. انا انزلناه فی لیلة المبارکه

. بیدل همدانی مؤلف کتاب

. حدیث قدسی

. سوره مزمل آیه ۱۸.

. همان سوره آیه ۱۹.

. سوره هل اتی آیه ۲۵.

. سوره مزمل آیه ۶.

. براستی بیداری بعد از خواب حرکت آفرین است. چه بسا انسانهایی که مدتها در خواب غفلت به سر می بردند و از اثر تمایلات نفسانی و خواسته های حیوانی از حقیقت وجود خود غافل مانده بودند ولی هنگامی که بیدار شدند و تهجد یافتند به چنان مقامی رسیدند که زبان و قلم از وصف آن عاجز است. به مانند نمونه حربن یزید ریاحی بیداری بعد از خواب حر را به جایی کشاند که پیش از پرواز به جهان ملکوت مقام عظیم خود را مشاهده کرد و سر خود را در دامن ولی اعظم پروردگار دید و خطاب آنت حر و مژده آزادی و حریت را از زبان مخبر صادق امام بر حق ناطق یعنی فرزند رسول خدا حضرت حسین بن علی (ع) شنید و نخستین نتیجه بیداری پس از خواب را به زیباترین منظره مشاهده کرد.

شب رحلت هم از بستر روم تا قصر حورالعین***اگر در وقت جان دادن تو باشی
شمع بالینم

چه لذت بخش و فرح انگیز است حریت پس از رقیت و آزادی پس از اسارت. فضیل بن عیاض همان راهزن معروف و همان به خواب رفته غافل و اسیر نفس، هنگامی که ندای دلنشین قرآن (أَلَمْ یَأْنِ لِلَّذینَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِکرِ اللَّهِ) (آیا هنگام آن نشده است آنهایی که ایمان به خدا دارند در برابر خداوند و یاد پروردگارشان خاشع شوند) او را از خواب بیدار کرد و سرپای وجود فضیل را لرزاند چنان بیداری و بینایی دید که آنچه باید ببیند یعنی مقام شهود.

چشم دل باز کن که جان بینی***آنچه نادیدنی است آن بینی خوانندگان محترم و عزیز! امیدوارم که من و شما کاری کنیم که شایستگی بیدار شدن پیدا کرده از خواب غفلت سر برداریم.

زین خواب گران برخیز که عمرت به سر آمد***خورشید قیامت ز افق بین که در
آمد Ñ

Ø آن شام سیه طی شد و صبح دگر آمد***پیری و جوانی چو شب و روز برآمد
ما، شب شد و روز آمد و بیدار نگشتیم.

آری، بیداری پس از خواب (تهجد) مقام محمود در پی دارد به قول ربائی و

عارف بزرگوار شیخ بهایی رحمة الله علیه:

زین خواب گران بدار سری***می پرس ز عالم دل خبری

تا کی ز علایق جسمانی***در چاه طبیعت تن مانی

تا چند به تربیت بدنی***قانع به خزف ز دُرِ عدنی

یک دم به خود آ و ببین چه کسی***به چه بسته دلی به که هم نفسی

تو شاه جواهر ناسوتی***خورشید مظاهر لاهوتی...

آنهایی که سرگرم لذتهای مادی و اعتباری دنیا هستند و غافل از لذایذ روحی و معنوی در حقیقت خوابند.

حال دنیا را پرسیدم من از فرزانه ای***گفت یا باد است یا وهم است یا افسانه ای

گفتمش آنان که می دانند چرا دل بسته اند***گفت یا مستند یا خوابند یا دیوانه ای

ولی بیداران و هشیاران شب زنده داران لذت چشیدگان تهجد چنین می گویند:

دل بیدار من بر مردم خوابیده می گرید***بلی فهمیده بر احوال ناهمیده می گرید

ز چشم خویشتن آموختم آیین همدردی***که هر عضوی به درد آید، به حالش دیده می گرید انبیا و اولیا و مریدان بشر از هر کسی بیشتر برای انسانهای خوابیده دلسوزی می کنند و می گریند چون از هر کسی بیدارترند تمام تلاششان آن است خفتگان را بیدار کنند. البته گروهی هستند چنان دل به دنیا بسته و اسیر مادیات و زر و بر آن شده اند که همه همشان شکم و شهوت است و بی اعتنایی به جهات روحی و معنوی که در حقیقت خواب عمیق بر آنها مستولی شده است و دیگر هیچ کس و هیچ چیز آنها را بیدار نمی کند مگر مرگ که آن وقت دیگر بسیار دیر شده است.

الناس نیام اذا ماتوا انبتهوا (آنان خوابند زمانی که مردند بیدار می شوند) جز تأسف و حسرت چیزی نصیبشان نمی شود در آن هنگام می گویند ربّ ارجعونی لعلی أعملُ عملاً صالحاً فیما ترکْتُ.

بار خدایا! مرا برگردان به دنیا تا شاید عمل صالحی انجام دهم و جبران مافات کنم. در پاسخ ندای کلاً أنّها کلمة هو قائلها را می شوند (آن زمان که چون مرداری در شب و تبهکاری در روز اعمال و رفتار ناپاکان و پلیدان را پیشه خود کرده بودی اکنون آرزوی رسیدن به جایگاه پاکان و مقربان را داری، آنگاه که در خواب فرو رفته و یا خود را به خواب زده بودی و در مقابل گفته های خدا و رسول و عقل بی اعتنایی و سرگرانی می کردی اکنون برگشتن محال است، اگر چه اگر برگردی همچنان تحت تاثیر عوامل نفسانی و خواب آور قرار خواهی گرفت.

یا حیفة بالیل بطالة بالنهار تعمل عمل الفجار و أنت تطلب منازل الأبرار هیهات کم

تَضْرِبُ فِي حديدٍ بَارِدٍ.

یعنی: تو که ناخوانده ای علم سموات***تو که نابرده ای ره در خرابات

تو که سود و زیان خود ندانی***به یاران کی رسی، هیئات هیئات

و یا شاعر گمنام دیگری می گوید:

خروس صبح زد صُبُوحِ قَدُوسِ***پراور دیده را زین خواب منحوس

به غیر از خوردن و خفتن ندانی***نصیب اینت از معقول محسوس

در حقیقت بیدار آن کسی است که هر روز و هر شب بلکه هر ساعت مرگ را فراموش نکند و خود را شدیداً آماده این سفر طولانی و گردنه پرپیچ و خم و مخوف کند که علی(ع) فرمودند:

إِنَّ إمامَكُمْ مَنَازِلَ مَخُوفَةٍ

شما در پیش منزلهای خوفناکی دارید و نیز می فرماید: «عِبَادَ اللَّهِ تَجَهَّزُوا إِفْقِدُ نودی فیکم بالرحیل». ای بندگان خدا! خداوند شما را رحمت کند آماده کوچ کردن باشید که ندای کوچیدن در میان شما داده شده است.

ندای چاوشان مردان آیو***به گوشم ناله جان کندن آیو

رفیقان می روند نوبت به نوبت***امان روزی که نوبت بر من آیو

شخصی به حضور رسول خدا شرفیاب شد عرضه داشت یا رسول الله من اکیسُ النَّاسِ قَالَ(ص) مَنْ كَانَ أَكْثَرَ ذِکْرًا لِلْمَوْتِ وَ أَشَدَّ إِسْتِعْدَادًا لَهُ.

سوال کدر کسی زیرک ترین انسانهاست. فرمود:

«کسی که مرگ را بسیار یاد کند و شدیداً مهیای مردن باشد.»

و نیز از جمله عوامل بیدارکننده اندیشه درباره گذشتگان است چه انسانهای قدرتمندی که رفتند و بناهای عظیمی که ویران شدند و باز هم خواهند آمد و خواهند رفت و بنا خواهند کرد و ویران خواهند شد. واعظ قزوینی که در این رابطه بسیار زیبا سروده است:

جمشید کو سکندر گیتی ستان کجاست***آن حشمت و جلال و ملوک کیان کجاست

تاج قباد و تخت فریدون نگین جم***طبل سکندر و علم کاویان کجاست

این بانگ از مزار سکندر رسد به گوش***دارا چه شد سکندر گردون مکان کجاست

Ø وا کرده است طایمادین دهان به دام***فریاد می زند که انوشیروان کجاست

هر سیل چار منار زبانی است پُر خروش***گوید به صد زبان که جم شاه شهان کجاست

بر فرد فرد خشت جوانق نوشته اند***نعمان و آن دو رویه صفت چاکران
کجاست

ای دل رخت به ملک نیشاپور اگر فتد***آنجا سوال کن که آلب ارسلان کجاست
فرداست بلبلان همه با صد فغان و شور***خواهند گفت واعظ شیرین زبان
کجاست

امیرالمؤمنین(ع) به فرزندش امام حسن مجتبی(ع) می فرماید: پسرم، سرگذشت
گذشتگان را مطالعه کن و عبرت بگیر. آری، بهترین وسیله برای عبرت گرفتن
سرگذشت گذشتگان و تاریخ زندگی قدرتمندان و ستمگران از يك سو و زندگی
نیک مردان، پارسایان، دانشمندان، عارفان، زاهدان و سالکان طریق کمال از سوی
دیگر است.

. مولانا.

. مَزْمَل آیه ۱۷.

. سجها ج ۸۴ ص ۱۴۸.

. لقاله حاج میرزا جواد آقا ملکی.

. تفسیر نمونه از بحار.

. مولوی.

. تفسیر نمونه.

. بحار ج ۸۴.

. بحار ج ۸۴.

. بحار ج ۸۴.

. بحار الانوار ج ۸۴.

. مؤلف کتاب بیدل همدانی.

. سوره سجده آیه ۱۶ و ۱۷.

. نغمه الهی.

. تفسیر علی بن ابراهیم ذیل آیه و مِنْ اللَّیْلِ فَتَهَجَّدْ.

. ارشاد القلوب دیلمی.

. بحار ج ۸۴ ص ۱۵۵.

. بحار ج ۸۴ ص ۱۵۹.

. الهی قمشه ای نغمه الهی.

. بحار ج ۸۴ ص ۱۴۲.

. فیض کاشانی.

. بحار ج ۸۴ ص ۱۴۲.

. تحف العقول.

. استاد حسن آملی.

. بحار ج ۸۴ ص ۱۵۸.

. ذوالریاستین.

. سعدی.

. باباطاهر.

. بیدل مؤلف کتاب.

. حدیث قدسی.

. حافظ.

. دکتر قاسم رسا

. سعدی

. باباطاهر عریان

. حافظ

. حافظ

. لا ادری

. بیدل همدانی. مؤلف کتاب.

. سوره بقره آیه الكرسی

. بحار ج ۸۴ ص ۱۵۲

. بحار ج ۸۴ ص ۱۵۲

. شب مردان خدا

. (لا ادری)

. بحار ج ۸۴

. باباطاهر عریان

۲ و ۳ بحار ج ۷۶ ص ۱۸۰

. کشکول شیخ بهایی

. شیخ بهایی

. سعدی

. بحار ج ۸۴ ص ۱۳۹

. بحار ج ۸۴ ص ۱۳۹

. فیض کاشانی

. بحار ج ۷۶ ص ۱۸۰

. سفینة البحار ص ۶۲۶

. سوره مؤمنون آیه ۱۰۰

. رسول خدا(ص) نهج الفصاحه

. ثمرة الحیوة

. ثمرة الحیوة

. امالی صدو ص ۱۴۸

. بحار ج ۸۴ ص ۱۴۹

. مؤلف کتاب بیدل

. هود ۱۱۴

. بحار از علل الشرایع

. حافظ

. بحار ج ۸۴ ص ۱۴۹

. بحار ج ۸۴ ص ۱۵۳

. آیت الله حسن زاده آملی

. بحار ج ۸۴ ص ۱۲۳

. اسراء، آیه ۸۲.

. سلمان می گوید: روزی در مسجد به اتفاق شماری از اصحاب در محضر حضرت رسول اکرم بودیم که آثار وحی در چهره رسول خدا ظاهر شد. و این بار شدیدتر به طوری که آن حضرت با صدای بلند گریه می کرد و مردم هم گریه می کردند و کسی جرئت پرسش از آن بزرگوار را نداشت که بپرسد چرا گریه می کند. مجلس

یکپارچه گریه شده بود، ناگهان به خاطر رسید که هرگاه رسول خدا فاطمه زهرا - سلام الله علیها - را می دید متبسم می شد. با خود گفتم بروم فاطمه را خبر کنم. آهسته از میان جمعیت خارج شدم و به منزل زهرا - سلام الله علیها - رفتم. دیدم او مشغول دستداس است (آسیاب دستی) جریان را به عرض آن بانو رساندم و عرضه داشتم که اکنون شما به مسجد بیایید تا شاید رسول خدا از دیدن شما مسرور گردد. آن حضرت به پا خواستند و من به دنبال سرشان راه افتادم (البته مشاهداتی هم دارد که بماند) تا به در مسجد رسیدم. زهرا ای مرضیه پس از سلام گفتند ما ما یُبکیک یا اَبَتَا (ای پدر چه چیز شما را به گریه درآورده است). رسول خدا وقتی فاطمه را مشاهده کردند از گریه خودداری فرمودند و سپس فرمودند: دخترم چگونه گریه نکنم حال آنکه الان این آیه بر من نازل شد.

إِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَابٍ وَ لِكُلِّ بَابٍ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ. (سوره حجر آیه ۴۴).

آیه درباره اهل جهنم است. سلمان می گوید هنگامی که فاطمه - سلام الله علیها - آیه را شنیدند صیحه ای کشیدند و به روی زمین افتادند و غش کردند. همچنین علی (ع) و ابان و مقداد و هر یک ناله ها داشتند و سخنانی را می گفتند ولی عده دیگر آیه در آنها اثری نکرد و کوچکترین تحولی درشان ایجاد نشد. (که البته حدیث مفصل است و بنده به طور اختصار و مفهوم آن را نقل کردم). از کتاب بیت الاحزان

. سوره انفال آیه ۲.

. سوره تحریم آیه ۶.

. نقل از کتاب پند تاریخ.

. خطبه ۱۵۶.

. تفسیر نمونه.

. اصول کافی ج ۴.

. أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ. «آیا وقت آن نشده است آنهایی که ایمان آورده اند قلب هایشان بلرزد برای یاد خدا» سوره حدید آیه ۱۶.

. مؤلف کتاب (بیدل).

. نهج الفصاحه.

. نهج الفصاحه.

. نهج البلاغه خطبه ۱۸۴ فیض الام.

. نغمه الهی.

- . بحار الانوار ج ۸۴.
- . حسن زاده آملی.
- . سوره سجده آیه ۱۶.
- . اصول کافی ج ۲ بابا دعائم الاسلام حدیث ۱۵ ص ۲۰ به نقل تفسیر نمونه.
- . به نقل از تفسیر نمونه مجمع البیان.
- . سفینة البحار ج ۲ ص ۱۷۰.
- . جواد وجدی.
- . مضمون روایت از منتهی الآمال.
- . نهج البلاغه حکمت ۷۴.
- . از مؤلف کتاب (بیدل).
- . نهج البلاغه حکمت ۷۴.
- . سوره آل عمران آیه ۱۹ و ۱۹۱.
- . به نقل و ترجمه شب مردان خدا از سفینة البحار ج ۱ ص ۹۵ کلمه بکاء.
- . مؤلف کتاب.
- . بحار ج ۶۴ ص ۸۰.
- . نغمه الهی قمشه ای.
- . منتهی الامال در حالات حضرت زهرا سلام الله علیها.
- . ???.
- . مولوی مثنوی.
- . بحار ج ۸۴ ص ۱۵۶.
- . بحار ج ۸۴ ص ۱۴۲.
- . بحار ج ۵۴ ص ۱۴۲.
- . مؤلف کتاب.
- . الفت.
- . آل عمران آیه ۱۷.
- . بیدار کرمانشاهی.
- . تفسیر نمونه ج ۲ ص ۳۴۵.

. نهج الفصاحه حدیث ۱۱۴۹.

. نهج الفصاحه حدیث ۱۱۴۹.

. نهج الفصاحه حدیث ۱۱۴۹.

. اصول کافی ج ۴.

. همان مدرک و اصول کافی ج ۴ ص ۲۱۴.

. البته از این روایت هم نباید غافل ماند:

قال رسول الله(ص)

رُبَّ صَائِمٍ لَيْسَ مِنْ صِيَامِهِ إِلَّا الْجُوعُ وَ رُبَّ قَاتِمٍ لَيْسَ لِقِيَامِهِ إِلَّا السُّهْرُ.

«رسول خدا صل الله علیه و آله فرمودند:

«چه بسا روزه داری که جز گرسنگی چیزی برای او نیست و چه بسا شب زنده داری که جز بیداری چیزی برای او نخواهد بود.» نهج الفصاحه حدیث ۱۶۴۵.

. حافظ.

. اصول کافی ج ۴ ص ۲۲۷.

. سوره یوسف آیه ۹۸ در مورد این که برادران یوسف پس از پشیمانی از کردار خود درباره برادرشان یوسف پیش حضرت یعقوب آمدند و طلب عفو کردند حضرت فرمودند بزودی برای شما طلب آمرزش می کنم از پروردگرم و این وعده را در سحر انجام داد.

. اصول کافی ج ۴ ص ۳۲۸.

. اصول کافی ج ۴ ص ۳۲۸.

. حسن زاده آملی.

. مؤلف.

. اصول کافی ج ۴ ص ۲۲۶.

. حافظ.

. سوره سجده آیه ۱۷.

. این داستان از کتاب «شب مردان خدا» بدون تصرف نقل شده است.

. کتاب لقالله آیه الله ملکی تبریزی.

. کتاب لقالله آیه الله ملکی.

. کتاب لقاالله آیه الله ملکی.

. بحار ج ۸۴.

. بحار ج ۸۴.

. بحار ج ۸۴.

. در پاورقی لقاالله از مرحوم حجة الاسلام سید محمود یزدی که در بیرونی آن
مرحوم می نشست نقل شده است.

. نقل از کتاب مجالس ابن الشیخ (لقاله).

. بلد الامین.

. همان مدرک.

. پرتو نوبتی کرمانشاهی

. عیون اخبار الرضا.

. بیدل مؤلف کتاب.

. ثواب الاعمال و مجالس صدور علیه الرحمه.

. بیدل همدانی مؤلف کتاب.

. ارشاد القلوب باب ۱۳.

. نهج الفصاحه حدیث ۱۸۱۵.

. سوره توبه آیه ۸۱.

. نهج الفصاحه.

. تفسیر نمونه ذیل آیه فلیضحکوا قليلا.

. سوره مریم آیه ۵۸.

. سوره اسرا آیه ۱۰۹.

. مؤلف کتاب.

. اصول کافی ج ۴ ص ۳۳۳.

. نهج الفصاحه حدیث ۱۱۱۳.

. مولوی.

. بیدل همدانی مؤلف کتاب.

. اصول کافی ج ۴ ص ۲۳۴.

. نهج الفصاحه حدیث ۱۶۵۸ .

. از پیروی در برخی از اخبار رسیده چنین آمده است که در روز قیامت اعضا آدمی شهادت می دهند بر عیبه او به لغزش و گناهانی که به وسیله آنها مرتکب شده است. در آن هنگامی که تار مویی از مژه چشم او پر می زند و از خدای - تعالی - اذن می طلبد تا شهادت برله او دهد خداوند می فرماید سخن بگو ای چشم بنده من و احتجاج کن برای او. سپس آن مو چنین شهادت می دهد که این بنده خدا شبی از خوف پروردگارش گریه کرد و من از اثر گریه او نمناک شدم. خداوند این شهادت را می پذیرد و آن گنهکار را می آمرزد. سپس منادی ندا می دهد این شخص آزاد شده خداست به واسطه موی چشم او. (کشکولی شیخ بهایی ج یک ص ۵۷) از تفسیر نیشابوری. در ذیل آیه مبارکه الیوم نختم علی افواهم و تکلمنا ایدیههم و تشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون (سوره یس آیه ۶۵).

. صحیفه سجادیه.

. مصباح الشریعة.

. خواجه عبدالله انصاری.

. نهج الفصاحه حدیث ۱۲۷۰ .

. همان مدرک حدیث ۱۳۶۴ .

. ابوالقاسم حالت.

و ۲. اصول کافی ج ۴ ص ۲۳۴ .

. بزرگترین گریه کنندگان عالم (بکانون عالم)

آنچه که از تاریخ و روایات مستفاد می شود چهار نفر بیش از هر کس گریه کرده اند تا آنجا که لقب بکانون عالم به آنها داده شده است.

اول آدم ابولبشر (ع) به خاطر ترك اول و عصیان

دوم یعقوب پیغمبر (ع) در فرا و هجران یوسف

سوم فاطمه زهرا (ع) در مبارزه با ستمگران و جدا شدن از پدر

چهارم علی بن الحسین (ع) از خشیت و خوف پروردگار و مصایب کربلا و عاشورا

(البته بدیهی است که انگیزه گریه همه آن بزرگواران به جهت قرب به حضرت حق بوده است.)

. لقاالله ملکی.

- . همان مدرك.
- . نهج الفصاحه ۱۹۱۸.
- . فرهاد - على اشترى -.
- . نهج الفصاحه.
- . نهج الفصاحه حديث ۲۵۵.
- . تحف العقول.
- . بحار الانوار.
- . مؤلف.
- . باباطاهر.
- . مؤلف كتاب (بیدل).
- . مؤلف كتاب (بیدل).
- . کلیات سعدی ص ۷۱۹.
- . لقاالله مللی ص ۱۴۸.
- . همان مدرك.
- . كشكول شيخ بهایی.
- . همام تبریزی.
- . از نغمه اللهی قمشه ای.
- . وسایل الشیعه ج ۳ كتاب الصلوة باب المواقیت.
- . وسائل الشیعه جلد ۳ كتاب الصلوة باب المواقیت.
- . نغمه اللهی قمشه ای.
- . منتهی الامال.
- . علل الرابع ج ۲.
- . لقاالله ملکی نقل از بلد الامین.
- . قسمتی از مناجات بیدل مؤلف كتاب كه قبل ذكر شد.
- . سوره زمر آیه ۹.
- . سوره زمر آیه ۹.
- . نهج البلاغه او اخر نامه ۴۵.